



● وضعیت کنونی ایران
بیانگر یک مرحله‌ی گذار است

● مدرنیته‌ی دموکراتیک
پروژه‌ی صلح جهانی‌ست

● پاراستنی جهوه‌ری
ناتهرناتیوی هیزی ده‌سه‌لات

● امیر کریمی:

قیام ۳ اسفند گامی نوین در جستجوی آزادی است

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال چهاردهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی سی و چهارم

اسفند ۱۴۰۳

FEBRUARY 2025

۳۴



آلترناتیو

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک





ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/بژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال چهاردهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی سی و چواروم

اسفند ۱۴۰۳

۳۴

FEBRUARY 2025



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jin_jiyan_azadi2022
mail: presspjak@gmail.com

فهرست

رهبر آپو	۵ سخن آغازین
مصاحبه‌ی الترناتیو	۷ وضعیت کنونی ایران بیانگر يك مرحله‌ی گذار است
رزین کمانگر	۱۰ امیر کریمی: قیام ۳ اسفند گامی نوین در جستجوی آزادی است
رامتین صبا	۲۱ مدرنیته‌ی دموکراتیک، پروژه‌ی صلح جهانی‌ست
هیمن ارموی	۲۴ مبارزه خلق‌کورد، تعیین‌کننده حق آزادی رهبرآپو است...
آرام کریم	۲۸ رژیم ترکیه، بازیگر مخرب مناطق اورمیة تا ماکو
بیستون مختاری	۳۴ پیوستن یا عدم پیوستن ایران به سازمان FATF
نامه‌ی زینب جلالیان	۴۳ آتش مقدس امیدواری
نامه‌ی وریشه مرادی	۴۸ در برابر حکم اعدام هم‌نوعان‌تان سکوت نکنید
فراخوان پژاک	۴۹ یا باید زندگی را نزیست و یا باید با معنا و متعالی زیست
سهردار چلچهمه	۵۴ امرالی، سیستمی برای به بندکشیدن آزادی خلق کورد است
ثامه‌د شاهو	۵۶ پاراستنی جه‌وه‌ری نالته‌رناتیوی هیژی ده‌سه‌لات
	۶۰ هه‌والگری پارچه‌یه‌کی شه‌ری هیبریدییه
	۷۰ معرفی کتاب

سخن آغازین



کنید» خود در منافات می‌دیدند و به همین دلیل آلتزناتیوهای جنبش آپویی را که این دو امر مهم از ستون فقرات اندیشه آن می‌باشد، برمی‌تابیدند. مهمتر از همه می‌خواستند از طریق توطئه بین‌المللی، شخص رهبر آپو را از مبارزه منصرف و به این طریق ایشان را بی‌تاثیر بگردانند.

با توجه به پرسش مطرح شده و مواردی که ذکر گردید، به جرات می‌توان گفت که امروز رهبر آپو قوی‌تر از همیشه در عرصه مبارزه نظری و عملی در صحنه وجود دارد و با وجود تمام ترفندها و محدودیت‌ها بانیان توطئه نتوانستند ایشان را از صحنه مبارزه حذف کنند. شاهد هستیم که رهبر آپو همچنان مخاطب اصلی مسئله کورد در هر چهار بخش کوردستان و بویژه در شمال و غرب کوردستان می‌باشد که امروزه خبرهای اوضاع این دو بخش از کوردستان در صدر خبرهای جهان می‌باشند. به نوعی دیگر رخدادهای اخیر سوریه بعد از سقوط بشار اسد و همچنین اظهارات اخیر سردمداران دولت ترکیه بار دیگر قدرت و توان رهبر آپو را در عرصه اندیشه سیاسی و سیاست عملی به نمایش گذاشت. در عین حال امروزه اندیشه‌های رهبر آپو که در شعار جذاب و افسونگرانه ژن، ژیان، آزادی متبلور می‌باشد، مرزهای کوردستان و

بیست و شش سال از وقوع توطئه بین‌المللی ۱۵ فوریه علیه رهبر آپو و خلق کورد می‌گذرد و ما وارد بیست و هفتمین سال آن می‌شویم. پرسشی که اینجا طرح می‌شود این است که آیا بانیان توطئه به اهداف خود رسیده‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید اهداف بانیان توطئه را مرور کرد و بعد وضعیت اکنون جنبش‌مان و خلق کورد را مورد تحلیل قراردهیم. درواقع این مورد بطور واضح پاسخ پرسش‌مان را خواهد داد. بر کسی پوشیده نیست که اولین هدف توطئه‌گران تصفیه جنبش و ناتوان ساختن خلق کورد بود تا علیه خلق کورد، تمام خواسته‌های خودشان را جامه عمل بپوشانند. همچنین ممانعت از گسترش افکار آپویی و عملی گشتن آلتزناتیوهای آن در سطح کوردستان، خاورمیانه و درکل جامعه انسانی از اهداف آنان بود. سعی داشتند از طریق توطئه، آلتزناتیوی را که حل مسائل خاورمیانه، حل مسئله کورد، آزادی زن و حیات مسالمت‌آمیز خلق‌ها و جوامع در صدر آن بود در نطفه خفه کنند. یعنی بسط حیات آزاد و دموکراتیک در کوردستان و کل خاورمیانه را با پروژۀ بازترسیم خاورمیانه نوین خود هم‌راستا نمی‌دیدند. در واقع مسئله کورد به گره‌کورد خاورمیانه تبدیل شده و همانطور که لاینحل گذاشتن آن می‌تواند بحران خاورمیانه را عمیق‌تر گرداند، حل آن هم گره از بسیاری از مسائل خاورمیانه می‌گشاید. طبیعتاً بانیان توطئه نیز خاورمیانه‌ای بحران‌زده را همیشه برای اجرای طرح‌های خود خواستارند و به همین دلیل مانع طرح آلتزناتیوهای مترقی، دموکراتیک و بویژه برآمده از اندیشه مستقل از طرح‌های خود می‌شوند.

از سوی دیگر مسئله زن و حیات مسالمت‌آمیز خلق‌ها و عقاید متفاوت را با ستراتیژی «تفرقه بینداز و حکومت

«در واقع مسئله کورد به گره‌کورد خاورمیانه تبدیل شده و همانطور که لاینحل گذاشتن آن می‌تواند بحران خاورمیانه را عمیق‌تر گرداند، حل آن هم گره از بسیاری از مسائل خاورمیانه می‌گشاید»

« امروزه خلق کورد در تمام
بخش‌های کوردستان بویژه در شرق
کوردستان در اوج مبارزه می‌باشد.
رژیم جمهوری اسلامی ایران هرچند
تمام تلاش خود را به خرج می‌دهد
تا از دست نیروی جنبش ژن، ژیان،
آزادی بگریزد، ولی مقاومت زنان
مبارز کورد به نیروی الهام‌بخش و
نماینده تمام ملل تحت ستم و بویژه
زنان این ملل در ایران تبدیل گشته
است»

دموکراتیک میسر نگردد، گسترش مقاومت و مبارزه ادامه
دارد و باید بیش از پیش آن را گسترش داد.

در واقع شاید هیچ وقت به اندازه امروز فرصت‌ها و
تهدیدها در مقابل ما به این سطح نرسیده‌اند، به این
معنی که ما روبروی تهدیدها و فرصت‌هایی هستیم که
اگر بطور صحیح مقاومت و مبارزه را پیش ببریم و بویژه
خود را مطابق شیوه‌های مبارزه‌گری آپویی وفق دهیم،
توان خنثی‌کردن تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها را بیش
از هر زمانی دارا هستیم. همچنین شاید هیچ وقت
استعمارگران کوردستان به اندازه اکنون در موقعیت
ضعف نبوده‌اند. توجه به وضعیت امروز سوریه، عراق
و بویژه ایران و ترکیه این واقعیت را هرچه بیشتر به ما
نشان می‌دهد.

خاورمیانه را در نوردیده و جهان‌گستر شده است.
همچنین با وجود گذشت بیست و شش سال از وقوع
توطئه امروزه جنبش آپویی در کلیت خود جنبشی
پویا و توانمند در کوردستان، خاورمیانه و جهان است
که حضوری فعال دارد و در تمام عرصه‌ها بیش از پیش
برای خلق کورد، خلق‌های منطقه و جهان، بویژه برای
زنان منبع امید و نیرو می‌باشد. با نقش‌آفرینی نیروی
گریلای مدرن هیجان انقلابی را به اوج خود رسانده و
با طرح‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود به
یک نیروی خلاق و فرصت‌آفرین در متعالی‌ترین شکل
خود تبدیل شده است.

امروزه خلق کورد در تمام بخش‌های کوردستان
بویژه در شرق کوردستان در اوج مبارزه می‌باشد.
رژیم جمهوری اسلامی ایران هرچند تمام تلاش خود را
به خرج می‌دهد تا از دست نیروی جنبش ژن، ژیان،
آزادی بگریزد، ولی مقاومت زنان مبارز کورد به نیروی
الهام‌بخش و نماینده تمام ملل تحت ستم و بویژه زنان
این ملل در ایران تبدیل گشته است. این جنبش گریبان
رژیم تتوکراتیک و مردسالار را گرفته و زنانی چون زینب
جلالیان، پخشان عزیز و وریشه مرادی امروز با تمام
توان جمهوری اسلامی ایران و ذهنیت مردسالارانه آن
را به چالش کشیده‌اند. در واقع به مثابه نقشی را که
امروزه زنان کورد در کوردستان، ایران و خاورمیانه ایفا
می‌کنند، مبارزات آزادی‌خواهانه خلق کورد در کلیت
خود نیز به نیروی پیشاهنگ برای سایر ملل تحت ستم
در ایران تبدیل گشته است.

این وضعیت نیز نشانگر آن است که رهبر آپو، خلق
کورد و مبارزان آزادیخواه سراسر جهان که در این مبارزه
سهیم می‌باشند، با وجود گذشت بیست و شش سال از
وقوع توطئه ولی توانسته‌اند با مقاومت و مبارزه بی‌نظیر
خود مانع رسیدن بانیان توطئه بین‌المللی به اهداف
شوم‌شان شوند. البته این به این معنی نیست که بطور
کامل خطرات رفع شده‌اند. در واقع تا آزادی فیزیکی
رهبر آپو و حل مسئله کورد محقق و ثبات خاورمیانه‌ای

وضعیت کنونی ایران بیانگر یک مرحله‌ی گذار است



ایرانیان دارای نقش بودند. تأثیرات ایران باعث ایجاد اعتدال در نظام عباسیها گردید. تمدن صفوی ایران در مقایسه با سنی‌گرایی افراطی عثمانی و ارتجاع و مرکزیت‌گرایی فئودالی آن، بسیار مردمی‌تر بوده است. صفویان به رشد ذهنیت علوی‌گرایی کمک نمودند. ایرانیان در قرن ۱۹ نیز جنبش فرم‌اسیون خویش را ادامه دادند.

آخرین انقلاب عظیم قرن بیستم، نصیب ایرانیان گردید. نکته‌ی قابل توجه آن است که این انقلاب در واقع به عنوان یک انقلاب خاورمیانه‌ای به آسانی به خاموشی نمی‌گراید. در صورتیکه جنبش رفرم‌گرایی داخلی با تأثیر خارجی تمدن دمکراتیک یکی شوند، چنین پیش‌بینی میشود که محافظه‌کاری اسلامی تحت نام «انقلاب اسلامی ایران» به طور اجتناب‌ناپذیری از بین خواهد رفت. انقلاب اسلامی ایران یا خود را از بین خواهد برد و یا اینکه تحت نام اسلام‌گرایی با تسویه حساب با محافظه‌کاری خاورمیانه، این

تمدن ایران همچنان در حفظ خصوصیات تاریخی خویش پایداری می‌کند. امروزه درصد ادامه‌ی نقشی که در جریان جدایی تمدن شرق از تمدن غرب ایفا نمود، از طریق توسعه‌ی فرهنگ اسلام دمکراتیک میباشد. این نوع جنبشهای رفرم‌گرایانه در ایران، به قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخی برمی‌گردد. تمدن ایران، تمدن خشن آشوری را معتدل‌تر ساخت. پیدایش دین زرتشت و توسعه‌ی امپراطوری پارس که باعث ایجاد رفرم در نظام برده‌داری گردید، با توجه به شرایط آن دوران در واقع به منزله‌ی پیروزی دمکراسی میباشد. نقش فرهنگ ایرانی در متمدن شدن آسیا بسیار اساسی بوده است. فرهنگ مذکور از همان اوایل رویارویی با تمدن فئودال اسلام، آنرا رفرمیزه کرده است. مذهب شیعه‌ی ایرانی، اولین فرم‌اسیون مثبت در اسلام است. قبل از آن مانی و مزدک درصد رفرمیزه کردن سیستم برده‌داری ساسانی برآمده بودند. بابک یک رهبر توده‌ای در برابر سنی‌گرایی عباسی بود. در فروپاشی امویان،

مشکل را بطور ریشه‌ای حل خواهد کرد. در این حالت، نتایج انقلاب اسلامی ایران به آسانی زوده نخواهد شد. وضعیت کنونی ایران بیانگر يك مرحله‌ی گذار است. رژیم ایران یا در داخل به محافظه‌کاری بیشتری روی خواهد آورد، که در اینصورت تحمل توده‌های مردم به پایان خواهد رسید، یا اینکه بسوی رفرمهای واقعی گام برخواهد داشت. بدین شیوه اجباراً يك موج دمکراتیک اسلامی در سطح خاورمیانه بوجود خواهد آمد. همانطوری که سرمایه‌داری اسرائیل از طریق دمکراسی در غرب خاورمیانه، فتودالیسم و ملی‌گرایی اعراب را تحت فشار قرار داده است، ایران نیز در شرق خاورمیانه بایستی از طریق ایجاد دمکراسی در اسلام، همان نقش را برعهده گیرد.

در این حالت، فتودالیسم اسلامی اعراب به نحوی در میان دوگیره قرار خواهد گرفت. تداوم حیات اسلام آنتی دمکرات و فتودال به مدتی طولانی، پیش‌بینی نمیشود. مرحله‌ی گذار در ایران زیاد طول نخواهد کشید. در صورتیکه رژیم ایران به محافظه‌کاری بیشتری روی آورد، از سوی رفرم‌گرایی و ملی‌گرایی از داخل متلاشی خواهد شد. اگر ایران در راستای توسعه‌ی دمکراسی متحول شود، قادر به ایجاد «اتحادیه‌ی فدراتیو دمکراتیک ایران» خواهد شد. این نیرومندترین سیستم

در خاورمیانه خواهد بود؛ «جمهوری اسلامی دمکراتیک ایران» یکی از اهرمهای نیرومند در اعتلای دمکراسی خاورمیانه خواهد بود. آلترناتیو مذکور، ضمن بهره‌گیری فراوان از پایه‌ی تاریخی تمدن خویش، باید با تمدن دمکراتیک معاصر نیز به شیوه‌ای سازشکارانه و متکی بر صلح ایجاد رابطه کند. در هر دو حالت و در شرایط عینی ایران، احتمال بوجود آمدن آنتی‌تزی افزایش خواهد یافت. ایران بدلیل آنکه در گذشته همواره نقش موثری در تمدن منطقه داشته است، از این پس نیز مجبور به برعهده گرفتن چنین نقشی خواهد بود. در این حالت ایران بر مناطق آسیای میانه، قفقاز و کل خاورمیانه تأثیرگذار خواهد بود. این امر، مستلزم یافتن يك راه حل کلی به شیوه‌ی اسلام دمکراتیک است. امکان موفقیت ایران در این زمینه قابل بحث میباشد. در صورت عدم موفقیت، نظام محافظه‌کارتری به اقتدار خواهد رسید که در نهایت از بین خواهد رفت. در این وضعیت، ملی‌گرایی همچنان حیات خواهد یافت. سرنوشت آینده‌ی ایران، بیشتر بصورت يك اتحادیه‌ی دمکراتیک فدرال بعنوان آلترناتیو رقم خواهد خورد. اگر «فدراسیون اسلامی ایران»، بوجود نیاید، «فدراسیون دمکراتیک ایران» که احتیاجی به روپوش دینی ندارد، پدید آمده که در دراز مدت وقوع چنین احتمالی افزایش خواهد یافت. ایران در گذشته نیز بصورت يك فدراسیون بوده است؛ بعبارتی تاسیس فدراسیون دمکراتیک ایران بسیار دشوار نخواهد بود. شاید ایران یکی از اولین کشورهایی باشد که به فدراسیون خاورمیانه می‌پیوندد. فدراسیون کنونی نیز میتواند به حالتی آشکارتر و قانونی درآید.

به راحتی میتوان از نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ی تحولات درونی ایران در سیر تحولات خاورمیانه در قرن ۲۱ بحث نمود. ایران سومین ستون اساسی آنتی‌تزی که خاورمیانه در برابر تمدن اروپا ایجاد خواهد کرد را تشکیل می‌دهد؛ ستون اول را اسرائیل، دومی را اعراب و سومین آنرا به دلایل تاریخی، جغرافیایی و نهادهای روبنایی و زیربنایی ایران تشکیل می‌دهند. آنتی‌تزی خاورمیانه با مشارکت ایران، قدرت زیادی کسب خواهد کرد. نمایندگی این آنتی‌تزی را اسرائیل در کل تمدن غرب، اعراب در عربستان و قاره‌ی افریقا و ایران در قاره‌ی آسیا بر عهده خواهند داشت. آنتی‌تزی خاورمیانه با

مشکل را بطور ریشه‌ای حل خواهد کرد. در این حالت، نتایج انقلاب اسلامی ایران به آسانی زوده نخواهد شد. وضعیت کنونی ایران بیانگر يك مرحله‌ی گذار است. رژیم ایران یا در داخل به محافظه‌کاری بیشتری روی خواهد آورد، که در اینصورت تحمل توده‌های مردم به پایان خواهد رسید، یا اینکه بسوی رفرمهای واقعی گام برخواهد داشت. بدین شیوه اجباراً يك موج دمکراتیک اسلامی در سطح خاورمیانه بوجود خواهد آمد. همانطوری که سرمایه‌داری اسرائیل از طریق دمکراسی در غرب خاورمیانه، فتودالیسم و ملی‌گرایی اعراب را تحت فشار قرار داده است، ایران نیز در شرق خاورمیانه بایستی از طریق ایجاد دمکراسی در اسلام، همان نقش را برعهده گیرد.

**«آخرین انقلاب عظیم قرن بیستم،
نصیب ایرانیان گردید. نکته‌ی
قابل توجه آن است که این انقلاب
در واقع به عنوان يك انقلاب
خاورمیانه‌ای به آسانی به خاموشی
نمی‌گراید. در صورتیکه جنبش
رفرم‌گرایی داخلی با تاثیر خارجی
تمدن دمکراتیک یکی شوند، چنین
پیش‌بینی میشود که محافظه‌کاری
اسلامی تحت نام «انقلاب اسلامی
ایران» به طور اجتناب‌ناپذیری از بین
خواهد رفت»**

«در خاورمیانه، ارمنیها، آشوریان و گروههای قومی دیگر قفقازیاصل وجود دارند. جایگاه و نقش آنان مشابه کردها میباشد. تمامی شواهد تنها راه رهایی آنان را در تلاش برای توسعهی دموکراسی از طریق نیروی ذاتی خود، نشان می‌دهند. به نسبت رشد دموکراسی درخاورمیانه و سایر کشورها، گروههای قومی مذکور از امکان ادامه‌ی حیات با هویت فرهنگی و آزادی برخوردار خواهند شد»

کما فرهنگ زاینده‌ی ایران تقویت خواهد شد.

رشد دموکراسی و رعایت اصول آن در سطح دنیا، روند مزبور را تحت تاثیر قرار خواهد داد. اعمال فشار کشورهای دنیا برای رشد دموکراسی در عراق، همچنین رشد اسلام دموکراتیک در ایران و رشد دموکراسی معاصر در ترکیه، همگی در راستای تامین منافع رژیمهای حاکم در آن کشورها قرار می‌گیرد. رشد دموکراسی در این کشورها، تمامیت ارضی آنها را به خطر نخواهد انداخت. تمام تحولات خارجی و داخلی سبب شده‌اند که برای اولین بار فرصت چاره‌یابی دموکراتیک مسئله‌ی کرد فراهم گردد. کردها باید به ضامن اتحاد در یک چارچوب دموکراتیک تبدیل شوند. برای اولین بار در تاریخ، فرصت برداشتن گامهای موفقیت‌آمیز مشترک جهت ایجاد دموکراسی از سوی ملتهای خاورمیانه فراهم می‌گردد.

تاریخ، در این مرحله نقشی استثنایی را به ملت کرد محول کرده است. تقسیم کردها در کشورهای خاورمیانه، اکنون برای آنان یک امتیاز می‌باشد. حتی مسموم‌نشدن ملت کرد با ملی‌گرایی نیز نتیجه‌ای مثبت به بارآورده است. اگر ملت کرد در خود تحول دموکراتیک بوجود آورد، در کشوری که زندگی می‌کند، ملت آنجا را نیز وادار به انتخاب راه حل دموکراتیک خواهد ساخت. در گذشته، کردها به یک وسیله‌ی جدایی

طلبی و آلت دست بیگانگان تبدیل شده بودند، امروزه بر خلاف گذشته، تحقق آزادی، صلح و برادری را تضمین می‌نمایند. جنبش کرد پایه‌ی اصلی وحدت دولت و حفظ تمامیت ارضی میباشد. از این پس، کردها در هر جایی که زندگی می‌کنند، توسعه‌ی دموکراسی و آزادی را در خاطرها متجلی خواهند ساخت.

کردها در ایران برای ایفای این نقش تاریخی، گامهایی استوار در راه ایجاد جمهوری دموکراتیک اسلامی و یا سیستمی مدرنتر خواهند داشت. در عراق در چارچوب یک فدراسیون دموکراتیک به ضامن اصلی تشکیل «عراق دموکراتیک» و یا «فدراسیون عراق» تبدیل خواهند شد. در ترکیه نیز برای پیروزی جمهوری دموکراتیک و لایک با گامهایی حساب شده و دموکراتیک نقشی اساسی ایفا خواهند نمود. از سویی نقش آنان در تاسیس سوریه‌ی دموکراتیک را نمیتوان دست کم گرفت. بدیهی است که ایفای موفقیت‌آمیز این نقشها، تاسیس فدراسیون خاورمیانه را تضمین خواهد کرد. آنان به نیرویی اساسی در ایجاد صلح و دموکراسی در خاورمیانه تبدیل خواهند شد. کردها برای انجام این وظایف و ایفای نقش تاریخی خود با استفاده از علم و سازماندهی و تحت پیشاهنگی یک استراتژی واقع‌بینانه به سوی پیروزی گام خواهند برداشت.

در خاورمیانه، ارمنیها، آشوریان و گروههای قومی دیگر قفقازیاصل وجود دارند. جایگاه و نقش آنان مشابه کردها میباشد. تمامی شواهد تنها راه رهایی آنان را در تلاش برای توسعه‌ی دموکراسی از طریق نیروی ذاتی خود، نشان می‌دهند. به نسبت رشد دموکراسی درخاورمیانه و سایر کشورها، گروههای قومی مذکور از امکان ادامه‌ی حیات با هویت فرهنگی و آزادی برخوردار خواهند شد. با وجود اینکه جمعیت این گروهها کم میباشد، اما هر یک از آنها ناقل یک فرهنگ غنی میباشد که موجب رنگارنگ شدن هر چه بیشتر دموکراسی خواهند شد.

برگرفته از کتاب «از دولت کاهنی سومر به سوی تمدن

دموکراتیک جلد ۱»

امیر کریمی: قیام ۳ اسفند گامی نوین در جستجوی آزادی است



۱۵ فوریه مصادف است با بیست و هفتمین سالروز توطئه‌ی بین‌المللی علیه رهبر آپو، تا به حال این توطئه از زوایای بسیاری ارزیابی شده است. در این گفتگو می‌خواهیم که تاثیرات این توطئه‌ی بین‌المللی را به صورت خودویژه در روژه‌لات کوردستان مورد ارزیابی قرار دهیم. هنگامی که در بهمن ۷۷ خبر دستگیری رهبر آپو و تحویل وی به رژیم فاشیست ترکیه در رسانه‌ها منتشر شد، مردم روژه‌لات واکنشی خیره‌کننده از خود نشان دادند. حتی در میان نیروهایی که در توطئه نقش اساسی داشتند نیز کمتر کسی فکر می‌کرد که مردم کورد در این بخش از کوردستان به این گستردگی نسبت به توطئه موضعگیری نمایند و قیام ۳ اسفند را ترتیب دهند. چرا که تفکر رایج در آن دوره چنین می‌پنداشت که تاثیرات جنبش آپوئی در روژه‌لات بسیار کم‌رنگ بوده و مردم این بخش از کوردستان شناخت مناسبی از رهبر آپو ندارند، پس واکنش‌ها نیز در این بخش بسیار محدود خواهد بود، اما چیزی که در واقعیت رویداد همگان را به حیرت واداشت. سپس با زندانی کردن رهبر آپو در زندان و سیستم شکنجه‌ی امرالی خواستند تا ابتدا جنبش آپوئی را منحل نمایند و پس از آن مراحل نسلکشی فرهنگی در کوردستان را تکمیل نمایند، اما زندانی کردن رهبر آپو نه تنها به بی‌تاثیرسازی وی منجر نشد بلکه ایشان توانستند که با مقاومت و نگارش کتب پارادایم نوین در زندان پایه‌های تئوریک - فلسفی یک زندگی نوین و آزاد را برای بشریت پایه‌ریزی نمایند و ایشان به یک شخصیت جهانی مبدل شوند، امروزه نیز پس از ۲۷ سال از این توطئه کسانی که می‌خواستند رهبر آپو و جنبش آزادی کوردستان را از صحنه‌ی روزگار محو نمایند مجبور شده‌اند که بار دیگر به رهبر آپو مراجعه کنند تا بلکه بتوانند بدین گونه از بحران‌های باتلاق ماندشان رهایی یابند. در این رابطه گفتگویی اختصاصی را با امیر کریمی ریاست مشترک حزب حیات آزاد کوردستان - پژاک ترتیب داده‌ایم. که در زیر متن کامل آن در دسترس است.

سطح علمی، مسئولیت‌پذیری و انقلابی‌گری زنان ما را حیرت‌زده کرد

آلترناتیو: موضع‌گیری خلق کورد علیه توطئه‌ی بین‌المللی در روژهای چگونه شکل گرفت؟ آیا صرفاً یک واکنش احساسی بود یا مسائل دیگری در جریان بودند؟

امیر کریمی: در ابتدا توطئه بین‌المللی صورت گرفته در روز سیاه ۱۵ فوریه را محکوم می‌کنیم. در هنگام توطئه‌ی بین‌المللی در ایران و روژهای کوردستان واکنش‌های شدیدی رویدادند، اما قیام خلق کورد در آن برهه تنها یک واکنش و به صورت خاص یک واکنش احساسی نبود، بلکه محصول یک خط مبارزاتی بود. از اوایل دهه‌ی ۷۰ شمسی در میان جوانان روژهای و به ویژه در دانشگاه‌ها یک خواست برای شناخت و ارتباط با جنبش آپوئی و افکار و مبارزات آن شکل گرفت. از سال ۷۴-۷۵ یک ارتباط ارگانیک میان این جوانان و جنبش آپوئی شکل گرفت و خود رهبر آپو شخصاً به سازماندهی این امر پرداخت و تنی چند از رفقای زن روژاوی را برای سازماندهی روژهای آماده کرد، یکی از دلایل مدیرانه که زنان روژاوی را انتخاب کرده بودند این دلیل بود که در صورت دستگیری رفقای شمال کوردستان، حکومت ایران آنها را به حکومت ترکیه تحویل می‌داد. بعدها رفقای از جنوب کوردستان نیز به آنها پیوستند. سپس یک فعالیت مخفی شکل گرفت و این مبارزه و فعالیت را زنان روژاوی توسعه دادند و این نکته‌ی بسیار شگفت‌آوری در تاریخ است چرا که بعدها نیز مبارزات زنان روژاوا که همراه با شعار ژن ژیان آزادی بود، به الهامی جهت انقلاب ژن ژیان آزادی در روژهای تبدیل شد. این یک حلقه‌ی به هم پیوسته‌ی تاریخی است و در این میان یک ارتباط تاریخی وجود دارد. رفقای زن روژاوی هنگامی که به روژهای آمدند، با دانشجویان به صورت مخفی ارتباط گرفتند و با اکثر دانشگاه‌های ایران ارتباط داشتند و همراه دانشجویان به بسیاری از شهرهای روژهای ایران از جمله ایلام، تهران، سنه و... رفتند، تجربه‌ی

شخصی من نیز در دانشگاه تبریز از همین نوع بود و بدین گونه فعالیت‌های سازماندهی را شروع کردند و این فعالیت‌ها و مبارزات از سوی مردم با استقبال گرمی روبه‌رو شد. برای مثال شهید ربین (ناصر قادرزاده) توانست فرصت تجمع و ارتباط خانواده‌ها و جوانان را با رفقا در اماکن و باغات بیرون از شهر به وجود بیاورد. سپس جنبشی بدین صورت شکل گرفت و مردم با دیدن این زنان ایدئولوژیک و سازماندهی شده که مجهز به تفکرات نوینی بودند و راهنمای راه مبارزات نوین هستند، بسیار متأثر شدند و با هیجان و شور و شوق به این مبارزات پیوستند و از رفقا محافظت کردند تا مبارزات مخفی بماند و امنیت رفقا حفظ شود و آن رفقا توانستند هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اجتماعی و فرهنگی بر مردم تأثیر بگذارند، به ویژه اینکه در میان خانواده‌ها بر ارتباط زن و مرد و فرهنگ خانوادگی تأثیر گذاشتند. این رفقا خارج از وظایف سیاسی، وظایفی ایدئولوژیک را بر عهده داشتند، و تنها به تبلیغ نمی‌پرداختند، بلکه یک مبارزه‌ی فکری و فرهنگی نوین را به مردم معرفی کردند.

«مردم با دیدن این زنان ایدئولوژیک و سازماندهی شده که مجهز به تفکرات نوینی بودند و راهنمای راه مبارزات نوین هستند، بسیار متأثر شدند و با هیجان و شور و شوق به این مبارزات پیوستند و از رفقا محافظت کردند تا مبارزات مخفی بماند و امنیت رفقا حفظ شود و آن رفقا توانستند هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اجتماعی و فرهنگی بر مردم تأثیر بگذارند»

«رفقایی از عفرین و قامیشلو و کوبانی به ایلام آمده، همه‌ی معیارهای منطقه‌گرایی را بر هم زده بودند و یک فرهنگ ملی نوین را پایه‌ریزی کردند، از سوی دیگر اکثر این رفقا زن بودند و این قالب‌های ذهنی مردسالارانه را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخت»

که شما نمی‌توانید ما را ناامید کنید و آزادی را از ما سلب کنید، چرا که آزادی و امید را در شخص رهبر آپو و رفقای زنی که برای سازماندهی به روژه‌لات آمده بودند دیده بودند. هنگام قیام ۳ اسفند چندی از رفقا در میان مردم حضور داشتند، حتی در میان کوردهای خارج از کوردستان و این قیام نتیجه‌ی این مرحله از مبارزات بود، هرچند که نابسندگی‌هایی وجود داشت، اما نمی‌توان این قیام را به صورت اتفاقی و تصادفی ارزیابی کرد، بلکه دارای پایه‌های سازماندهی و فکری بود. ابتدا حکومت تصور می‌کرد که قیام یک عکس‌العمل عاطفی می‌باشد، اما بعد متوجه شد که این قیام دارای زمینه‌های سازماندهی و فکری و فرهنگی است و به همین جهت بسیار وحشیانه به مردم حمله‌ور شد و انسان‌های بسیاری شهید و زخمی شدند و یا بازداشت شدند. در واقع قیام ۳ اسفند تبدیل به یک کارزار و سرآغاز راه نوینی برای مبارزه روژه‌لات تبدیل شد، گامی نوین در جستجوی آزادی.

قرن بیستم قرن چرخه‌های مداوم قیام و سرکوب جنبش‌های کوردی بود

آلترناتیو: با توجه به مبارزات گذشته‌ی کوردستان، دشمنان خلق کورد انتظار داشتند که با ادامه‌ی توطئه مبارزات مردمی و جنبش آزادی به تدریج

در واقع به مردم سیاستی نوین را آموختند، برای مثال اینکه هویت چیست؟ کورد آزاد کیست؟ آزادی ملی به چه معناست؟ و چگونه باید با اراده و آزاد زیست. این صحیح است که در روژه‌لات سابقه‌ی مبارزات وجود داشت، اما به این مسائل بدین گونه پرداخته نشده بود. این رفقا افکار جدید و عمیق‌تری را به میان ما آوردند که با وجود اهمیت دادن به ستم ملی، از آن وسیع‌تر بود. در حالی که مبارزات قبلی بسیار منطقه‌ای و محدود مانده بود، اما این مبارزات نوین دارای معیارهای ملی بود؛ برای مثال رفقایی از عفرین و قامیشلو و کوبانی به ایلام آمده، همه‌ی معیارهای منطقه‌گرایی را بر هم زده بودند و یک فرهنگ ملی نوین را پایه‌ریزی کردند، از سوی دیگر اکثر این رفقا زن بودند و این قالب‌های ذهنی مردسالارانه را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخت. درست است که در مبارزات گذشته نیز زنان وجود داشتند اما ما برای اولین بار بود که شاهد این مسئله بودیم که زنان پیشاهنگ مبارزات هستند و سطح علمی، مسئولیت‌پذیری و انقلابی‌گری زنان ما را حیرت‌زده کرد و بسیاری از قالب‌های مردسالاری جامعه روژه‌لات را با چالش مواجه کرد به صورت شفاف می‌دیدیم که زنان مردان از اراده‌ی این زنان انقلابی متأثر شدند، این برخورد در لایه‌های جامعه تأثیر فراوانی گذاشت و می‌توان گفت اولین مواجهه با آزادی بدین صورت شکل گرفت و حتی اولین گام‌ها و تصمیمات در جهت آزادی شکل گرفت. به عبارتی بدین گونه نبود که در سال ۹۹ و به هنگام توطئه‌ی بین‌المللی خلق کورد در روژه‌لات تنها بر مبنای احساسات واکنشی دست به قیام زد و بگویند که بله در شمال کوردستان مردم تحت ستم هستند و رهبر جنبش در آنجا به اسارت درآمده است و صرفاً یک حس همدردی باشد، بلکه مسئله فراتر از این بود، مردم روژه‌لات گام‌های اولیه شناخت جنبش و رهبری آن را برداشته بودند، شناختی در سطح ملی و اجتماعی که به آنها ثابت کرده بود که این جنبشی متفاوت است که آزادی را به ملموس می‌سازد. در واقع مردم روژه‌لات در مقابل توطئه ایستاد و گفتند



قیام‌ها همگی قیام‌هایی مشروع بودند و از بطن جامعه کوردی زاده شدند و در این امر هیچ شکی نیست، اما نهادهای سیاسی کورد خوانش دقیق و در نتیجه قدرت خروج از وضعیت تراژدیک را نداشتند. قرن بیستم قرن چرخه‌های مداوم قیام و سرکوب جنبش‌های کوردی بود. رهبر آپو این وضعیت را بدین گونه نامگذاری کرد که "خرگوش بدو و تازی بگیر" و در این فرمول نقش خرگوش را کوردها بازی می‌کردند و تازی دولت-ملت‌ها هستند و در نهایت خرگوش را می‌گرفتند و به تازی پیشکش می‌کردند، خود این وضعیت را ما توطئه می‌نامیم. همه‌ی قیام‌ها از شیخ سعید و سید رضا، تا شیخ محمود و از اسماعیل آغای شکاک تا جمهوری کوردستان و تا به جنبش خلق کورد در انقلاب سال ۵۷ همگی تحت این وضعیت و با این توطئه سرکوب شدند و حتی اسارت رهبر آپو نیز در تداوم این وضعیت توطئه شکل گرفت. و این بخشی از سرنوشتی بود که می‌خواستند بر خلق کورد تحمیل نمایند، اما در توطئه‌ی بین‌المللی علیه رهبر آپو نیروهای جهانی احساس کردند که نیاز است تا به صورتی گسترده‌تر توطئه را اجرا کنند چرا که جنبش آپوئی و شخص خود رهبر آپو به تغییرات بنیادینی پرداخت تا خلق کورد را از وضعیت خرگوش بدو و تازی

متفرق شده و از میان برود، اما دیدیم که چنین اتفاقی نیافتاد، حتی مبارزات به ویژه در روزها ارتقا و توسعه یافت، به نظر شما چه عواملی در این مسئله تاثیرگذار هستند؟

امیر کریمی: اجازه دهید ابتدا این مورد را بررسی کنیم که توطئه در مقابل چه روی داد و به چه نتیجه‌ای رسید؟ از اواخر قرن ۱۹ کوردها استقلال نسبی خود را از دست دادند، با تاسیس کودتاوار دولت-ملت‌های ترکیه و ایران با سرکوب و انکار سیستماتیک روبرو گشتند. این یک وضعیت تراژدیک است یا به بیانی دقیق‌تر یک سرنوشت تراژدیک. نظام جهانی کوردها را در خارج از سیستم حقوقی و سیاسی قرار داد. و در واقع کوردها را به وضعیت بدون ستاتوس دچار نمودند و راه را برای نسل‌کشی آنها گشودند. کوردها محقانه و مشروع وضعیت انکار و نسل‌کشی را رد نمودند و دست به مقاومت زدند اما همین مقاومت مشروع آنها از جانب قدرت‌های جهانی به عنوان کارت و اهرم فشاری در روابط و مناسبات با دولتهای منطقه‌ای به کار گرفته شد. آنها از یک طرف با پشتیبانی از فاشیسم دولتی در منطقه فوبی کورد را ایجاد و تقویت نمودند و از طرف دیگر دست آنها را در نسل‌کشی کوردها باز گذاشتند. تاکید می‌کنم که این



بگیر خارج سازد و خلق کورد را از ابژگی برنامه‌های سیاسی نیروهای جهانی و منطقه‌ای بیرون آورد، پس نیروهای بین‌المللی این خطر را حس کردند و توطئه‌ی بین‌المللی علیه رهبر آپو و خلق کورد را اجرا کردند.

امر نظامی باید در خدمت اهداف و فلسفه آزادی باشد

آلترناتیو: پس بنا به صحبت‌های شما می‌توان فهمید که توطئه علیه رهبر آپو و موفقیت‌های سیاسی ایشان جهت خارج ساختن خلق کورد از وضعیت سرنوشت تراژدیک "خرگوش بدو و تازی بگیر" می‌باشد، یعنی انگار توطئه علیه این خط مبارزاتی شکل گرفت. لطفا این مسئله را بیشتر توضیح دهید؟

رسیدن همسان گرفته شد، و این سوال که آیا لزوماً برای دستیابی به سوسیالیسم باید به قدرت رسید؟ و بسیاری سوالات دیگر از این قبیل بودند که رهبر آپو با آنها درگیر شد و برای چاره‌یابی این مسائل گام نهاد، بنابراین قدرت‌های بین‌المللی هر دوی این سطوح مبارزاتی رهبر آپو را دیدند و احساس خطر کردند چرا که برای آنها کوردها می‌بایست سیاست "خرگوش بدو و تازی بگیر" را ادامه می‌دادند و حالا رهبر آپو در مقابل آنان به مانعی جدی تبدیل شده، در کنار این، رهبر آپو با دولت ترکیه وارد یک سری مذاکرات شده بود که به قتل رئیس جمهور تورگوت اوزال انجامید. اوزال به این نتیجه رسیده بود تداوم این روند به نفع ترکیه نیز نمی‌باشد و حذف اوزال تنها توسط بخشی از نیروهای فاشیست ترکیه انجام نگرفت بلکه این مسئله طی یک روند بین‌المللی و توسط خواست قدرت‌های جهانی شکل گرفت و همچنین شکلگیری خود این نیروهای فاشیستی در ترکیه بنیان‌های بین‌المللی داشت. برای مثال سازمانی همچون مه‌پ از سوی قدرت‌های جهانی شکل گرفت، آلپ‌آرسلان ترکش توسط دولت آمریکا آموزش داده شد و او بود که سازمان فاشیستی مه‌پ را در ترکیه تاسیس کرد که در واقع شاخه‌ی گلا دیو ناتوی ترکیه بود و مه‌پ سازمانی بود که در راستای امحا و نابودی کوردها گامی فراتر از ج‌ه‌پ برداشت. پس کشتن تورگوت اوزال تحت یک برنامه بین‌المللی انجام شد و بعد از این دوره و از سال ۱۹۹۳ به بعد ناتو خود به صورت

امیر کریمی: ببینید از سال‌های ۹۰ میلادی رهبر آپو در دو سطح فعالیت می‌کند، یکی در سطح ملی و چاره‌یابی مسئله کورد و دیگری در سطح مسئله‌ای فلسفی-تئوریک و ایدئولوژیک که هسته‌ی اصلی آن این سوال بود که وظیفه‌ی یک جنبش آزادیخواه چیست؟ آیا تنها وظیفه‌ی رهایی‌بخشی را برعهده دارد؟ آیا رهایی و آزادی مترادف هم هستند؟ آیا یک جنبش رهایی‌بخش در صورت قدرت‌یابی آزادیخواه باقی می‌ماند؟ کارنامه‌ی سوسیالیسم رئال و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی موجود بود، به صورتی که اتحاد جماهیر شوروی خود به یک دیکتاتوری علیه مردمانش تبدیل شد و سرزمین‌هایی که با سیاست رهایی‌بخش ملی از استعمارگران مستقل شده بودند اینبار توسط همان سازمان‌های رهایی‌بخش ملی مورد ستم قرار گرفتند، پس رهبر آپو لازم دیدند تا در این موارد مهم به بازناندیشی بپردازد. این مسئله که یک ملت باید به موقعیت سیاسی-حقوقی خود دست یابد و سرنوشت خود را تعیین کند نزد ما جای بحث ندارد و این یک خواست برحق است. اما رهبر آپو در این مورد بر مسئله‌ی قدرت متمرکز شد، چرا که در دیگر جنبش‌ها به قدرت رسیدن و به آزادی

رهبر آپو زنگ خطری برای قدرت‌های جهانی بود. رهبر آپو معتقد بود که جنگ‌های بخشی ملی کلاسیک نه تنها به‌رهایی نمی‌انجامد بلکه کوردها را دوباره به سرنوشت تراژدیک دچار می‌کند. حتی اگر جنگ‌های بخشی ملی از لحاظ نظامی موفق شود و به مبارزه‌ای فکری-فلسفی پرداخته نشود چیزی جز بازتولید ستم‌های اجتماعی روی نمی‌دهد. اگر یک مبارزه‌ی ایدئولوژیک و فکری را پیش نبریم، پوتین‌ها ی نظامی می‌توانند ایدئولوژی و افکار آزادی را له نمایند. پس امر نظامی باید در خدمت اهداف و فلسفه آزادی باشد، رهبر آپو برای کنگره‌ی ۵ پ‌ک‌ک اسنادی در این رابطه آماده کرد و بعد از آن نیز کتاب اصرار بر سوسیالیسم اصرار بر انسانیت است را به نگارش درآورد و در این کتاب دقیقاً به این نکات اشاره کرد و سوسیالیسم را از قدرت تمیز داد.

سپس خط مبارزاتی را در میان خلق ارتقا داد و باز هم به یاد دارم که سال ۹۷ میلادی رهبر آپو گفتند که خلق خود باید اراده‌مند باشد و به صورت مستقیم به مبارزه بپردازد، منتقد باشد، مداخله نماید و ارتباط فرهنگی ما بین سازمان و مردم را دگرگون ساخت به صورتی که مردم و سازمان به صورت یک جنبش توأم درآمدند تا بتوانند با همدیگر به یک مبارزه و مجادله سیاسی-فرهنگی و فکری بپردازند این به معنی تغییر بنیادین در کارکرد، ساختار و فلسفه حزب بود. سپس در سال ۹۸ میلادی رهبر آپو اندیشه این تغییرات را با بدنه حزب و مردم در میان گذاشت.

آلترناتیو: به ویژه در ارتباط با اندیشه‌ی آزادی

زنان

امیر کریمی: بله درست است به ویژه در این رابطه، مبارزات خط آزادی زنان مدتها بود که در جنبش آغاز گشته بود و رهبر آپو می‌خواست تا حزب زنان آزاد را تاسیس نماید وهمچنین اندیشه آزادی زنان را به ایده و جریان اصلی جنبش آزادیخواهی کوردستان مبدل سازد و برای این امر نیاز به تلاش و کوشش گسترده‌ی فکری - ایدئولوژیک

مستقیم وارد جنگ با جنبش آزادی کورد شد و ارتش ترکیه را با پیشرفته‌ترین تسلیحات مسلح ساخت و حتی سلاح‌های ممنوعه کشتار جمعی را به ترکیه تحویل داد تا در سکوت رسانه‌ای این سلاح‌ها را علیه مبارزین جنبش آزادی به کار بگیرند، شماری از گریلاها در اثر بیماری‌های مشکوک و سرطان‌های ناشی از تأثیرات سلاح‌های شیمیایی و رادیواکتیویته شهید شدند. به این جنایت‌ها نیز بسنده نشد و بیش از ۴ هزار روستا در شمال کوردستان به آتش کشیده شد، یک سازمان مخوف اسلام سیاسی تندرو تحت نام حزب‌الله که امروز به نام هوداپار شناخته می‌شود با همکاری ایران در شمال کوردستان تاسیس شد که توسط این سازمان بسیاری از مردم کورد در خفا به قتل رسیدند که تعداد قربانیان این جنایات از هزاران نفر گذر کرد. رهبر آپو در کنار این مسائل به شخصیت کادرهای سازمان پرداخت تا از بطن جنبش آزادی انسان‌های قدرت طلب سربرنیاورند، چرا که با پدیده‌ی فرماندهان قدرت‌طلب مواجه بود، کسانی همانند شمیدین ساکیک که می‌خواستند به لردهای جنگ تبدیل شوند. شخصاً به یاد دارم که در سال ۱۹۹۷ رهبر آپو در یک برنامه‌ی تلویزیونی (ماد تی‌وی) به صورت آشکار به این مسئله اشاره کرد و در مقابل چنین فرماندهان قدرت طلبی مبارزه‌ی درون سازمانی وسیعی را به راه انداخت. این افکار

«رهبر آپو در زندان پیام دیگری به

همگان داد و گفت که اینبار باید

این تقدیر و سرنوشت لعنتی را به

سود آزادی تغییر دهیم. و این بسیار

شگفت‌انگیز است که زن مبارز وریشه

مرادی در زندان هم همین نکته را

بازگو کرد که اینبار تقدیر در برابر

آزادی شکست خواهد خورد»

گرفت، چون بدون پرداختن به این مسئله از لحاظ معرفتی تعریف مسئله‌ی کورد ناممکن بود. بله گفتیم که رهبر آپو در سال ۹۸ میلادی در ایتالیا خطاب به خلق کورد گفت که مخاطبی برای حل مسئله کورد وجود ندارد و حل مسئله‌ی کورد نیاز به یک مبارزه و فعالیت گسترده می‌باشد و اشاره کرد که گذشتن از این پل صراط به صورت موفقیت آمیز نیازمند مبارزه‌ای خردمندانه و خستگی‌ناپذیر می‌باشد و باید با حساسیت بالایی به این مسئله پردازیم و گفت شاید در این راه جان‌مان را هم بگذاریم، اما ناچار هستیم که این راه را تا رسیدن به اهدافمان بپیماییم. سپس بعد از آن توطئه‌ی بین‌المللی منجر به اسارت رهبر آپو شد و توطئه‌گران رهبر آپو را به دولت ترکیه تحویل دادند، در واقع نقش دولت ترکیه در توطئه‌ی بین‌المللی محوری نبود، بلکه نقشی که قدرت‌های جهانی به دولت ترکیه محول کردند نقش زندان‌بانی بود و حتی بعدها در این باره

داشت و رهبر آپو در حال انجام این امور بود. و همه‌ی این مسائل در راستای این مسئله بود تا جامعه و فرد کورد را از وضعیت تراژدیک خارج سازد. در واقع توطئه در مقابل این قبیل سیاست‌ها و افکار رهبر آپو صورت گرفت. به ویژه هنگامی که رهبر آپو به ایتالیا رفت گفت که من خواهان آن هستم که مسئله‌ی کورد را حل کنم اما هیچ مخاطبی برای این مسئله وجود ندارد. حتی رهبر آپو خطاب به دولت‌های اروپایی گفت اگر شما من را متهم می‌کنید، پس لازم است تا من را در روند یک محاکمه‌ی قانونی دادگاهی کنید، ماجرا به جایی رسید که دولت آلمان که اتهامات واهی بیشماری را به رهبر آپو وارد ساخته بود، ترسید که برای این اتهامات محاکماتی در دادگاه‌های آلمان برپا شود که در این صورت باید رهبر آپو را در خاک کشور خود می‌پذیرفتند، پس به همین دلیل از این اتهامات پا پس کشیدند. به عبارتی می‌توان فهمید که توطئه‌ی بین‌المللی علیه رهبر آپو در این حد گسترده و مستقیماً با وضعیت تراژدیک کوردها مرتبط بوده و هست.

یعنی مسئله‌ی کورد فراتر از دیگر مسائل بود و برای فهم این موضوع نیاز به یک پارادایم نوین فکری-فلسفی بود. مسئله‌ی کورد تنها به صورت یک خلق تحت استعمار همانند الجزایر یا حتی فلسطین نیست، حتی همچون مسئله‌ی هلوکاست یهودی‌ها نیز نیست. چون در همه‌ی این موارد علی‌رغم جنایات بشری فجیعی که این خلق‌ها با آن روبه‌رو شده‌اند، اما به موجودیت این خلق‌ها اعتراف می‌شود، این در حالی است که در مورد مسئله کورد، علاوه بر فجایع بشری و نسلکشی‌ها، خود موجودیت خلق کورد انکار می‌شد و این قبل از هر چیز یک مسئله و مشکل هستی‌شناختی را در رابطه با کوردها به وجود آورده بود و برای فهم این مسئله نظام معرفتی موجود جوابگو نبود. به همین خاطر باید از لحاظ جهانی‌بینی و معرفتی نیز باید به اموری جدی پرداخت و هنگامی که رهبر آپو خود این مسائل را در اروپا از نزدیک مشاهده کرد این وظیفه‌ی فکری-فلسفی را نیز بر عهده



«فرمول مقاومت زندگیست در روژهلات به امر نوینی جهت سیاست مردمی مبدل شد و مردم یاد گرفتند که خودشان سوژه‌ی تغییرات هستند، تا دیگر چشم به انتظار ظهور یک منجی جهت چاره‌یابی مسائل نباشند و خودشان دست به کار شوند»

وحشیانه روبه‌روگردانند، اما متوجه شدند که نه رهبر آپو تسلیم خواسته‌های آنها می‌شود، نه جنبش آزادی پراکنده و ضعیف می‌شود و نه مردم از همه‌ی این مسائل دل‌سرد می‌شوند، بلکه مردم قیام را گسترش دادند، این مسئله نیز به دیالکتیک ویژه‌ی مابین رهبریت، سازمان و مردم برمی‌گردد. مبارزه آزادیخواهی به صورت رابطه‌ی پیچیده‌ای میان رهبرآپو، سازمان و مردم گسترش یافته بود و همه نقش خود را در این راه ایفا می‌کردند. در اندیشه رهبر آپو و جنبش آپوئی مردم "توده" نیستند که قرار است آنها را شکل دهیم، مردم یک ابژه‌ی سیاسی نیستند که قرار است بر روی آن برنامه‌های سیاسی را اعمال کرد. بلکه مردم خود سوژه‌ی سیاسی هستند و باید بتوانند به صورت اراده‌مند عملکردهای سازمان و رفقا را مورد انتقاد قرار دهند تا سپس انتقادهای مردم مورد ارزیابی قرار گیرند و عملکردها مطابق با آن تصحیح گردند. رهبر آپو از همان ابتدا به این مسئله توجه داشت که آزادی سرزمینی از مسیر آزادی شخصیت انسان و انسان آزاد گذر می‌کند. این جنبش به جای اینکه یک سیستم سلسله‌مراتبی دیگر را از نو برسازد، سیستم سلسله‌مراتبی را واژگون ساخت و در ارتباط با مردم سیستمی نوین را بر ساخت. دیالکتیک مردم و جنبش را به صورتی درآورد که بازخوردهای سیاسی جنبش را در میان مردم ارزیابی نموده تا نقاط ضعف را از میان برداشته و مبارزه را ارتقا دهد و این روند

اجوبیت رئیس جمهور وقت ترکیه گفت: "که چرا اوجالان را به ما تحویل دادند؟" توطئه‌گران بدین گونه حساب کرده بودند که جنبش آزادی کوردستان را با دستگیری رهبریت آن نابود می‌سازند. مرگی احساسی و قهرمانانه، قیام سپس سرکوب خونین و پایان داستان. دوباره این خلق را با سرنوشت تراژدیکش مواجه می‌گردانند. اما رهبر آپو در زندان پیام دیگری به همگان داد و گفت که اینبار باید این تقدیر و سرنوشت لعنتی را به سود آزادی تغییر دهیم. و این بسیار شگفت‌انگیز است که زن مبارز و ریشه‌مرادی در زندان هم همین نکته را بازگو کرد که اینبار تقدیر در برابر آزادی شکست خواهد خورد و ما نیز بدین مسئله پایبند و معتقد هستیم و در واقع این یکی از نکات اساسی است که این جنبش را با همه‌ی جنبش‌های ماقبل خود متفاوت می‌کند و موجب شده است که این جنبش نه تنها شکست نخورد بلکه هر روز پیشرفت نماید.

قیام ۳ اسفند را به سنگ بنای یک جنبش انقلابی مبدل ساختیم

آلترناتیو: شما به این نکته اشاره کردید که رهبر آپو توانست هم جنبش را توسعه دهد و هم جلوی موفقیت توطئه‌ی بین‌المللی را بگیرد، با وجود آنکه رهبر آپو در زندان به سر می‌برد اما جنبش آپوئی گسترده‌تر شد و دستاوردهای بزرگی برای خلق کورد به دست آورد، در تداوم این روند، پژاک در سال‌های بعد از اسارت رهبر آپو و در سال ۲۰۰۴ تاسیس شد، رهنمایی‌ها و پیام‌های رهبر آپو برای روژهلات چه بود؟

امیر کریمی: خود این مسئله که از حلقه‌ی قیام-سرکوب رهایی یافتیم به این مسئله برمی‌گردد، چون گفتیم که توطئه‌گران فکر می‌کردند با دستگیری رهبر آپو، جنبش آزادی کوردستان شکست می‌خورد و پراکنده می‌شود و خلق نیز بعد از چند واکنش احساسی سرکوب شده و همه چیز تمام می‌شود، حتی در برنامه داشتند که خلق کورد را با کشتاری

«هنگامی که پژاک تاسیس شد رهبر آپو می‌دانست که پژاک می‌تواند این پتانسیل تاریخی مردم در روژهلات را به فعلیت برساند و سرنوشت مردم را تغییر دهد، و امیدواری خود را به پژاک اعلام نمودند و هنوز نیز به پژاک امیدوار هستند»

موجب آگاهی ملی و دانش سیاسی در میان مردم شد. نگاه کنید به مادران صلح و میهن‌دوست که چگونه مسائل سیاسی را تحلیل می‌کنند و دارای توان سیاسی هستند، برخی با کتابه می‌پرسند که این جنبش در شمال کوردستان چه دستاوردی داشته است و چه چیزی را رها ساخته است؟ این جنبش در شمال کوردستان انسان را بسوی آزاد سوق داده است. و این نکته را باید همگان بدانند، زیرا دقیقاً کاری است که جنبش‌های کلاسیک کوردی نتوانستند انجام دهند، خط مبارزاتی جنبش‌های کلاسیک کوردی می‌خواهند که مردم را در سطح همان توده ناندیشمند نگه دارند و مکانیسم‌های اساسی آنها تنها جنبه‌ی تبلیغاتی و پوپولیستی دارد. جنبش آزادی با فرمول اساسی خودش توانست که توطئه را تا حد زیاد کنترل کند، که آن نیز در فرمول و شعار مقاومت زندگیست تبلور یافت. این فرمول در همه‌ی ابعاد شخصیتی رهبر آپو، در زندان آمد و در جنبش آزادی به گفتار و کردار اساسی درآمد. بدین صورت که در سخت‌ترین شرایط نیز تسلیم نشده و بتوان بزرگترین کارها را انجام داد و در واقع این جنبش بدین گونه پیشرفت کرد. یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی این جنبش با دیگران نیز در این هفته است که این جنبش در فرصت‌ها و خلاءها شکوفا نشده است، هرچند که ممکن است که از فرصت‌های پیش آمده نهایت استفاده را بکند، اما استراتژی‌اش را بر فرصت‌ها

بنا نکرده است. یعنی در سخت‌ترین شرایط نیز به راه خود را می‌گشاید. پس از توطئه قیام منتج به شکست نشد، و علی‌رغم همه‌ی حملات دشمن، قیام ۳ اسفند را به سنگ بنای یک جنبش انقلابی مبدل ساختیم. از آن پس بسیاری از زنان و جوانان روژهلات به جنبش پیوستند و در زمینه‌ی پیوستن این زنان و جوانان این سوال پیش آمد که برای روژهلات چه می‌توان انجام داد؟ رهبر آپو از سال ۱۹۹۶ این را مشخص ساخته بود که باید مبارزه را در روژهلات توسعه داد، رفقای زن نیز از همان سال‌ها برای این امر تلاش و مبارزه کرده بودند، و از آن پس جوانان به میان مردم رفتند و شروع به سازماندهی مردم کردند. نهادهای مدنی و سازمان‌های مردمی ایجاد شدند، ملحق شدن به صفوف گریلا افزایش یافت و همه‌ی این اتفاقات هم زمان با جنبش اصلاحات در ایران بود. فرمول مقاومت زندگیست در روژهلات به امر نوینی جهت سیاست مردمی مبدل شد و مردم یاد گرفتند که خودشان سوژه‌ی تغییرات هستند، تا دیگر چشم به انتظار ظهور یک منجی جهت چاره‌یابی مسائل نباشند و خودشان دست به کار شوند. در آن زمان چنین تحلیل کردیم که برسرکارآمدن احمدی‌نژاد یک کودتای سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی است. این پدیده‌ی سیاسی تشخیص داده شد تا متناسب با آن بتوانیم خود را برای این اوضاع جدید آماده سازیم. سپس تصمیم گرفتیم تا به یک حزب تبدیل شویم و پژاک بدین گونه تاسیس شد، تا در صورت حملات دولت ایران به جامعه و دست‌آوردهایمان از هم فرونپاشیم. به عبارتی پژاک در سیر روند مقاومت زندگیست و در راستای مقاومت امرالی ساخته شد. و دیدیم که رهبریت توانست از امرالی دگرگونی‌های سیاسی و فکری را عملی سازد و این برای ما در حکم پرسپکتیو بود. به عبارتی ما دیگر خرگوش نیستیم و در دام تازی گیر نمی‌افتیم و قرار نیست سرنوشتی را که برایمان رقم زده‌اند را قبول نماییم. به ویژه رهبری با نگارش دفاعیاتش دگرگونی‌های استراتژیکی را ایجاد و سیاست جدیدی را فرموله کردند. در واقع پژاک تداوم سیاست‌هایی است که



رهبر آپو از همان دهه‌ی ۹۰ میلادی برای روژهلالت در نظر گرفتند، تداوم مبارزات و فعالیت‌های رفقای زنی است که از سال ۱۹۹۶ به سازماندهی مردم روژهلالت پرداختند.

روژهلالت را به فعلیت برساند و سرنوشت مردم را تغییر دهد، و امیدواری خود را به پژاک اعلام نمودند و هنوز نیز به پژاک امیدوار هستند. و در دفاعیات پژاک را همچون شعله‌ی همیشه فروزان بر فراز کوهستان‌های زاگروس معرفی کرد، آتشی که منشا آن زندگی و فرهنگ حقیقی خلق کورد است، به عبارتی بدین معناست که پژاک روشنی بخش و آگاهی بخش همه‌ی مردم روژهلالت و ایران خواهد بود و این معنای بسیار عمیقی دارد و عمق امیدواری رهبر آپو به پژاک و مردم روژهلالت را نشان می‌دهد. در واقع رهبر آپو نقش روشنگری برای پژاک قائل است. این که آزادی و دموکراتیزه کردن ایران به پیشاهنگی کوردستان و توسط زنان به انجام می‌رسد، مسئله‌ای است که رهبر آپو آن را حقیقی‌ترین مسیر دانسته است. در واقع انقلاب زن زندگی آزادی محصول بذرهایی است که رهبر آپو در روژهلالت کاشته است. و مقاومت زنان مبارز در زندان نیز در همین راستا است. بنابراین این جنبش، انقلاب و مقاومت‌ها به صورت اتفاقی روی نداده و تنها شعار نیستند بلکه نتیجه تلاش، فعالیت و فلسفه‌ی رهبر آپو و جنبش آپوئی است و برای آن شخصیت‌های آزادیخواه تربیت یافته‌اند. این بسیار مهم است که این مسائل بدین گونه نگریسته شوند.

آلترناتیو: در آن سال‌های ابتدایی که رهبر آپو به اسارت گرفته شد از طریق وکلا ملاقات‌هایی صورت می‌گرفت، در این ملاقات‌ها به صورت مشخص رهبر آپو در مورد پژاک چه پیام و رهنمودی داشت؟

پژاک روشنی بخش و آگاهی بخش همه‌ی مردم روژهلالت و ایران خواهد بود

امیر کریمی: رهبر آپو از همان ابتدا پتانسیل خلق کورد در روژهلالت را تشخیص داده بود و حتی در دفاعیاتشان خاطر نشان ساخت که سلول بنیادین کورد بودن در روژهلالت نهفته است. البته این بدین معنا نیست که کورد بودن و منشاهای آن در بخش‌های دیگر وجود ندارد، اما منشا تاریخی کورد بودن را در تاریخ پنهان روژهلالت یافته بود، به صورتی که در روژهلالت مردم توانسته بودند که از فرهنگ و هویت خود محافظت نمایند و رهبر آپو این مسئله را به روشنی دریافته بود. هنگامی که پژاک تاسیس شد رهبر آپو می‌دانست که پژاک می‌تواند این پتانسیل تاریخی مردم در

افتخار پرچمداری مبارزات آزادی و دموکراسی از آن زنان مبارز است

آلترناتیو: به عنوان سوال آخر، با توجه به رویدادهای منطقه‌ای و جهانی اخیر سیر رویدادها به چه سویی می‌روند؟

امیر کریمی: تغییرات گسترده‌ی منطقه‌ای و جهانی در جریان است. هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ ساختار تغییرات ریشه‌ای به دولت-ملت‌های خاورمیانه تحمیل می‌شوند. تغییرات یاری می‌رسانند که حصارهای سد ساله پیرامون ملت کورد که در نتیجه مبارزه بی‌امان آزادیخواهان سست و بی‌معنا گشته‌اند فروپاشند. در لحظات تاریخی به سر می‌بریم و پژاک بیش از همیشه در تغییر سرنوشت سیاه به سوی آزادی خلق کورد، ایجاد دموکراسی و آزادی زنان و فرودستان خود را موظف می‌داند. بنابراین باید بیش از همیشه در راستای عملی کردن پارادایم جامعه‌ی دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی زنان گام برداریم. بحران‌هایی که توسط سیستم ولایت فقیه، ایران را دربرگرفته است، بیچارگی و انحطاطی که دولت ایران در آن دست و پا می‌زند، جنگی که منطقه را تهدید می‌کند و همینطور فقر و مسائل اجتماعی که دامنگیر مردم شده است، ما را مصمم‌تر کرده است تا در راه چاره‌یابی این مسائل گام برداریم. مطمئناً راهکار چاره‌یابی مسائل سیاسی-مدیریتی و اجتماعی-اقتصادی که ایران دچار آن شده است کنفدرالیسم دموکراتیک است. مبارزه در راه تعالی هویت ملی، دستیابی خلق‌مان به ستاتوس سیاسی-حقوقی شایسته تاریخ و مبارزات آن و بساخت سیستمی دموکراتیک جهت همزیستی مسالمت‌آمیز خلق‌ها و هویت‌های متنوع در کنار هم، برای ما امری افتخارآمیز است. بدون شک افتخار پرچمداری مبارزات آزادی و دموکراسی کوردستان و ایران از آن زنان مبارز است. مبارزان نستوهی که جهت گذار از دیکتاتوری و مردسالاری بساخت ملت دموکراتیک را آرمان خود قرار داده‌اند. قدرت و اراده‌شان برآمده از ژن ژیان آزادی، همان فرمول سحرآمیزی

است که می‌تواند سرنوشت زنان، خلق‌ها و به ویژه خلق کورد و تمامی فرودستان را به سود آزادی تغییر دهد. زنان مبارز و به ویژه زنان آزادیخواه امروزه رهبری و پرچمداری این انقلاب را بر عهده گرفته‌اند، پس زمان آن فرا رسیده است تا فلسفه‌ی زن زندگی آزادی در همه‌ی میادین و لایه‌های اجتماعی اجرائی شود. و در این مرحله لازم است تا درک صحیحی از مبارزه‌ی رهبر آپو برای چاره‌یابی مسئله‌ی کورد و انتقال این مسئله از سطح امنیتی به سطح سیاسی و حقوقی داشته باشیم. رهبر آپو به هیئت دیدارکننده گفته است که راهکار چاره‌یابی مسئله را نه تنها برای شمال بلکه برای همه بخش‌های کوردستان را ارائه خواهد کرد. این مرحله و نتایج آن را نباید تنها بر مبنای دیالوگ و مذاکره با دولت ترکیه سنجید، این مبارزه‌ی بی‌امان رهبر آپو جهت تغییر سرنوشت است. در نتیجه این مبارزه، مسئله کورد به میدان سیاست و حقوق ورود خواهد کرد. ما نیز وظایفمان را اینگونه بیان می‌کنیم: حمایت کامل خود را از تلاش‌های رهبر آپو جهت چاره‌یابی مسئله کورد و گذار به مرحله نوین را اعلام می‌داریم. تلاش و مبارزه در راه آزادی جسمی رهبر آپو و مبارزه برای آزادی زنان آزادیخواهی همچون پخشان عزیز، وریشه مرادی و زینب جلالیان را در همراستا و جدایی ناپذیر دانسته و خود را در برابر آن مکلف میدانیم. به این حقیقت واقفیم که فروپاشیدن زندان امرالی به عنوان آخرین جایگاه تحمیل سرنوشت شوم انکار و نسل کشی همزمان با فروریختن زندان اوین آینده‌ای آزاد را برای همه خلق‌ها و زنان رقم خواهد زد. مبارزه با دیکتاتوری و ساختن آلترناتیو دموکراتیک راستین مستلزم ایجاد انقلاب ذهنیتی و گام برداشتن در راستای زندگی معنامند و متعالی است که رهبر آپو و زنان آزادیخواه در شرایط غیر انسانی زندان آرمان خود قرار داده‌اند. آزادی آنها و از میان برداشتن این زندان‌ها به معنای ساختن کوردستانی آزاد و ایرانی دموکراتیک خواهد بود.

مدرنیته‌ی دموکراتیک، پروژه‌ی صلح جهانی‌ست



روزین کمانگر ✍️

روزهای ملتهب و حساس خاورمیانه یکی پس از دیگری در حال سپری شدن هستند. روزهایی که در آن دولتمردان خواهان جنگ افروزی و در مقابل نیز جامعه، خواهان برقراری آرامش و صلح هستند. این روزها در ترکیه نیز، در همین راستا بحث‌هایی صورت گرفته است. سال‌هاست که جنبش آپویی به نمایندگی از خلق کورد و خلق‌های آزادخواه از همزیستی مسالمت آمیز خلق‌ها و برقراری دموکراسی نه تنها در کوردستان، بلکه در منطقه و جهان می‌گوید. پروژه‌ی مدرنیته‌ی دموکراتیک در اصل همان پروژه‌ی صلح جهانی است. همانطور که می‌دانیم وضعیت خاورمیانه روز به روز در حال تغییر است و جهان بطور کل تغییر یافته است. در این میان نیز وضعیت کوردها نیز تغییر یافته است. بیش از صد سال، سیاست انکار و نابودی علیه خلق کورد صورت گرفته است، اما آنان از بین نرفتند، چرا؟ زیرا بیشتر از نیم قرن است که از طریق پارادیمی نوین، به

سازماندهی خود پرداختند و از این طریق از خود دفاع کردند. اما حال صد سال گذشته، و خلق کورد در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی و حوزه‌ی زنان و ... پیشاهنگی برای منطقه و خاورمیانه گشته است. پس برخورد و موضع دولت - ملت‌ها و نظام سرمایه‌داری جهانی نمی‌تواند همچون صدسال گذشته باشد. شاید در جنگ خاورمیانه دولت‌ها و نظام سرمایه‌داری، به دنبال کسب منافع خود باشند، اما نمی‌توانند خلق کورد را نادیده بگیرند، زیرا که بعنوان اکتوری بسیار مهم ایفای نقش می‌نمایند. از طرفی به وضعیت ترکیه نگاه کنیم، هر چند بخشی از حکومت با پیشبرد این روند مخالفند و زبان رسانه‌های وابسته به حکومت نیز تند، توهین آمیز و منفی هست، اما آنچه که رهبر آپو در طول این مدت مطرح نموده است، نه تنها برای خلق کورد، بلکه برای نجات سایر ملت‌های موجود در ترکیه نیز هست، زیرا که انکار خلق کورد، به معنای نابوی آنان نیز می‌باشد. البته که

«سازمان آپویی نشان داد که اسلحه یک ابزار برای دفاع است، نه همه‌ی مساله‌ی دفاع! یعنی مساله فراتر از اسلحه است. مساله، مساله‌ی خوددفاعی خلق کورد و در عین حال مساله‌ی دفاع مشروع است»

و اراده‌ی خویش سخن به میان آوردند و در عمل نیز مشاهده کردیم علی رغم اینکه سال گذشته، در جاهای مختلف خاورمیانه که بر دامن جنگ افزوده می‌شد، اما در جایی همچون روژآوا، علی رغم حملات گوناگون، اما با آگاهی و تکیه بر اراده‌ی خویش و با اعتقاد بر ضرورت وجود چنین سیستمی توانستند در طول ۱۳ سال گذشته در کنار هم نه تنها بزنند، بلکه همزیستی مسالمت‌آمیز آنان زبانزد جهانیان گشت. در واقع جنبش آپویی در طول ۵۰ سال مبارزه‌اش، واژگان بسیاری را بازتعریف و ادبیات نوین از مبارزه را ارائه داد. پس برای شناخت اهداف سازمانی که از دل جامعه برخاسته و به تمام مردمی است و در قریب به ۵۰ سال سابقه‌ی مبارزه در کوردستان را دارد و از آن به عنوان نوستالژی یاد می‌نماید، زیرا هنوز هم رادیکال‌ترین مبارزات را انجام می‌دهد و سطح فعالیت‌ها و مبارزاتش در منحصر به کوردها و نیست و به منطقه، خاورمیانه و جهان رسیده، باید از خود این سازمان پرسید که چرا و چگونه از اسلحه استفاده می‌کند؟ در وهله‌ی اول سازمان آپویی نشان داد که اسلحه یک ابزار برای دفاع است، نه همه‌ی مساله‌ی دفاع! یعنی مساله فراتر از اسلحه است. مساله، مساله‌ی خوددفاعی خلق کورد و در عین حال مساله‌ی دفاع مشروع است. مادام که دولت ترکیه، فراتر از دموکراتیزاسیون ترکیه و رهایی از منجلاب مردسالاری و پیرمهوری‌ترین سیاست‌هایش، مساله‌ی خلع سلاح را برجسته و مطرح می‌نماید، باید گفت که ۵۰ سال پیش که جنبش آپویی آغاز بکار کرد، دقیقاً زمانی بود که فعالیت سیاسی و قانونی ممنوع بود. زبان مادری ممنوع بود. تبعید و مهاجرت و نسل‌کشی علیه

خود دولت نیز می‌داند که دیگر قتل‌عام‌ها، نسل‌کشی‌ها و تبعیدها و همه‌ی اعمال خشونت‌های این مدت علیه خلق کورد تا چه اندازه برایش سنگین تمام می‌شود. او در این مدت، بازار اقتصاد را برای خرید و فروش پهباد جنگی فلج نمود. تورم بیشتر و بیشتر میشد و وضعیت معیشتی نیز سخت‌تر. از طرف دیگر، تفرقه‌افکنی بین خلق کورد و ترک را افزایش می‌داد، زیرا حاضر به اقرار به موجودیت خلق کورد نبود، و همواره می‌گفت که مساله‌ای بنام مساله‌ی کورد وجود ندارد. این موضوع را نیز در رسانه‌های خود نیز انعکاس می‌دادند. بعنوان مثال، از یک سو می‌گفتند که در کوهستان‌های کوردستان، ۵۰ گریلا بیشتر نمانده، مدتی نمی‌گذشت همان در همان رسانه اعلان می‌شد که صد گریلا شهید شده. این موضوع در قبال خلق کورد نیز همین طور است. از یک سو می‌گفتند که خلق کورد وجود ندارد، از سوی دیگر نیز می‌گفتند که برای از بین بردن آنها، باید کلی هزینه نمود. در یک جمله، می‌توان گفت که ترکیه هم اکنون بخوبی می‌داند که در صورت تکرار چنین وضعیتی یک قدم به نابودی نزدیک خواهد شد.

علاوه بر وضعیت داخلی باید به وضعیت خارجی ترکیه نیز اشاره‌ای نمود. هم اکنون ترکیه از موقعیت خود در هراس است. پروژه‌ی دولت - ملت در خاورمیانه دیگر جوابگو نیست و حال نوبت به تغییر در ایران و ترکیه نیز رسیده است. از همین‌رو خواست از این طریق به شیوه‌ای از جنگ رهایی یابد. علی رغم چراغ سبزه‌های بسیاری که نیروی سرمایه‌داری طی چند سال اخیر به دولت ترکیه داد، اما نتوانست اهداف آنان را بخوبی انجام دهد، پس با این وضعیت نمی‌تواند ادامه دهد.

از دیگر سو، سال ۲۰۲۴ بخوبی نشان داد که منطقه، خاورمیانه و جهان به سیستمی نیاز دارد که صلح به بار بیاورد، نه جنگ و خونریزی! زندگی بیافریند نه مرگ! نظامی که فراگیر باشد، نه مرکزگرا! اتحاد ایجاد کند، نه تفرقه. نظامی که جنسیت‌گرا و زن‌ستیز نباشد و اراده‌ی آزادیخواهی زنان را به رسمیت بشناسد. در یک کلام، جهان به سیستم کنفدرالیسم نیاز دارد. در سال ۲۰۲۴ دیدیم که هر آنجا که سیستم کنفدرالیسم بنا نهاده شده، آنجا خلق از موجودیت

«عدم دموکراتیزاسیون دردی است که نه تنها کوردها، بلکه ترک‌ها نیز از آن در رنج به سر می‌برند، پس برای رهایی از این درد، ترکیه و در راس آن بایستی اردوغان بر مساله‌ی برقراری صلح و دموکراسی اصرار ورزد»

خلق کورد صورت گرفت، پ. ک. ک در چنین زمانی ظهور کرد. دقیقاً زمانی که خلق کورد فاقد هر گونه سیستم دفاعی بودند. در آن زمان با گام‌های اولیه‌ی که رهبر آپو و جنبش برداشتند، شور و اشتیاق، جسارت و امید در میان خلق کورد، ایجاد گردید، زیرا عملکرد سیستم آپویی را مشاهده کرد. دیدیم که چه تغییر بزرگ ذهنیتی صورت گرفت. در وهله‌ی اول رهبر آپو این تغییر ذهنیتی را به وجود آورد. یعنی بزرگتر ابزار خود دفاعی بوجود آمد و آن نیز ذهنیتی نوین و جدید بود. پارادایم رهبر آپو، زمینه‌را برای افشار مختلف جامعه فراهم آورد تا بتوانند به شیوه‌های گوناگون فعالیت نمایند. برای اولین بار زنان کورد در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سازماندهی و آموزشی و غیره صاحب سخن گشتند. هم اکنون نیز بعد از ۵۰ سال، خلق کورد و بویژه زنان خودشون رو بخشی از این جنبش میخوانند، چرا؟ چون جنبش آپویی از همه لحاظ، در برابر هر گونه حمله‌ای دفاع نموده است. پس می‌توان گفت خلق کورد، در طول ۵۰ سال گذشته، انقلابی ذهنیتی، وجدانی و فرهنگی را تجربه نموده‌اند. با این اوصاف و با همه‌ی تعاریفی که دولت ترکیه، نسبت به جامعه‌ی کورد ارائه می‌دهد، آیا خلع سلاح می‌تواند مساله را حل کند؟ از یک سو، بخشی از حکومت پیام میدهد که مساله باید حل شود، اما چگونه؟ یک طرفه؟ بدون در نظر گرفتن وضعیت کنونی رهبر آپو! عدم دموکراتیزاسیون دردی است که نه تنها کوردها، بلکه ترک‌ها نیز از آن در رنج به سر می‌برند، پس برای رهایی از این درد، ترکیه و در راس آن بایستی اردوغان بر مساله‌ی برقراری صلح و دموکراسی اصرار ورزد. در اینجا لازم

است گذری تاریخی به مواضع رهبر و گام‌هایی که در سال‌های گذشته در رابطه با برقراری صلح و حل قانونی و سیاسی مساله‌ی کورد داشته باشیم. رهبر آپو در سال‌های ۹۳، ۹۵ و ۹۸ تلاش‌های بسیاری در این راستا انجام داد. در همان دوران نیز، مساله‌ی صلح تنها به خلق کورد ختم نمیشد و ملت‌های مختلف را نیز در بر می‌گرفت. بارها در جملات خود بیان داشت که «مخاطبی می‌طلبم»، اما چه کسی یا حکومتی می‌تواند کار و فعالیت نماید؟ در پاسخ نیز دیدیم که توطئه بین‌المللی صورت گرفت. در فاصله‌ی ما بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ به شیوه‌های گوناگون انکار، نابودی و نسل‌کشی خلق کورد روز به روز بیشتر شد و حکومت نه تنها استقبال نمود، بلکه به بدترین شیوه‌ی ممکن هم با آن مخالفت نمود. هم اکنون نیز همزمان با رد و بدل شدن پیام‌ها، مشاهده می‌کنیم که انزوای تحمیلی هم‌چنان ادامه دارد، مصادره‌ی شهرداری‌ها صورت می‌گیرد، حمله به کوهستان‌ها همچنان ادامه دارد. پهبادهای جنگی بطور مداوم بر آسمان جنوب کوردستان و روژآوا در حال چرخشند و در کل اقدامات غیر دموکراتیک هم چنان بیشتر و بیشتر می‌شود. با این حساب تا چه اندازه می‌توان به این عملکردها، اعتماد نمود؟ اگر این‌ها سنگ انداختن و به تعویق انداختن و تحمیل نظرات یک طرفه‌ی حاکمیت نیست پس چیست؟ باید تاکید کرد علی‌رغم همه‌ی تلاش‌هایی که رهبر آپو و خلق کورد در نیم قرن گذشته نمود، اما نیم قرن گذشته، در جنگ گذشت. از این پس لازم است از تمام تلاش‌های رهبری برای برقراری صلح در نیم قرن آینده حمایت شود. گام اول نیز باید از سوی حکومت برداشته شود. همگان می‌دانند که اعمال خشونت هیچ نتیجه‌ی مثبتی در پی نخواهد داشت، اما در طول این مدت گامی برنداشتند. حال که رهبر آپو همچون گذشته، پیشاهنگ برقراری صلح شده‌اند، لازم است که حاکمیت نیز گامی تاریخی در این باره بردارد. در یک کلام راه حل همان جمله رهبر آپو است و آن نیز در نظر گرفتن روابط تاریخی خلق کورد و ترک و اولین گام نیز آزادی جسمانی رهبر آپو.

مبارزه خلق کورد، تعیین کننده حق آزادی رهبر آپو است نه تصمیمات ناچاری دشمن



رامتین صبا

امرالی، در آن دست دارند. هم مسئله گُرد و هم مسئله حبس رهبر آپو را در صدسال گذشته همان قدرت‌های هژمونیک به وجود آورده‌اند. به همین دلیل موجودیت رهبر آپو دیگر از قالب‌های وجودی یک شخص خارج و با مسئله گُرد و خلّمان در سیر مبارزه و آزادی یکی شده است. آنجا که آزادی منع می‌شود، مبارزه رهبر آپو و خلق گُرد باهم انجام می‌گیرد و هکذا آنجا که آزادی محل بحث باشد، رهبر آپو و خلق گُرد بدون وجود یکدیگر آزاد نخواهند شد. وقتی خلق گُرد به آزادی دست یازد به آن معناست که رهبر آپو آزاد خواهد شد و بر عکس. بنابراین حقوق بین‌المللی و نهادهای مربوطه خاصه در اروپا که خود را مهد تمدن و فرهنگ نوین و پیشتاز می‌دانند، در قبال این مسئله حیاتی مسئول هستند. از وقتی که دول آمریکا و اروپایی در

در مرحله کنونی، آزادی رهبر آپو به‌مثابه یک امر سیاسی و نیاز خلق گُرد بصورت متقابل، مطالبه می‌شود. همیشه گفته‌ایم که «رهبر آپو یک شخص نیست بلکه یک ملت است». اساساً بحث از آزادی و حقی است که از دارای ابعاد سیاسی، اخلاقی، انسانی و طبیعی در عرصه‌های مختلف است. این حق، یعنی آزادی، حق طبیعی رهبر آپو است ولی اینکه چه کشورها و دولی و چه طرف‌هایی به چه صورت و با چه مکانیسم‌هایی سیاسی و حقوقی آن را رعایت کرده و ادا می‌کنند، محل بحث است. حق انسانی رهبر آپو برای آزادی، یک حق طبیعی است، اما صورت دیگری از مجموعه این حقوق برای رهبر آپو وجود دارد که یکی از آنها، حق سیاسی می‌باشد. حق سیاسی به این معناست که چندین قدرت هژمونیک جهانی همراه با دولت ترکیه از سال ۱۹۹۹ با ربودن رهبری از کنیا به

«اگر بخواهند این حق آزادی و حیات خارج از زندان را برای رهبر آپو به رسمیت بشناسند، بدان معنا خواهد بود که ناچارند که حق آزادی خلق گُرد را نیز همزمان متقبل شوند. لذا در یک بن‌بست گیرافتاده‌اند زیرا نمی‌خواهند در تضاد با راهبردهای نسل‌کشی فرهنگی و اسارت سیاسی گُردها، کاری انجام دهند»

و سیستم‌های هژمونیک جهانی روبر شده که در زمینه حقوق به بن‌بست و رسوایی کامل رسیده. راه برون‌رفتی جز رعایت حق آزادی نیز وجود ندارد، زیرا سیستم جهانی در راهبرد نسل‌کشی گُردها و تکمیل مراحل آن به بن‌بست رسیده. این بن‌بست و فروپاشی راهبردهای توطئه بین‌المللی را رهبر آپو با مبارزات خویش به یاری خلقمان طی فداکاری‌ها و فدایی‌گری‌های بی‌شمار به انجام رسانده‌اند. اکنون که دوره اسارت رهبر آپو مطابق قوانین منشور حقوقی بین‌الملل به پایان رسیده، مانده‌اند چگونه جلوی آزادی ایشان و روابط مجدد رهبر آپو با خلق گُرد را بگیرند. از «حق امید» مبنی بر اینکه هر زندانی حق دارد پس از تحمل حبس کامل ابد به آزادی و حق حیات دسترسی داشته باشد، سخن به میان می‌آید. این برای هر زندانی‌ای با طی مراتب قانونی و یا قوانین نابرابر رژیم فاشیستی ترکیه شاید یک موضوع محدود به شخص باشد، اما در مورد رهبر آپو «حق امید» و «حق آزادی» کاملاً به حقوق خلق گُرد گره خورده است. اگر بخواهند

توطئه بین‌المللی علیه رهبر آپو مشارکت کرده‌اند، دیگر نمی‌توانند از عواقب سخت سیاسی آن فرار کنند. ناچاراً به هر نحو ممکن با آن روبرو شوند. از سال ۱۹۹۹ پس از انجام توطئه، آن قدرت‌های هژمونیک مدام از زیر بار سنگین حقوق سیاسی و انسانی رهبر آپو برای آزادی شانه خالی می‌کنند، زیرا می‌دانند اگر این حق را برای رهبر آپو به رسمیت بشناسند و وی را آزاد کنند، خلق گُرد نیز متعاقب آن آزاد خواهد شد و این را به هم ریختن کل برنامه‌های صدساله خود می‌دانند. اکنون که خاورمیانه از سوی خود آنها در حال پوست‌اندازی و تغییر نظم برای یک سده دیگر است، بازهم می‌بینند از دست موضوع آزادی رهبر آپو و گُردها رهایی ندارند. مسئله گُرد را به باطل‌اقی برای خود تبدیل کرده‌اند که با به اسارت بردن رهبر آپو آن را بیش از پیش تعمیق بخشیده‌اند. آنها مسئله گُرد را به توموری سرطانی در خاورمیانه مبدل کرده‌اند که تنها داروی درمان آن، آزادی گُردها است که آن را نمی‌خواهند زیرا برباد رفتن همه آرزوها و برنامه‌های قدرت‌طلبانه و غارت‌گرانه‌شان است. امروز قدرت‌هایی که با سرکردگی آمریکا می‌کوشند نظم قدیمی خاورمیانه را تغییر دهند و نظمی نوین من‌باب میل خود برقرار سازند، به عینه می‌بینند که با مسئله گُرد بعنوان یک مانع بزرگ روبرو هستند که در رأس آن، آزادی رهبر آپو قرار دارد. بی‌شک اگر این آزادی اعاده نشود، نظمی نوین هم شکل نخواهد گرفت. امروز دیگر رهبر آپو یک شخص نیست بلکه یک جامعه و یک خلق است اما اکنون که نظم نوین را برای اجرا به میدان آورده‌اند، پس فراتر از آن دو، تاریخ را نیز به معرکه فراخوانده‌اند. تاریخ خلق گُرد تاریخ آزادی است. این تاریخ و موجودیت خلقمان با انکار و سرکوب و کشتار و نسل‌کشی در عرصه‌های دولت-ملت‌های محافظه‌کار خاورمیانه

«اینکه تاکنون رهبر آ‌پو آزاد نشده و خلقمان به آزادی دست نیافته، مقصر اصلی همگان هستیم زیرا نسبت به ادای دین و بجای آوردن وظایف انسانی، اخلاقی، سیاسی و انقلابی‌مان حساس نبوده‌ایم»

این حق آزادی و حیات خارج از زندان را برای رهبر آ‌پو به رسمیت بشناسند، بدان معنا خواهد بود که ناچارند که حق آزادی خلق گُرد را نیز همزمان متقبل شوند. لذا در یک بن‌بست گیرافتاده‌اند زیرا نمی‌خواهند در تضاد با راهبردهای نسل‌کشی فرهنگی و اسارت سیاسی گُردها، کاری انجام دهند. هژمونی‌های جهانی به نقطه‌ای رسیده‌اند که ناچارند یا جام زهر را بنوشند و حق آزادی رهبر آ‌پو و خلق گُرد را توأمان ادا کنند یا اینکه از هر دو حق حاشا کنند و یک قرن دیگر خاورمیانه را گرفتار مسئله گُرد سازند که تاب تحمل آن را ندارد.

گذشته از نقش سیستم سیاسی جهانی، نقش خلق گُرد و نیروهای سیاسی، در یک فاز متفاوت خود یک طرف مسئله می‌باشد. برخی بخاطر رفتارهای شوونی سیاسی خویش و دوییدن مداوم در پی هوس قدرت‌طلبی و شهرت‌طلبی که همانا بازی با مسئله گُرد در خط موازی با قدرت‌های هژمونی جهانی است، مدام می‌کوشند که برنامه دشمن را عملی سازند. لذا برخی افراد و نیروی سیاسی به خصومت با جنبش آزادیخواهی گُرد دست می‌زنند و مدام می‌کوشند برای رسیدن به هوس‌های قدرت‌طلبانه‌شان ادعا کنند که مسئله رهبر آ‌پو یک مسئله فردی است و ربطی به خلق گُرد ندارد. این درحالی است که چندین قدرت

هژمونیک جهانی به این دلیل که مسئله رهبر آ‌پو را مرتبط با آزادی خلق گُرد و حقوق این خلق می‌دانستند، به توطئه بین‌المللی در ۱۹۹۹ دست زدند، پس برخی نیروهای گُردی مدعی، نمی‌توانند سر خود را زیر برف کنند و از یگانه‌بودن مسئله گُرد و آزادی رهبر آ‌پو حاشا کنند. این حاشا کردن تاکنون در ۲۶ سال گذشته ضربه زیادی از ناحیه آن نیروهای ناموافق به گُردها زده است. چرا که نمی‌خواهند بپذیرند که هر چقدر روند آزادی رهبر آ‌پو به عقب بیافتد، مقوله آزادی خلق گُرد نیز بصورت اتوماتیک به عقب خواهد افتاد. این وضعیت را حقوق سیاسی بین‌المللی و سیاست‌های خاص قدرت‌های هژمونیک به وجود آورده و فراتر از سیاست‌های برخی نیروهای متخاصم گُرد در رقابت با جنبش آزادیخواهی گُرد یعنی جنبش‌های آپوئیستی است. چه‌بسا آنها در میان خلق گُرد صرفاً به ضدیت دست می‌زنند ولی عملاً در حوزه آزادی رهبر آ‌پو و خلق گُرد نقشی تأثیرگذار ندارند. آنقدر ضعیف هستند که کاری از دست‌شان بر نمی‌آید. لذا صرفاً به ابزار دست قدرت‌های خارجی مبدل شده‌اند و یا اینکه برخی از آنها آنقدر ضعیف هستند که حتی نفعی برای آ‌مال قدرت‌پرستی هژمونیک دول جهانی ندارند.

حال اگر موضوع رهبر آ‌پو یک مسئله شخصی نیست و کاملاً به موجودیت خلق گُرد گره‌خورده و با آن یکی شده، پس باید اذعان کرد که در قبال یک‌یک فرد گُرد وظیفه‌ای وجود دارد. بجای آوردن این وظیفه، به یک ضرورت و شرط سرعت‌گیری روند آزادی خلق گُرد مبدل شده است؛ طوری که اگر به این وظایف عمل نشود و الزامات آن ادا نشود، در روند آزادی خلقمان تخلخل ایجاد می‌کند. حال که هر فرد گُرد در قبال رهبر آ‌پو که وجودشان تداعی‌گر وجود خلق گُرد است، وظایفی دارند، اگر این وظایف را بجای نیاورند،



در سایه مبارزات خلقمان بوده نه خواست دشمن. زیرا دشمن هنوز هم نمی‌خواهد رهبری و خلقمان به آزادی دست یابند. آنها حتی در زمان مذاکرات صلح هم به فکر منافع بی‌پایان و بی‌رحمانه خود خواهند بود. پس اتکای ما و خلقمان بر اراده‌ای مشابه اراده رهبر آپو، یگانه راه ما و رمز پیروزی‌مان است.

نقش خلقمان برای آزادی رهبر آپو در سایه تلاش‌های شبانه‌روزی آنها، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از خواست و تصمیم ناچاری قدرت‌ها و دولت‌های دخیل در توطئه بین‌المللی در امر آزادی رهبر آپو و خلقمان است. در جوامع انسانی، خاصه در جهانی با اوضاع کنونی، چیزی است که در سایه مبارزات مستمر حاصل می‌شوند پس آنی نیست که از سوی دشمن و دول اعطا و یا به رسمیت شناخته شود. حتی اگر روزی دشمنان ناچار شوند این حق را به رسمیت بشناسند، به تبع ذات و خصلت همیشه ستیزه‌ورزشان، بازهم مخالف و خصم خواهند بود. این اصل درک سیاسی در مسئله آزادی و مبارزه برای آزادی می‌باشد. اراده یک خلق برای کسب آزادی را مفهوم و عمل مبارزه و مبارزه‌جویی می‌آفریند نه چیز دیگری.

با یاری‌رساندن ضمنی به برنامه‌های دشمن، کار او را سهل‌تر می‌کنند. اینکه تاکنون رهبر آپو آزاد نشده و خلقمان به آزادی دست نیافته، مقصر اصلی همگان هستیم زیرا نسبت به ادای دین و بجای آوردن وظایف انسانی، اخلاقی، سیاسی و انقلابی‌مان حساس نبوده‌ایم. امروز زمان این سستی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها نیست، زیرا در برهه‌ای که نظم نوین خاورمیانه در حال برقراری است، غفلت‌گردها موجب عدم رسیدن به حقوق‌شان برای یک دوره صدساله و یا بیشتر نیز خواهد شد. گردها و گردستان و خلق‌های آن نمی‌توانند این وضعیت را باردیگر تحمل کنند. این است که لازم است برنامه دشمن مبنی بر کریمینالیزه کردن رهبر آپو و خلق‌گرد را برهم بزنیم. ترکیه و متحدان جهانی و منطقه‌ای‌اش با برنامه‌های خلق‌ستیز خود می‌کوشند با تحمیل انزوای مطلق بر رهبر آپو، ایشان نزد خلق‌گرد فراموش شوند و آن پیوند اجتماعی و سیاسی و فرهنگی با خلق‌گرد را قطع نماید. برخی نیز با تبلیغات سوء خویش آب به آسیاب دشمن می‌ریزند که خوشبختانه در سایه مبارزات خلقمان و نیروی گرِیلا، این توطئه تاکنون دچار شکست شده است. اینکه دشمن به درجه‌ای رسیده که ناچار است حق امید را برای رهبر آپو و حق آزادی را برای خلق‌گرد به رسمیت بشناسد،

رژیم ترکیه، بازیگر مخرب مناطق اورمییه تا ماکو



هیمن ارومی



تعداد و توازن است. پس از پیمان قصر شیرین و تقسیم کردستان به دو بخش بین امپراطوری عثمانی و امپراطوری صفوی، مناطق داخلی کردستان عموماً جزو یکی از این دو امپراطوری باقی ماندند، اما مناطق مرزی بین آن‌ها بارها و بارها دست به دست شدند. این مناطق همان مناطقی بودند که قبلاً نیز بر سر آن‌ها اختلاف وجود داشته و بسیار دست به دست شده بودند. از سرحدات ارمنستان امروزی تا نزدیکی‌های بصره این کشمکش و نزاع همیشه ادامه داشت. نقطه‌ی پایان بر این نزاع پس از جنگ جهانی سوم بود که مرزهای قاطع دولت-ملتی کشیده شده و مرزهای ایران و ترکیه‌ای که جدیداً شکل گرفته بودند به تقریباً یک چهارم دوران قبلی رسیدند. مرزهایشان دیگر از مرزهای

مناطق و شهرهایی که در عمق بیشتری از دولت-ملت‌های کنونی قرار دارند، گاهی مدتی طولانی جزو یک سرزمین باقی مانده‌اند اما شهرها و مناطق مرزی بین دولت-ملت‌های کنونی در طول تاریخ دست به دست شده و گاهی سده‌های طولانی جزو قدرتی شده‌اند غیر از قدرت قبلی. رقابت‌های منطقه‌ای بین قدرت‌ها همیشه سبب تغییر مرزها شده و این جابجایی مرزها تأثیر بسیاری بر چنین مناطقی بجا نهاده است. تشکیل دولت-ملت‌های کنونی منطبق بر واقعیات اتنیکی و جغرافیک منطقه نیست، عموماً با معادله‌ی قدرت تثبیت گشته‌اند. کردستان سرزمینی است که بیشترین آسیب را از این نظر دیده است. خود تقسیم کردستان به چهار بخش محصول این نوع

«ترکیه همیشه تا سواحل دریای خزر را حوزه‌ی ترک‌نشین دیده و ایران نیز «جغرافیای فرهنگی ایران» را تا عمق خاک ترکیه و محل سکونت کردها تعریف کرده و یا ادعای آن را به شیوه‌های مختلف بر زبان می‌راند»

ارمنستان شروع شده و تا مناطق بین اورمیّه و شنو (اشنویه) پایان می‌گرفتند. اگرچه مرزها با قطعیت ترسیم گشته و با استفاده از امکانات جدید اشرافی قویتر از قبل بر آنان اعمال شد، اما نزاع پنهان جهت «حوزه‌ی نفوذ» همچنان ادامه داشت و دارد. دولت-ملت‌ها با گفتمان اتنیکی خویش چشم به مناطقی دوختند که قرابت اتنیکی با آن‌ها داشتند. ترکیه همیشه تا سواحل دریای خزر را حوزه‌ی ترک‌نشین دیده و ایران نیز «جغرافیای فرهنگی ایران» را تا عمق خاک ترکیه و محل سکونت کردها تعریف کرده و یا ادعای آن را به شیوه‌های مختلف بر زبان می‌راند. این امر در نظر هر دو دولت به یک شیوه و در یک سطح نبود.

دولت ترکیه به سبب عمق گفتمان «تک‌بینی» ای که داشت و منجر به فاشیسم انکارگرا شده بود، به چهار اطراف خویش چشم طمع می‌دوخت. بنیان «جمهوری ترکیه» که در نتیجه‌ی معادلاتی معین «برساخته» شده بود، بر پایه‌ی نفی و انکار کردها و ارمنیان و علوی‌ها و کمونیست‌ها و اسلامی‌ها قرار داشت. ارمنیان را دچار قتل‌عامی عظیم نمودند که حتی هیتلر نیز آشکارا گفت که از ان الگوبرداری کرده، علوی‌ها را با مکانیسم توأمان کشتار و آسیمیلیسیون به نوعی به درون «نظم ترکی - اسلامی» کشیده، اسلامی‌ها را سرکوب کرده و به جنگی همه‌جانبه با کردها برخاستند. کردها که با تکیه بر فاکتورهای فرهنگی و جغرافیایی قادر به

مقاومت شده بودند، به چالش بزرگ این جمهوری برساخته شده مبدل گشتند. نزاع بین مقاومت کردها و نفی‌گرایی ترکی-اسلامی منجر به تعمیق فاشیسم گشته و این تعمیق فاشیسم به مؤلفه و شاخصه‌ی مهمی در تعریف هویت ترکی و جمهوری ترکی و حتی جامعه‌ی ترک مبدل گشت. با کارکرد این چرخه‌ی فاشیسم - قدرت، سیاست‌هایی که بازتولید گشتند هرچه فزون‌طلب‌تر و زیاده‌خواه‌تر از پیش گشتند. با مطرح شدن رقابت‌های اقتصادی منطقه‌ای و وارد شدن فاکتور سود بیشینه در این معادله، سیاست‌های خارجی ترکیه بیشتر حالتی تهاجمی و زیاده‌خواهی به خود گرفتند. هنگامی که این فاکتورها با به سر رسیدن پیمان‌های منطقه‌ای و بویژه مهم‌ترین‌شان یعنی سایکس-پیکو یکی گشتند، ترکیه از تزه‌ای نظیر «باقی نگذاشتن هیچ مسئله‌ای با همسایگان» به تزه‌ای اخوانی و سلفی و «نئوعثمانی» روی آورد. این تزه‌ها از اواسط سده‌ی بیستم در ترکیه پا گرفته بودند. جریان اسلامی ترکیه در چارچوب «کمربند سبزی» که بلوک غرب در مقابل شوروی در پی ایجاد آن بود، در ترکیه مجال پیشرفت کسب کرده بود. این جریان با انتشار مجله‌ای به نام «نفوذ» (به ترکی سزنتی sızinti) در زندان به جایی رسید که یکی از قوی‌ترین جریان‌های اسلامی سنی - سلفی بنام «جریان نور» و یا «نورگرایان» (به ترکی نورجولار nurcular) به رهبری فتح‌الله گولن زمینه‌های اعلام احزابی همچون «رفاه» و «رفاه جدید» و در نهایت «حزب عدالت و توسعه» (آ.ک.پ. AKP) را فراهم آوردند. این جریان پس از دوران یازدهم سپتامبر و جهت عقب‌نماندن از قافله‌ی مداخلات غرب در خاورمیانه با گفتمان نئوعثمانی در پی کسب نفوذ برآمد. سودای احیای مجدد امپراطوری عثمانی به فاکتور اساسی تعیین سیاست‌های خارجی و استخباراتی ترکیه مبدل گشت. اساسا ترکیه مدلی را ارائه داد که در آن سیاست خارجی همراه با

«کردهایی که رژیم ایران در پی آسیمبله نمودن آنان است در پی کسب حقوق خویش بوده و دیگر مبارزه به بخشی از زندگی آنان تبدیل شده و با توجه به پیشرفت‌های علمی- منطقی و سیاسی جهان بسوی کسب دستاوردهای خویش گام برمی‌دارند»

ترکیه نیز مستقیماً با دولت ایران ارتباط دارد، اما مسئله‌ی دالان زنگزور فراتر از آن بوده و حتی منجر به تغییر مرزهای ایران شده و ایران را از شمال به آذربایجان محکوم خواهد نمود. موضع روسیه به نفع ترکیه و در ضدیت با ایران سبب شده تا این تصور قوت بگیرد که این امر سر خواهد گرفت. این یک مسئله‌ی خارجی است و منازعه‌ی ژئواستراتژیک در منطقه می‌باشد. اما مسائلی نیز پیرامون این برنامه‌ی دولت ترکیه وجود دارند که می‌تواند بنیان‌های دولت ایران را به لرزه درآورده و یا آتشی را در منطقه بپا کند که نتایج آن بسیار فلاکت‌بار خواهند بود.

واقعیت این است که مناطقی که ترکیه و ایران را از هم جدا می‌کند عموماً مناطق کردنشین می‌باشند. اما در برخی از این مناطق نیز ساکنان بصورت مختلط متشکل از کردها و ترک‌های آذری هستند. اگرچه بحث عمیقی بر سر این مسئله وجود دارد که آذری‌ها همان ترک‌ها نبوده و ملتی جداگانه هستند که هم‌اکنون به لهجه‌ای از ترکی سخن می‌گویند، اما واقعیت امر این است که هم‌اکنون زبان ترکی آذری جزو خانواده‌ی زبان‌های اورال‌آلتای بوده و جامعه‌ی ترکی نیز مستعد جهت نفوذ دولت ترکیه می‌باشد. شاید فاکتور مذهب قادر باشد این نفوذگری ترکیه و نفوذپذیری جامعه‌ی آذری را کم‌رنگ نماید. زیرا

استخبارات و شرکت‌های تجاری و تولیدی و مالی هماهنگ عمل می‌نمودند. همراهی گروهی از تاجران مطرح ترکیه با اردوغان در سفرهای خارجی و انتخاب رئیس سازمان استخباراتی بعنوان وزیر خارجه نشانگر این امر بود. در این «کشورگشایی مدرن» ترکیه از چندین سو برنامه‌هایی مطرح شده و به اجرا گذاشته شدند.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایشان اعمال نفوذ در عراق و سوریه بود که در چارچوب «میثاق ملی» که به نشانه‌ی اعتراض از همان دوران بر ساخت جمهوری ترکیه در دستور کارشان قرار داشت. این امر از یکسو جهت کنترل نمودن کردها و جنبش‌های سیاسی‌شان بود که بعنوان سندرم ترکیه روز به روز قوی و قوی‌تر می‌گشتند و از طرف دیگر جهت دسترسی به منابع انرژی‌های فسیلی و دالان‌های تجاری رو به سوی بصره بود. برنامه‌ی دوم تلاش برای کسب نفوذ در شمال آفریقا بود که از لیبی شروع و مصر شروع شده و تا سومالی پیش رفته و حتی بازتاب‌های تا جنوبی‌ترین نقطه‌های آفریقا دارد و این برنامه تاکنون نیز ادامه دارد. یکی از برنامه‌های مهم ترکیه نیز تلاش جهت ایجاد کریدور «کشورهای ترکی» است که از مرزهای ترکیه با نخجوان شروع شده و به مرزهای چین رسیده و حتی نیم‌چشم طمع‌ی به منطقه اویگور چین نیز دارد. این برنامه با اهداف اسرائیل جهت نزدیک شدن به مرزهای ایران تطابق داشته و به همین جهت منجر به یک همکاری بسیار نزدیک بین ترکیه و اسرائیل و آذربایجان شد که دود آن به چشم ارمنستان رفت و سبب تصرف مناطق مورد منازعه بین آذربایجان و ارمنستان از سوی آذربایجان گردید. این برنامه که قسمت دوم آن یعنی باز کردن دالان زنگزور هنوز مورد مناقشه بوده و با توجه به برخوردهای ارمنستان و شوروی، احتمال باز شدن آن بسیار است، مستقیماً به ایران مربوط می‌شود. اگرچه برنامه‌ی میثاق ملی

خویش را نشان می‌دهند. از طرفی کردهای عموماً سنی‌مذهب این منطقه مورد ظلم و ستم مستقیم دولت ایران قرار گرفته‌اند، از طرف دیگر جمعیت ترکی‌های آذری شیعه مذهب که پایه‌ی اصلی قدرت ایران در منطقه را تشکیل داده‌اند از یک جهت مورد آسیب‌های فرهنگی هویتی از طرف ایران قرار گرفته، از سوی دیگر نیز ترکیه بعنوان یک الگوی ترکی در مقابل چشمان آنهاست اما ذهن آنان نیز کردارهای شیعه‌ستیز ترکیه را فراموش نکرده و در حال حاضر نیز در سوریه آن را مشاهده می‌نمایند. کردها نیز در عین حال که با رژیم ایران متعارض هستند با خطر فاشیسم ترکی روبرو بوده و شاهد اعمال کردستان‌زانه‌ی ترکیه در جنوب کردستان و شمال و شرق سوریه و روژآوا و خود شمال کردستان و ترکیه هستند. این امر سبب شده تا زمینه‌ی یک ملی‌گرایی سردرگم نیز فراهم آید، سردرگمی از آن جهت که نوک پیکان مخالفت‌شان متوجه رژیم ایران است اما خطر ترکیه را نیز با تمامی وجود احساس می‌کنند. ترک‌های آذری نیز مملو از احساسات ملی‌گرایانه‌ی فاشیستی شده و از طرف دیگر نیز با تمامی وجود می‌دانند که سطح

ترک‌های آذری شیعه مذهب بوده و دولت ترکیه شدیداً سنی‌مذهب و حتی سلفی می‌باشند. اما قدرت گرفتن جریان فاشیست اتنیکی در ترکیه و جریان‌های فاشیستی در سطح جهان بخت توان نفوذ در میان جوامع آذری را به دولت ترکیه داده است.

دولت ترکیه در مسئله‌ی زنگزور و در کل تشکیل خط و مسیری ترکی تا به چین، چشم به مناطق آذری‌نشین ایران نیز دوخته است. این مناطق در شرق دریاچه اورمیه ترک‌نشین بوده و جمعیتی از تالش‌ها و سایر ملت‌ها در مناطق شرقی‌تر زندگی می‌کنند، اما در غرب دریاچه تنها باریکه‌ی کنار دریاچه‌ی اورمیه است که ساکنان ترک در آن زندگی می‌کنند. مابقی از آن باریکه تا مرزهای دولت ترکیه کردنشین می‌باشند و در مناطق مرتفع و کوهستانی و کاملاً مرزی بصورت خالص کرد هستند. در اورمیه تنها یک روستای ترک‌نشین نیز هم‌مرز ترکیه نیست، در حالیکه تمامی مناطق حومه‌ی اورمیه و سلماس و خوی کاملاً کردنشین می‌باشند. مناطقی وسیع و نسبتاً ناهموار و سخت و با تمرکز جمعیتی قابل توجه. در اینجاست که معادلات پیچیده‌ای



نسبی از قدرتی که اکنون کسب کرده‌اند اگرچه با حمایت دولت ایران کسب گردیده‌اند اما ضمانت آن همزیستی مسالمت‌آمیز است. در این میان ملی‌گرایی کردی و ترکی جولان داده و در پی قدرت‌گرفتن می‌باشند. این گفتمان‌ها همچون سوختی آماده‌ی شعله‌ور شدن هرلحظه قابل آتش‌گرفتن، قابل انفجار هستند.

رژیم ایران نقش «غافل» این عرصه را بازی می‌کند. از طرفی با سیاست خارجی شکست‌خورده و «فاشل» خویش نه‌تنها درسی از دسیسه‌های عثمانی نگرفته، بلکه روز به روز در زمین بازی آنان وارد شده و مکانیسم‌هایی را از دست می‌دهد. جای یادآوری است که چند کیلومتر از خاکی که ترکیه را به نخجوان متصل می‌کند اراضی ایران بود که در دوران عصیان آگری، ایران آن را در ازای مناطقی دیگر به ترکیه وگذاز کرد. این قدرت پیش‌بینی دستگاه دولتی ترکیه و غفلت دستگاه دولتی ایران را نشان می‌دهد. از طرف دیگر نیز دولت ایران علی‌رغم داشتن داعیه‌ی اسلامی که باید به اقتضای آن رویکردی غیرمرکزی می‌داشت، عملاً به دستگاه دولتی فارسی تبدیل شده و حقوق اتنیکی ملت‌ها را به فراموشی سپرده و سیاست آسیمیلیسیون و اضمحلالی عمیق را در پیش گرفته است. این نیز به یک نقطه ضعف رژیم ایران تبدیل شده است. کردهایی که رژیم ایران در پی آسیمیله نمودن آنان است در پی کسب حقوق خویش بوده و دیگر مبارزه به بخشی از زندگی آنان تبدیل شده و با توجه به پیشرفت‌های علمی-منطقی و سیاسی جهان بسوی کسب دستاوردهای خویش گام برمی‌دارند، ترک‌های آذری که دولت ایران تنها با اهرم و مکانیزم مذهب آنان را به بدنه‌ی نظام پیوند زده، به یک دوره‌ی بیداری ملی وارد شده‌اند. هر دو نیز منطق تک‌پرست دولت-ملت ایران را به چالش کشیده‌اند. این فاکتورها سبب شده تا امکان کنش‌های بسیاری بر ضد رژیم ایران

وجود بیاید، کنش‌هایی برحق که تا اسباب آن برطرف نشده‌اند، امکان آن وجود خواهند داشت و برگشت‌پذیر هم نیستند! از این روست که صفت «غافل» برازنده‌ی رژیم ایران است.

کردها و ترک‌های آذری نیز معروض خطای بزرگ ملی‌گرایی هستند. کردها با توجه به ظمی که بر آنان وارد است بصورت سنتی و متداول تمایلی به ملی‌گرایی دارند. به سبب آشکار نشدن چهره‌ی واقعی ملی‌گرایی و همچنین به سبب تکامل نیافتن ملی‌گرایی کردی و ابتدایی باقی ماندن آنان، ملی‌گرایی همچنان بصورت گزینه‌ای مهم پیش روی خلق کرد است. این امر به یک چالش مهم برای خلق کرد تبدیل گشته است. اگرچه تمامی خلق‌های منطقه و حتی جهان نیز با این «زهر سیاسی - اجتماعی» روبرو هستند، اما به سبب موقعیت منحصر بفرد خاورمیانه و همچنین تحولاتی که پیرامون خلق کرد روی می‌دهند، درک ملی‌گرایی برای کردها بسیار حائز اهمیت است. برای خلق ترک آذری نیز همان موضوع مطرح می‌باشد. خلق ترک آذری بصورت برحق وارد فاز بیداری ملی گشته است، اما به سبب نبود یک جریان سالم و علمی و واقعی، سودجویانی وابسته در تلاش هستند تا این خلق بجای در پیش گرفتن راه‌های به‌روز و امروزی جهت کسب حقوق خویش، وارد مسیر خطرناک ملی‌گرایی گردانده شوند. متن جامعه‌ی ترک‌های آذری جهت حیات مسالمت‌آمیز بسیار مساعد بوده و قطعاً ملی‌گرا نیست، اما این متن جامعه نیست که تعیین‌کننده مسائل است، بلکه جریان‌های سازمان‌یافته هستند که تعیین‌کننده می‌باشند و در حال حاضر این جریان‌های ملی‌گرا هستند که تا سطح معینی از طرف سازمان‌های استخباراتی ترکیه و آذربایجان سعی بر سازماندهی آنان می‌شود.

این همان معادله‌ی پیچیده‌ی منطقه است که دولت ایران و ترکیه و آذربایجان و خلق کرد و

«از منظر و زاویه دید دولت ایران نیز تنها تن دادن به خواست‌های مشروع و برحق خلق‌ها و باز کردن فضای سیاسی است که می‌تواند زمینه‌ی این دسیسه‌ها و شرارت‌های ترکیه را از بین ببرد»

خلق ترک در آن قرار دارند و به سبب پیچیدگی و چندوجهی بودن خویش جهت مداخلات خارجی باز است. دولت ترکیه مخرب‌ترین نقش را در این میان بازی می‌کند. دولتی که با محرومیت از منابع سوخت فسیلی چشم طمع به اطراف داشته و به سبب ایدئولوژی فاشیستی و پان‌ترکیستی خویش در پی آمال بلندپروازانه‌ی ایجاد «جهان ترک از مدیترانه تا دیوار چین» برمی‌آید، حاضر به شعله‌ور نمودن آتش جنگ در هر منطقه‌ای جهت نفوذ در آن است. فراموش نکنیم که کانون‌های ملی‌گرایی کنونی کردی (جریان بارزانی در جنوب کردستان) متحد ترکیه به شمار رفته و این خود نشان می‌دهد که چه ریگی در کدام کفش است! دولت ترکیه از طرفی نفس ملی‌گرایی در گلوی جامعه‌ی می‌دمد تا آنان را از مسیری امروزین جهت کسب حقوق فرهنگی - اجتماعی - سیاسی خویش بازدارد و بدینسو بر آنان فایق آید و از طرف دیگر ملی‌گرایی ترکی را شعله‌ور نموده تا آن را به ابزاری جهت رسیدن به آمال خویش قرار دهد. از یکسو دولت ایران را دچار غفلت کرده تا همانند سوریه کلاه گشاد دیگری بر سرش بگذارد و از طرف دیگر با برجسته کردن گفتمان‌های منطقه‌ای زمینه‌ای را جهت آمال نئوعثمانی خویش فراهم آورد.

ترکیه با موقعیت ژئواستراتژیک خویش و با ایجاد مکانیزم‌هایی که بیش از دو دهه است در چارچوب برنامه‌ای معین و با تکیه بر عضویت خویش در

همپیمانی‌های جهانی ایجاد کرده و همچنین با زیرکی ناشی از سنت چند صد ساله‌ی عثمانی خویش توان این را دارد که در منطقه جنگ‌افروزی کرده و یا اغتشاشاتی را برنامه‌ریزی کرده و اجرا نماید. پادزهر رهایی از این مسئله از چند وجه قابل بیان است. از منظر و زاویه‌ی دید خلق که اساسی‌ترین وجهه است، تنها با در پیش گرفتن راه‌حلی تک‌تک‌گرا و همزیستی مسالمت‌آمیز و باز تعریف مبارزه در راه کسب حقوق و «تعیین سرنوشت» است که می‌تواند زمینه‌ی درگیری و نزاع را از میان برداشته و راه‌حلی عموم‌پسند را مطرح نماید که «بُرد-بُرد» برای تمامی خلق‌ها محسوب گردد. از این طریق هم می‌توان به کسب حقوق خویش نایل آمد و هم بدون هیچ ضرر و خسرانی وارد گود پیشرفت‌های جهانی شد. از منظر و زاویه‌ی دید دولت ایران نیز تنها تن دادن به خواست‌های مشروع و برحق خلق‌ها و باز کردن فضای سیاسی است که می‌تواند زمینه‌ی این دسیسه‌ها و شرارت‌های ترکیه را از بین ببرد. اصرار بر تداوم نظام نامدرن و نامعاصر کنونی زمینه‌ساز درگیری‌های منطقه‌ای است که در صورت هر احتمالی که برآیند آن باشد، قطعاً دولت ایران متضرر میدان خواهد بود. چه کردها از طریق ملی‌گرایی به نظامی سیاسی برسند، چه ترک‌ها، چه کردها ترک‌ها را دچار ضررهای بزرگ کرده و چه برعکس آن، دولت ایران از نظر ژئواستراتژی متضرر خواهد بود، زیرا مناطق مهمی را از دست خواهد داد. رژیم ایران با نظام و منطق و کردارهایش قطعاً قابل قبول نبوده و از هر زاویه‌ی که به آن نگریسته شود، یا باید تغییر نماید و یا باید تغییرش داد، این امر قطعی است! اما باید این را نیز بیان کرد که ترکیه قطعاً نقش مخرب و بسیار منفی‌ای در مناطق مرزی خویش با ایران بازی می‌کند، رژیم و منطق کنونی ترکیه قطعاً معضل اساسی مناطق مذکور بوده و باید در برابر آن هشیار بود و بدون کنش باقی نماند.

پیوستن یا عدم پیوستن ایران به سازمان FATF



آرام کریم ✍️

سیستم مالی جهانی وضع شود. این سازمان ابتدا به‌طور خاص بر پیشگیری از پول‌شویی متمرکز بود، اما به مرور زمان و با گسترش تهدیدات تروریستی، مبارزه با تأمین مالی تروریسم به یکی از اهداف اصلی آن تبدیل شد. هدف FATF ایجاد یک چارچوب بین‌المللی برای کشورها بود تا بتوانند همکاری‌های مالی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که از سوءاستفاده‌های مالی جلوگیری شود و خطرات ناشی از تأمین مالی گروه‌های تروریستی کاهش یابد. با گذشت زمان، FATF از طریق ایجاد استانداردها و توصیه‌های خاص، کشورهای عضو را ملزم به تصویب قوانینی برای مقابله با این تهدیدات کرد. پذیرش عضویت در FATF به صورت رسمی و ساختاریافته نیست؛ این سازمان بیشتر یک گروه بین‌المللی است که کشورهای مختلف را از طریق

FATF مخفف عبارت "گروه ویژه اقدام مالی" (Financial Action Task Force) است. این سازمان بین‌المللی وظیفه نظارت بر مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را دارد. FATF با ایجاد استانداردها و راهنمایی‌هایی به کشورهای مختلف کمک می‌کند تا سیستم‌های مالی خود را در برابر سوءاستفاده‌های مالی مقاوم‌تر کنند. این سازمان از سال ۱۹۸۹ توسط کشورهای گروه هفت (G7) تأسیس شد و اعضای آن شامل کشورهایی از سراسر دنیا هستند که به دنبال ارتقای امنیت سیستم مالی جهانی هستند. کشورهای عضو FATF باید قوانینی برای شناسایی و مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم وضع کنند. اگر کشوری نتواند به این استانداردها پایبند باشد، ممکن است تحت فشارهای بین‌المللی قرار بگیرد و حتی ممکن است برای آن کشور محدودیت‌هایی در

استانداردهای FATF نرسیده‌اند.

FATF برای کشورهایی که به طور کامل به معیارهای آن نرسیده‌اند، مهلت‌هایی برای اصلاح و بهبود قوانین خود می‌دهد. این کشورها می‌توانند در این مدت تغییرات لازم را اعمال کنند تا از لیست‌های محدودیت خارج شوند.

در مجموع، پذیرش FATF به معنای پایبندی به یک چارچوب جهانی است که کشورهای عضو باید به آن پایبند باشند تا از خطرات مالی جلوگیری کنند و همکاری‌های بین‌المللی را در زمینه امنیت مالی تقویت نمایند.

ایران به دلایل مختلف تا کنون به سازمان FATF نپیوسته است، و حتی در برخی از مواقع تحت فشارهای زیادی برای پیوستن به این سازمان قرار گرفته است. دلایل اصلی که موجب عدم پیوستن ایران به FATF شده را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

سیاسی - امنیتی: تحریم‌ها و اختلافات بین‌المللی؛ تحریم‌ها و اختلافات بین‌المللی. ایران با برخی از کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، روابط پرتنش داشته است. پیوستن به FATF برای ایران ممکن است به معنای پذیرش قوانین و معیارهایی باشد که از نظر تهران ممکن است منافع ملی آن را تهدید کند. برخی از این معیارها ممکن است محدودیت‌هایی در مورد فعالیت‌های مالی ایران و توانایی آن در انجام تراکنش‌های مالی با برخی کشورها اعمال کند.

نگرانی از نظارت‌های خارجی: ایران ممکن است نگران این باشد که پیوستن به FATF نظارت‌های بین‌المللی و محدودیت‌هایی را بر فعالیت‌های

عضویت در آن یا از طریق همکاری با استانداردهای آن درگیر می‌کند. بنابراین، «پذیرش» به معنای پیوستن رسمی به FATF مانند یک سازمان بین‌المللی معمولی نیست، بلکه اعضای FATF از میان کشورهای انتخاب می‌شوند که طبق معیارهای مشخص و با همکاری به استانداردهای آن پایبند باشند.

کشورهای متقاضی باید استانداردهای FATF را در زمینه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم رعایت کنند. این استانداردها شامل ایجاد قوانین و مقررات داخلی جهت شناسایی، پیگیری و مقابله با این تهدیدات است.

این استانداردها بر اساس گزارش‌های نظارتی FATF و ارزیابی‌های کشورها از عملکرد خود تنظیم می‌شود. پس از پذیرش عضویت یا اعلام همکاری، کشورهای مختلف تحت ارزیابی‌های دوره‌ای FATF قرار می‌گیرند تا میزان تطابق اقدامات آنها با استانداردهای بین‌المللی بررسی شود.

ارزیابی‌ها به طور معمول شامل بررسی قوانین و نظام‌های مالی داخلی، توانایی‌های اجرایی، و همکاری‌های بین‌المللی در حوزه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است.

علاوه بر اعضای اصلی، FATF گروهی از کشورها و نهادها را نیز به عنوان «همکار» می‌پذیرد که ممکن است عضو کامل نباشند اما همچنان به پیاده‌سازی استانداردهای FATF پایبند باشند و با آن همکاری کنند. این کشورهای همکار به طور رسمی عضو نمی‌شوند اما می‌توانند مشارکت فعال در تلاش‌های جهانی FATF داشته باشند.

کشورهایی که نتوانند به استانداردهای FATF پایبند باشند، ممکن است در فهرست‌های خاصی مانند «لیست سیاه» یا «لیست خاکستری» قرار گیرند. این کشورها معمولاً با فشارهای بین‌المللی مواجه می‌شوند و ممکن است محدودیت‌هایی در روابط مالی بین‌المللی آنها اعمال شود.

در «لیست سیاه»، کشورهای تحت نظارت جدی‌تر قرار می‌گیرند و ممکن است از تعاملات مالی جهانی محدود شوند. کشورهای «لیست خاکستری» هم در حال اصلاحات هستند، اما هنوز به طور کامل به

«پذیرش FATF به معنای پایبندی به یک چارچوب جهانی است که کشورهای عضو باید به آن پایبند باشند تا از خطرات مالی جلوگیری کنند و همکاری‌های بین‌المللی را در زمینه امنیت مالی تقویت نمایند»

«ایران به دلیل سیاست‌های خاص خود در منطقه (به‌ویژه حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی و نیروهای نظامی در کشورهای مختلف مانند سوریه، عراق، لبنان و یمن) ممکن است نگران این باشد که پیوستن به FATF به‌طور غیرمستقیم منجر به فشارهای بین‌المللی بیشتر برای توقف یا محدود کردن این نوع حمایت‌ها شود»

برخی از استانداردهای بین‌المللی و کاهش روابط مالی با کشورهای خاص وارد کند.

خروج از لیست سیاه FATF: ایران به دلیل عدم رعایت استانداردهای FATF در زمینه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم از سوی FATF در لیست خاکستری یا سیاه قرار دارد. این وضعیت برای ایران به منزله فشاری است که باید اصلاحات لازم را برای خروج از این وضعیت انجام دهد. با این حال، ایران تاکنون نتوانسته است به‌طور کامل به الزامات FATF عمل کند.

اقتصادی و مالی آن اعمال کند. این نگرانی به ویژه در زمینه تأمین مالی گروه‌هایی که ایران به آنها حمایت می‌کند (مانند گروه‌های مقاومت در منطقه) مطرح است.

مسائل داخلی و اقتصادی، لزوم اصلاحات اقتصادی و مالی؛ پیوستن به FATF نیازمند اصلاحات گسترده در سیستم بانکی و مالی ایران است، از جمله تغییرات در قوانین ضدپول‌شویی و ضد تأمین مالی تروریسم. این اصلاحات می‌تواند چالش‌های سیاسی و اقتصادی ایجاد کند، زیرا ممکن است با منافع برخی از گروه‌های داخلی مغایرت داشته باشد.

نگرانی از آسیب به اقتصاد داخلی. برخی معتقدند که پیوستن به FATF ممکن است فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ایران را با کشورهای که به این سازمان پیوسته‌اند پیچیده‌تر کند و فشارهای خارجی را افزایش دهد.

مخالفت‌های داخلی و سیاسی: برخی گروه‌های داخلی مخالف پیوستن به FATF هستند. برخی از جناح‌های سیاسی در ایران، به‌ویژه آنهایی که دیدگاه‌های ضدغربی دارند، با پیوستن به FATF مخالفند. آنها نگرانی دارند که این اقدام منجر به افزایش نظارت و کنترل خارجی بر سیستم مالی و اقتصادی کشور شود.

نگرانی از فشارهای بین‌المللی: پیوستن به FATF ممکن است به ایران فشارهای بیشتری برای رعایت



«ایران هم‌اکنون تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد و این تحریم‌ها موجب محدود شدن دسترسی ایران به سیستم مالی جهانی شده است. اگر ایران به FATF نپیوندد و همچنان در لیست خاکستری یا سیاه باقی بماند، این محدودیت‌ها تشدید خواهد شد»

ممکن است باعث کاهش توانایی ایران در تأمین مالی گروه‌هایی شود که در منطقه و در داخل ایران از نظر سیاسی برای آن اهمیت دارند (مانند گروه‌های مقاومت یا نیروهای وابسته به سیاست‌های ایران در خاورمیانه).

تهدیدات امنیتی و سیاسی: ایران به دلیل سیاست‌های خاص خود در منطقه (به‌ویژه حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی و نیروهای نظامی در کشورهای مختلف مانند سوریه، عراق، لبنان و یمن) ممکن است نگران این باشد که پیوستن به FATF به‌طور غیرمستقیم منجر به فشارهای بین‌المللی بیشتر برای توقف یا محدود کردن این نوع حمایت‌ها شود. از نظر ایران، این فشارها می‌توانند به معنای تهدیدی برای منافع ملی و سیاست خارجی آن باشند.

علاوه بر این، پیوستن به FATF ممکن است به‌عنوان اقدامی برای "تسلیم شدن" به استانداردهای غربی و کاهش استقلال کشور تلقی شود که این خود می‌تواند منجر به مقاومت داخلی و مخالفت‌هایی با این اقدام شود.

محدودیت‌های اقتصادی و تجاری: ایران با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و وضعیت اقتصادی خود، ممکن است نگران این باشد که پذیرش معیارهای FATF باعث محدودیت‌های بیشتر در سیستم بانکی و تجاری آن شود. بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات مالی ایران در حال حاضر به دلیل تحریم‌ها قادر به انجام تراکنش‌های بین‌المللی نیستند. اگر ایران به FATF بپیوندد و مجبور شود به الزامات آن عمل کند، ممکن است نتواند به راحتی از سیستم‌های مالی بین‌المللی استفاده کند و روابط مالی‌اش با کشورهای خاص پیچیده‌تر شود.

تأثیر بر روابط با کشورهای خاص: ایران نگران این است که پیوستن به FATF منجر به کاهش روابط مالی با کشورهای خاصی شود که تحت تحریم‌ها قرار دارند یا با FATF همکاری نمی‌کنند. برخی از کشورهای ایران که با آن‌ها روابط تجاری دارد، ممکن است تحت فشار قرار گیرند تا از انجام تراکنش‌های مالی با ایران خودداری کنند، حتی اگر ایران به‌طور رسمی به استانداردهای FATF پیوسته باشد.

تلاش‌ها برای ایجاد مکانیسم‌های مالی مستقل: ایران به جای پیوستن به FATF، تلاش کرده است که مکانیسم‌های مالی و تجاری مستقل خود را راه‌اندازی کند که کمتر تحت تأثیر نظارت‌های بین‌المللی باشند. به عنوان مثال، ایران با برخی کشورهای خاص مانند چین و روسیه توافق‌نامه‌هایی برای تبادلات مالی و اقتصادی انجام داده است تا بتواند از تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی جهانی عبور کند.

در نهایت، موضوع پیوستن یا نپیوستن ایران به FATF به ترکیبی از مسائل سیاسی، اقتصادی، و امنیتی باز می‌گردد.

ترس ایران از پیوستن به FATF در درجه اول به نگرانی‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی مربوط می‌شود. این نگرانی‌ها عبارتند از:

نظارت بین‌المللی و محدودیت‌های مالی: پیوستن به FATF به معنای پذیرش استانداردهای بین‌المللی برای مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است. ایران نگران این است که این استانداردها به‌طور خاص به برخی از فعالیت‌های مالی داخلی یا منطقه‌ای آن آسیب بزنند. FATF از کشورهای عضو می‌خواهد که نظارت دقیقی بر تراکنش‌های مالی داشته باشند و این ممکن است بر روابط مالی ایران با برخی کشورها که به نظر FATF "مشکوک" هستند، تأثیر منفی بگذارد.

یکی از نگرانی‌ها این است که پیوستن به FATF

گرفتن در لیست "خاکستری" FATF، تحت فشار بوده است که الزامات این سازمان را اجرا کند. اگر این وضعیت ادامه یابد و ایران اقداماتی برای پیوستن به FATF انجام ندهد، ممکن است در نهایت به "لیست سیاه" FATF منتقل شود. این امر به معنای افزایش محدودیت‌ها و فشارهای بین‌المللی بر اقتصاد ایران است، زیرا کشورهای دیگر و نهادهای مالی بین‌المللی ممکن است از تعاملات مالی با ایران خودداری کنند. در چنین شرایطی، ایران ممکن است حتی برای انجام تراکنش‌های مالی معمولی با کشورهای کم‌ریسک هم با مشکلات بیشتری مواجه شود.

آسیب به اعتبار بین‌المللی ایران: عدم پیوستن به FATF ممکن است بر اعتبار بین‌المللی ایران تأثیر منفی بگذارد. کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی ممکن است ایران را به‌عنوان کشوری که با استانداردهای جهانی برای مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم سازگار نیست، ارزیابی کنند. این وضعیت می‌تواند موجب کاهش اعتماد جهانی به نظام مالی ایران شود.

برخی از کشورها ممکن است بر اساس فشارهای FATF، از توسعه روابط تجاری و اقتصادی با ایران خودداری کنند و این به‌ویژه در شرایطی که ایران نیاز به حمایت اقتصادی دارد، آسیب‌زننده خواهد بود.

تهدید به انزوای اقتصادی و سیاسی: در بلندمدت، ایران ممکن است با انزوای اقتصادی بیشتری مواجه شود. کشورهای عضو FATF به‌ویژه کشورهای غربی، ممکن است به‌طور غیررسمی یا رسمی از تعاملات اقتصادی با ایران خودداری کنند. این انزوا می‌تواند بر صنایع مختلف ایران، از جمله صنعت نفت، پتروشیمی، و خودرو تأثیر بگذارد.

همچنین ممکن است ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی با مشکل مواجه شود. شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی معمولاً از انجام معاملات با کشورهایی که تحت نظارت FATF قرار دارند، خودداری می‌کنند تا از خطرات ناشی از تحریم‌ها یا محدودیت‌های قانونی در امان بمانند. **محدودیت در همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم و جرائم مالی:** عدم پیوستن به FATF

پذیرش تغییرات ساختاری داخلی: پیوستن به FATF ممکن است نیازمند تغییرات گسترده‌ای در سیستم حقوقی و اقتصادی ایران باشد، از جمله اصلاحات در قوانین مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم. این اصلاحات ممکن است با منافع برخی از گروه‌های داخلی مغایرت داشته باشد و باعث ایجاد تنش‌های داخلی شود.

تهدید از سوی غرب: ایران نگران این است که پیوستن به FATF به‌عنوان گامی برای نزدیکی بیشتر به غرب تلقی شود و این می‌تواند موجب فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بیشتر از سوی کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، شود. به‌ویژه در شرایطی که ایران در حال مقابله با فشارهای بین‌المللی به‌ویژه در زمینه توافق هسته‌ای و تحریم‌ها است. در مجموع، ایران از پیوستن به FATF می‌ترسد زیرا این کار می‌تواند منجر به کاهش استقلال اقتصادی و سیاسی، افزایش فشارهای بین‌المللی و محدود شدن روابط آن با برخی از کشورهایی شود که به‌طور خاص به سیاست‌های ایران نزدیک هستند.

عدم پیوستن ایران به FATF می‌تواند عواقب مختلفی برای کشور در سطوح اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی داشته باشد. از مهم‌ترین عواقب می‌توان به:

محدودیت‌های بیشتر در روابط مالی بین‌المللی: ایران هم‌اکنون تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد و این تحریم‌ها موجب محدود شدن دسترسی ایران به سیستم مالی جهانی شده است. اگر ایران به FATF نپیوندد و همچنان در لیست خاکستری یا سیاه باقی بماند، این محدودیت‌ها تشدید خواهد شد. بانک‌ها و موسسات مالی کشورهای دیگر ممکن است از انجام تراکنش‌ها و تعاملات مالی با ایران خودداری کنند، حتی اگر این کشور به‌طور غیرمستقیم با کشورهایی که به FATF پیوسته‌اند ارتباط داشته باشد. این محدودیت‌ها ممکن است بر تجارت خارجی ایران تأثیر بگذارد و صادرات و واردات کالاهای مهم را دشوارتر کند، به‌ویژه در زمینه نفت و انرژی. **قرار گرفتن در لیست سیاه FATF:** ایران از زمان قرار



درآمدهای نفتی، ممکن است با عدم پیوستن به FATF شدت یابد. ارتباطات مالی پیچیده و موانع تجاری می‌تواند موجب افزایش مشکلات اقتصادی داخلی شود، به‌ویژه در زمینه تأمین منابع مالی برای پروژه‌های زیرساختی و توسعه اقتصادی.

در مجموع، عدم پیوستن ایران به FATF می‌تواند عواقب جدی برای اقتصاد و سیاست خارجی کشور داشته باشد. این موضوع باعث خواهد شد که ایران به رغم تلاش‌های داخلی برای ارتقای اقتصاد و بهبود روابط بین‌المللی، همچنان با چالش‌های اقتصادی و دیپلماتیک فراوانی مواجه باشد.

اگر ایران به استانداردهای FATF پایبند نباشد، این سازمان اقداماتی را اتخاذ می‌کند که می‌تواند بر روابط مالی و اقتصادی ایران با دیگر کشورهای جهان تأثیر بگذارد. اقدامات FATF عمدتاً بر مبنای تأثیرگذاری بر تعاملات مالی بین‌المللی است و هدف آن تشویق کشورها به رعایت استانداردهای جهانی در زمینه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است. در صورتی که ایران به این استانداردها پایبند نباشد، FATF می‌تواند از روش‌های مختلفی برای اعمال فشار استفاده کند:

قرار دادن ایران در "لیست سیاه" FATF: در حال حاضر، ایران در "لیست خاکستری" FATF قرار دارد که به این معنی است که کشور از نظر استانداردهای FATF نقص‌هایی دارد و به اصلاحات نیاز دارد. اما اگر

ممکن است ایران را از همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و سایر جرائم مالی محروم کند. بسیاری از کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی در این حوزه برای نظارت و مبارزه با فعالیت‌های غیرقانونی همکاری می‌کنند و عدم مشارکت ایران در این فرآیند می‌تواند به ایجاد چالش‌هایی در عرصه‌های امنیتی و اقتصادی منجر شود.

ایجاد مشکلات در روابط با کشورهای منطقه: برخی از کشورهای منطقه که به FATF پیوسته‌اند و به این استانداردها پایبند هستند، ممکن است در روابط اقتصادی و مالی خود با ایران مشکل پیدا کنند. این مسئله می‌تواند بر تعاملات مالی ایران با کشورهای آسیایی یا کشورهای خاورمیانه‌ای که از معیارهای FATF پیروی می‌کنند، تأثیرگذار باشد.

انعطاف‌پذیری کمتر در شرایط بین‌المللی: در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان به طور فزاینده‌ای به استانداردهای FATF پایبند هستند، عدم پیوستن به این سازمان می‌تواند ایران را از بسیاری از فرصت‌های جهانی محروم کند. به عنوان مثال، اگر ایران بخواهد روابط تجاری خود را با کشورهای مختلف گسترش دهد، ممکن است مجبور به مواجهه با محدودیت‌ها و فشارهای اضافی باشد.

چالش‌های داخلی و اقتصادی: مشکلات اقتصادی ایران، نظیر تورم بالا، نرخ بیکاری و وابستگی به

ایران همچنان به این استانداردها پایبند نشود، ممکن است به "لیست سیاه" FATF منتقل شود.

قرار گرفتن در لیست سیاه به معنای قطع یا محدود شدن روابط مالی با سایر کشورها و نهادهای مالی بین‌المللی است. بانک‌ها و موسسات مالی کشورهای دیگر ممکن است از انجام تراکنش‌های مالی با ایران خودداری کنند و این موضوع می‌تواند به انزوای بیشتر اقتصادی ایران منجر شود.

اعمال محدودیت‌های مالی و تجاری: کشورهایی که به FATF پایبند هستند، ممکن است از تعاملات تجاری و مالی با ایران خودداری کنند. این اقدام می‌تواند به‌ویژه بر روابط اقتصادی ایران با کشورهای غربی و اعضای FATF تأثیرگذار باشد. بسیاری از کشورها و شرکت‌های بین‌المللی ممکن است به دلیل نگرانی از نقض استانداردهای FATF و مواجهه با جریمه‌ها یا محدودیت‌ها از همکاری با ایران اجتناب کنند.

این محدودیت‌ها می‌تواند شامل ممنوعیت تراکنش‌های مالی، جلوگیری از انتقال وجوه، یا حتی منع بانک‌ها و مؤسسات مالی از ارائه خدمات به ایران باشد.

پیش‌گیری از دسترسی به سیستم مالی جهانی: ایران ممکن است برای انجام معاملات بین‌المللی و انتقال پول به کشورهای دیگر با مشکلات جدی مواجه شود. اگر در "لیست سیاه" FATF قرار گیرد، سیستم‌های پرداخت بین‌المللی مانند "سویفت" (SWIFT) ممکن است از انجام تراکنش‌های مالی با ایران خودداری کنند. این می‌تواند دسترسی ایران به بازارهای جهانی را سخت‌تر کرده و به مشکلات جدی در مبادلات تجاری و مالی منجر شود.

افزایش نظارت و گزارش‌دهی: FATF ممکن است کشورها را ملزم به نظارت بیشتر و گزارش‌دهی دقیق‌تر در مورد تراکنش‌های مالی مشکوک یا فعالیت‌های غیرقانونی در ارتباط با ایران کند. این نظارت می‌تواند برای ایران دردسرساز شود زیرا دیگر کشورها مجبورند اقدامات دقیقی برای جلوگیری از تأمین مالی تروریسم یا پول‌شویی از طریق سیستم‌های مالی خود اتخاذ کنند.

تأثیر بر سرمایه‌گذاری خارجی: شرکت‌ها و

سرمایه‌گذاران خارجی که بخواهند در ایران فعالیت کنند، ممکن است به دلیل ریسک‌های ناشی از قرار گرفتن ایران در لیست‌های FATF یا عدم رعایت استانداردهای این سازمان از سرمایه‌گذاری در ایران خودداری کنند. این وضعیت می‌تواند جریان سرمایه‌های خارجی به ایران را کاهش دهد و در نتیجه، به رشد اقتصادی و توسعه صنعتی این کشور آسیب برساند.

فشار سیاسی و دیپلماتیک: علاوه بر اقدامات مالی، ایران ممکن است تحت فشارهای دیپلماتیک و سیاسی از سوی کشورهای FATF قرار گیرد. کشورهای غربی به ویژه ممکن است از ایران بخواهند که اصلاحات لازم را در سیستم مالی خود اعمال کند و در غیر این صورت فشارها را افزایش دهند. این فشارها می‌تواند شامل تهدید به اعمال تحریم‌های جدید یا افزایش تحریم‌های موجود باشد.

تأثیر بر روابط با سازمان‌های بین‌المللی: عدم همکاری با FATF ممکن است به کاهش همکاری ایران با دیگر نهادهای بین‌المللی در زمینه‌های مختلف، از جمله امور مالی و اقتصادی، منجر شود. برای مثال، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی ممکن است به دلیل نگرانی از نقض استانداردهای FATF، از ارائه کمک‌ها یا وام‌های مالی به ایران خودداری کنند.

تقویت فشارهای بین‌المللی برای تغییر سیاست‌ها: عدم پایبندی به FATF می‌تواند فشارهای بین‌المللی

«عدم پیوستن ایران به FATF می‌تواند عواقب جدی برای اقتصاد و سیاست خارجی کشور داشته باشد. این موضوع باعث خواهد شد که ایران به رغم تلاش‌های داخلی برای ارتقای اقتصاد و بهبود روابط بین‌المللی، همچنان با چالش‌های اقتصادی و دیپلماتیک فراوانی مواجه باشد»

به طور جدی محدود خواهد شد و محدودیت‌های بیشتری در دسترسی به سیستم‌های مالی جهانی (مثل سوییفت) ایجاد خواهد شد. قرار گرفتن در این لیست می‌تواند ایران را در موقعیت سخت‌تری قرار دهد زیرا بسیاری از کشورها به دلیل نگرانی از نقض استانداردهای FATF از همکاری مالی با ایران خودداری خواهند کرد.

چالش‌های موجود در راه پیوستن به FATF:

چالش‌های داخلی: برای پیوستن به FATF، ایران باید اصلاحات گسترده‌ای در سیستم مالی و بانکی خود انجام دهد، به ویژه در زمینه‌هایی مانند مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم. این اصلاحات نیاز به تغییرات جدی در قانون‌گذاری و نظارت‌های داخلی دارد که ممکن است با مقاومت‌هایی در داخل کشور مواجه شود. برخی گروه‌ها ممکن است نگران از دست دادن استقلال مالی و اقتصادی خود و تحت نظارت قرار گرفتن از سوی نهادهای خارجی باشند.

مخالفان داخلی: برخی از نیروهای سیاسی و نهادهای قدرتمند در ایران ممکن است با پیوستن به FATF مخالف باشند، چرا که آن را تهدیدی برای منافع خود می‌دانند. به ویژه در زمینه‌هایی که ایران حمایت از گروه‌های خاص در منطقه را می‌کند، اجرای استانداردهای FATF ممکن است محدودیت‌هایی در این زمینه ایجاد کند.

چالش‌های بین‌المللی ایران در مورد FATF:

آثار سیاست‌های تحریمی: تحریم‌های بین‌المللی که علیه ایران اعمال شده‌اند، به ویژه تحریم‌های ایالات متحده، بخشی از چالش‌های ایران برای پیوستن به FATF را تشکیل می‌دهند. آمریکا بارها اعلام کرده که ایران باید به قوانین و استانداردهای FATF پایبند باشد تا روابط مالی خود با سایر کشورها را عادی‌سازی کند. این در حالی است که تحریم‌های موجود ممکن است پیوستن ایران به FATF را پیچیده‌تر کنند.

چالش‌های روابط با کشورهای خاص: در صورتی که ایران به FATF بپیوندد، برخی از کشورهای مورد حمایت ایران، که ممکن است به این استانداردها

برای تغییر سیاست‌ها و اصلاحات داخلی در ایران را بیشتر کند. کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی ممکن است از طریق دیپلماسی یا سایر ابزارهای فشار، از ایران بخواهند که به استانداردهای جهانی بپیوندد تا از عواقب منفی مالی و اقتصادی جلوگیری کند.

در نهایت، FATF ابزارهای مختلفی برای اعمال فشار بر کشورهایی که به الزامات آن پایبند نیستند دارد، و این اقدامات می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر روابط مالی، تجاری و دیپلماتیک ایران با کشورهای دیگر و سازمان‌های بین‌المللی داشته باشد.

در این خصوص چند نکته مهم وجود دارد که می‌تواند به درک عمیق‌تر وضعیت ایران در رابطه با FATF کمک کند.

تأثیر "لیست خاکستری" و "لیست سیاه" FATF:

لیست خاکستری: ایران از سال ۲۰۰۹ به این سو در لیست "خاکستری" FATF قرار دارد. این به این معنی است که ایران در حال انجام اقدامات برای اصلاح سیستم مالی خود است، اما هنوز به طور کامل استانداردهای FATF را رعایت نکرده است. کشورهایی که در لیست خاکستری قرار دارند، به طور معمول به مهلت بیشتری برای اصلاحات نیاز دارند.

لیست سیاه: اگر ایران به لیست سیاه FATF منتقل شود، آن وقت روابط مالی آن با کشورهای دیگر

«قرار گرفتن در لیست سیاه به معنای قطع یا محدود شدن روابط مالی با سایر کشورها و نهادهای مالی بین‌المللی است. بانک‌ها و موسسات مالی کشورهای دیگر ممکن است از انجام تراکنش‌های مالی با ایران خودداری کنند و این موضوع می‌تواند به انزوای بیشتر اقتصادی ایران منجر شود»

سازد تا تعاملات خود را با بانکها و موسسات مالی کشورهای مختلف راحت تر انجام دهد.

پیشنهادات برای کاهش اثرات منفی عدم پیوستن به FATF:

تقویت مکانیسم های مالی مستقل: در حالی که پیوستن به FATF ممکن است چالش هایی را برای ایران ایجاد کند، این کشور می تواند تلاش کند تا مکانیسم های مالی و تجاری مستقل خود را با کشورهای خاص و نهادهای مالی بین المللی به ویژه کشورهای آسیایی ایجاد کند تا از تحریم ها و محدودیت های مالی عبور کند.

مذاکرات با کشورهای خاص: ایران می تواند تلاش کند تا از طریق مذاکرات دوجانبه با کشورهای مهم مانند چین، روسیه و هند توافقاتی برای انجام تراکنش های مالی بدون نیاز به FATF و سیستم های مالی غربی داشته باشد.

در مجموع، ایران باید میان تأثیرات مثبت پیوستن به FATF و مشکلات داخلی و سیاسی موجود برای انجام اصلاحات تصمیم گیری کند. پیوستن به FATF می تواند فرصت های اقتصادی و دیپلماتیک جدیدی را به وجود آورد، اما در عین حال چالش های جدی در زمینه سیاست خارجی و داخلی نیز به همراه دارد.

منابع:

- ۱- مقالات علمی
- ۲- گزارش های بین المللی
- ۳- مستندات FATF
- ۴- تحلیل های اقتصادی و سیاسی
- ۵- مقالات منتشر شده در مجلات معتبر حقوقی، سیاسی و اقتصادی
- ۶- گزارش های سالانه FATF و بیانیه های رسمی این سازمان
- ۷- مقالات تحلیلی و کتاب های متخصصان در زمینه پول شویی، تأمین مالی تروریسم، و سیاست های اقتصادی ایران

نییوسته باشند، با محدودیت هایی در تعاملات مالی روبه رو شوند. این موضوع می تواند روابط ایران با کشورهای که به طور خاص با آنها همکاری می کند (مانند برخی از گروه های مقاومت و متحدان منطقه ای) را تحت تأثیر قرار دهد.

مهم ترین اصلاحات مورد نیاز برای پیوستن به FATF:

تقویت قوانین ضد پول شویی و تأمین مالی تروریسم: برای پیوستن به FATF، ایران نیاز دارد که قوانین خود را در زمینه های مبارزه با پول شویی و تأمین مالی تروریسم مطابق با استانداردهای بین المللی اصلاح کند. این شامل شفافیت بیشتر در معاملات مالی، شناسایی دقیق تری از منابع درآمدی مشکوک و نظارت های دقیق تر بر شبکه های مالی است.

ایجاد شفافیت در نظام مالی: از آنجا که FATF به شفافیت مالی اهمیت زیادی می دهد، ایران باید سیستم های خود را برای شفاف تر کردن مسیرهای مالی و جلوگیری از مخفی کاری های مالی و پول شویی تغییر دهد.

تأثیر پیوستن به FATF بر اقتصاد ایران:

افزایش اعتماد جهانی به اقتصاد ایران: اگر ایران به استانداردهای FATF پایبند شود و به طور رسمی عضو این سازمان گردد، این امر می تواند به طور بالقوه منجر به افزایش اعتماد جامعه بین المللی به اقتصاد ایران شود و روابط تجاری آن را با کشورهای مختلف تقویت کند.

جذب سرمایه گذاری های خارجی: رعایت استانداردهای FATF می تواند به ایران کمک کند تا درهای خود را به روی سرمایه گذاران خارجی باز کند و فرصتی برای رشد اقتصادی و صنعتی فراهم آورد. بسیاری از سرمایه گذاران خارجی و شرکت های بین المللی علاقه دارند با کشورهایی که قوانین مالی و اقتصادی شفاف دارند، همکاری کنند.

رفع موانع مالی و تجاری: پیوستن به FATF می تواند مانع از مشکلات موجود در انجام تراکنش های مالی، به ویژه در سطح بین المللی، شود و ایران را قادر

آتش مقدس امیدواری



بیستون مختاری



مبدل کرد. انقلاب ۵۷ نتیجه فرهنگهای تاریخی - اجتماعی ملت‌های ایران بود ولی آخوندهای دولتی آن را در ید قدرت الیگارش‌ی خود قبضه کرده و به دنبال آن اینک و پس از گذشت بیش از چهل سال، نظام جمهوری اسلامی، جامعه‌ای بشدت منزوی از مردمان ایران ساخته و خود، برعکس به بحرانی بزرگ تبدیل شده که تبعات آن جهانی است. دست قوی آخوندها، ارتشی‌ها و بازاریان در آن سالها موجب گردید که بجای وعده فریبنده امت اسلامی که هنوز نیز شعار مشغول‌ساز نظام جمهوری خودساخته است سپاه پاسداران دیوآسا سر برآورد و این جامعه تاریخی را بلعیده و پس از بیش از چهار دهه ستم و بیداد آن را بی‌شرمانه استفرغ کند. یک دولت - ملت سپاهی در سال ۶۲ ش پس از سرکوب انقلابیون غیرواحانی

بیش از چهار دهه پیش در ایران قرار بود انقلابی ظهور کند که جامعه روشنفکر و آگاه در آن که یک فرهنگ عظیم انقلابی در تاریخ دارد در خاورمیانه به الگوی شگفت ملت‌ها مبدل گردد. بنا شد که تبعیض دینی - مذهبی، ملی‌پرستی، دولت‌پرستی، فساد اقتصادی، خودکامگی سیاسی و زورمداری یک ایدئولوژی شوون در سال ۱۳۵۷ ه.ش پایان یابد. قرار بر این بود با آمدن انقلاب، ملت‌ها در ایران متشکل از فارس، کورد، بلوچ، عرب، آذری و ... بر بام فلات ایران جشن آزادی برپا کرده و عدالت اجتماعی در اقصی‌نقاط ایران‌زمین طنین‌انداز گردد. انقلاب ۵۷ برای بازگشت به سنت فرهنگی ملت‌های ایرانی بود اما رژیم حاکم کنونی، این ماهیت رنساس آن را به انحراف برد و به ابزار دینی سیاسی در برابر دین حقیقی

ایران می‌گذرد. همان انقلابی که ریشه‌های عمیق سیاسی و فرهنگی داشت و تمامیت خلق‌ها و تفاوت‌مندی‌های جغرافیایی ایران را در بر گرفت و والاترین هدفش چیزی جز برقراری نظامی دموکراتیک در ایران نبود. چرایی انقلاب، بنیانها و ریشه‌های آن از توسعه‌ی نامتوازن گرفته که جامعه‌ی ایران را دوقطبی نمود تا تجدد وارداتی که با روح جامعه‌ی ایرانی در چالش عمیق قرار داشت بسیار به بوت‌های نقد و تحلیل گذاشته شد. هنگامی‌که این لزوماً تاریخی دارد همراه و هم‌پیمان عوامل با استبداد شرقی که ریشه‌های گردید، نتیجه آن هیکلی ناموزون، ناقص و ناخوان از سیاست و اندیشه‌ورزی و اقتصاد بود که تمامی حوزه‌های بازتولید اجتماعی و اخلاقی خلق‌های ایران را در چنبره‌ی تمامیت‌خواه و هیولوار خود نابود و یا اسیر نمود. در این وادی پس از واردات غربی دولت - ملت که برآیند آن رضاخان میرپنج شد، ما شاهد سنتزی از درهم آمیختگی استبداد شرقی و تمامیت‌خواهی و سرمایه‌داری غربی بودیم. هنگامی‌که این هیکل نافرمان و کم‌هویت در پی فرم‌سازی و هویت‌سازی برای خود برآمد، بر ساخت هویت ۲۵۰۰ ساله شاکله‌بندی به صورت حکومت پهلوی، شکل‌گسترده و حکومتی این هیکل

«در واقع انقلاب بهمن ۱۳۵۷ یکی از

مردمی‌ترین نوع انقلابات و تغییرات

تاریخی در جهان مدرن بود.

ریشه‌های عمیقاً تاریخی داشت و بر

بستر عظیم شکل گرفته از هم‌پیمانی

نیروهای ملی - دموکراتیک مبتنی

بود»

یعنی چپ‌گرایان و ملی - مذهبیون با زور تمام با خط‌مشی روحانیون خرده‌بورژوا شکل داده شده که فقط نمونه هیتلری - فاشیستی آن در ترکیه امروزی مشاهده می‌گردد. کاملاً آشکار است دلیل اصلی این نحسیت و دچار شدن نظام به این ستم آگاهانه، بیداد بی‌حدومرز آن با ملتها بویژه ملت کورد می‌باشد. زیرا انقلاب ۵۷ پس از کودتای خرده‌بورژوازی روحانیون تئوکرات از خط دین مبین خارج و امت‌شدگی را با آمال سیاسی خود در منافات دانست. این قشر دموکراسی را بشدت تقبیح می‌کند چون مدام خواسته که دگراندیشان، نخبگان و مبارزان رادیکال جامعه مدنی را حذف فیزیکی کند. از مشروطه تا به امروز به مثابه یک دوره مدرن، ایرانیها مدام تشنه دموکراسی و مدرنیته هستند و همین عطش آزادی بود که انقلاب ۵۷ را به میان آورد ولی رژیم جمهوری اسلامی نه تنها پاسخگوی این نیاز نشده بلکه آن را بشدت سرکوب هم ساخته است. نخست غصب انقلاب، دوم، حذف چپ‌گرایان، ملی‌گرایان و سازمانهای مدنی، سپس تثبیت قدرت خسروانی با قتل‌عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ کاملاً و صریحاً آنچه ایران را در خودکامگی نظام تهران - قم غرق نمود، شوونیسم جبهه روحانیون سردمدار بود و اکنون ملتهای ایران متوجه تبعات اسفبار آن شده‌اند. دملهای چرکین شوونیسم و فاشیسم به شکلی آبروریزانه چهره این نظام استبداد قشر تئوکراسی در برابر دین، جامعه، مدنیت، امت‌خواهی و دموکراسی را افشا کرد. کارنامه چهل سال انگیزاسیون جمهوری اسلامی سراسر سیاه و خونین است زیرا دین را به دشمن دموکراسی مبدل کرده است. امروزه عامل اصلی خفقان، قدرت داخلی ولایی - سپاهی است که قانون اساسی را باب میل خود طرح‌ریزی کرده است.

امروز بیش از چهار دهه از انقلاب خلق‌های

بنیادگرا را می‌توان به نوعی ضدانقلاب و کودتایی در فضای انقلابی قلمداد کرد؛ باید دانست که این ضدانقلاب برآمده از دو جنبه و نیروی داخلی و خارجی بود. دلیل خارجی روی کار آمدن جمهوری اسلامی به سیاستها و استراتژی کمر بند سبز در مقابله با گسترش کمونیسم به فلات ایران و کشورهای عربی مربوط می‌شد. در این راستا در هنگام قدرت گرفتن اسلامیهستها در ایران آمریکا و اروپا مخالفتی با این موضوع نمودند و حتی اسنادی که به‌تازگی انتشار یافته است حاکی از حمایت مستقیم و غیرمستقیم این نیروها از قدرت گرفتن جریانات اسلامگرا در ایران است.

اما پس از گذشت سالها و در روزهای آغازین انقلاب ژن، ژیان، آزادی کاملاً مشخص گردید که نظام فرم سیاسی و اجتماعی که در حال تبلیغ آن است به لحاظ کارکردی و ساختاری پوسیده شده و کارکرد خود را از دست داده و رژیم تنها با نیروی نظامی - امنیتی، خود را سرپا نگاه داشته است. در یک تعریف کلی می‌توان این وضعیت را نوعی دژنراسیون ایدئولوژیک قلمداد نمود. همچنین اعمال فشارهای بین‌الدولی از جانب آمریکا پایه‌های اقتصاد رانتیر ایران را به لرزه درآورده. این امر مزید بر علت گردید و رژیم را بیش از هر زمانی در تنگنا قرار داد؛ اما این موضوع مهم است که اعتراضات و اعتصابات رویداده در آن ابتدا مربوط به ضعفها و استبداد عریان حکومت‌داران ایرانی بوده و نه پروژه‌ای از بیرون یا به اصطلاح وابسته به عوامل خارجی.

با این اوصاف از انقلاب ۵۷ اگر آنرا در برابر انقلاب ژن، ژیان آزادی در مقام مقایسه قرار دهیم به این نتیجه خواهیم رسید که امروز جامعه کثیرالملل ایران و جامعه مدنی آن بیشتر و پرتنش‌تر رویاروی هم قرار گرفته‌اند و هیچ‌یک از ملیت‌ها از دایره کائوتیک آن خارج نیستند. خط بنیادین

ناقص‌الخلقه بود که برآیند آن امید و آرزو برای بازتولید امپراتوری پوسیده‌ی ایرانی در جهان مدرن شد ناهمگونی فرهنگی این هیکل ناقص با فرهنگ، باورداشت‌های سنتی و اخلاقی جوامع ایرانی سبب گردید که پروژه‌ی مدرن حکومت و دولت - ملت‌سازی در ایران از بدو تولد دچار بحران گردد و در نهایت ناقص‌الخلقه شکل گیرد.

در این شرایط بود که در میان تمامی اقشار و اشخاص جامعه از راست گرفته تا چپ رادیکال راهی جز زیر رو کردن وضعیت موجود متصور نمی‌گشت.

انقلاب گزینه‌ای درست بود در مقابل حکومتی که هیچ تغییری را قبول نمی‌نمود، هیچ مخالفتی را بر نمی‌تابید و تا بن دندان وابسته به غرب بود به شمار میرفت. در واقع انقلاب بهمن ۱۳۵۷ یکی از مردمی‌ترین نوع انقلابات و تغییرات تاریخی در جهان مدرن بود. ریشه‌های عمیقاً تاریخی داشت و بر بستر عظیم شکل گرفته از هم‌پیمانی نیروهای ملی - دموکراتیک مبتنی بود. انقلابی که حاشیه و پیرامون و تفاوت‌مندی‌ها و فاصله‌های جغرافیایی همه‌ی گستره‌ی جغرافیایی فرهنگی و اجتماعی ایران را درنوردید. انقلاب خلقهای ایران در شرایطی اتفاق افتاد که تحلیلگران بستر و زمینه‌ی هرگونه انقلاب را دور از ذهن می‌پنداشتند. در حقیقت انقلاب خلقهای ایران بنا به گفته‌ای مشهور «روح جهان بی روح» بود. جهانی که سرمایه‌داری با توجه به استیلای خود بر تمامی جنبه‌های وجودی انسان و جامعه این موضوع را تبلیغ می‌نمود که هرگونه تغییری باید به صورت رفرم و لیبرالی و اصلاح‌طلبانه باشد و دادن هرگونه هزینه‌ای در راستای اهداف انسانی و دموکراتیک در مخالف با منطق بازار لیبرالی و سرمایه‌دارانه است. انقلاب خلقهای ایران خط باطلی بر این بازاریابی سیاسی بود. تصاحب انقلاب از جانب نیروهای اسلامی



علیه خط سرکوبگری کلاسیک و فاشیستی حاکمیت ایران است. میزان مبارزه، نتایج تحولات دموکراتیک را تعیین خواهد ساخت. سرکوبگری روزافزون رژیم به این دلیل است که جنبش بیداری جامعه مدنی هرگز در این بیش از دو سال از آغاز انقلاب زنان و جوانان متوقف نشده و ذهنیت جامعه تغییر کرده است. همه اقشار و توده‌ها نیز با سازماندهی دموکراتیک خود قطعا به نتایج بزرگی بصورت مرحله به مرحله دست خواهند یافت. بی‌شک موج بیداری جامعه در برابر موج سرکوب فاشیستی پیروز میدان خواهد شد.

اتحاد خلق‌ها بویژه میان کورد - بلوچ، کورد - آذری، کورد - فارس، کورد - عرب و غیره هم یک ضرورت امروزی برای قیام و انقلاب هست، هم در آینده، نظام دموکراتیک همگرا و متحدانه را تضمین می‌کند. برای کوردها، برادری و رفتار دموکراتیک با آذری و فارس و بلوچ و عرب و غیره بسیار حیاتی و تاریخی است. در طول تاریخ خلق‌های این جغرافیا با هم هزاران سال زیسته‌اند و امروز به شرطی وجود یکدیگر را تحمل خواهند کرد که رفتار دموکراتیک بدور از خصومت‌ورزی ملی‌گرایانه و فاشیستی و شوونیستی در قبال یکدیگر داشته باشند. صد درصد انقلاب قرن بیست‌ویکمی خلق‌های ایران بدون همگرایی و اتحاد همه خلق‌های آن تحقق نخواهد یافت. رمز و شرط بنیادین اتحاد است. همچنین تمامی

جنبش انقلابی و دموکراتیک، رویاروی خط استبداد فاشیستی حاکمیت قرار گرفته است. این واقعیت‌ها را باید پذیرفت. رژیم از اواخر دهه ۹۰ هـ. ش به بعد از دوره دیکتاتوری به دوره استبداد فراگیر با یکدست‌ساختن قدرت پا گذاشته و حتی شبه‌جمهوریت نصفه‌نیمه خود را قربانی این هدف ساخته است. معمولا رژیم‌هایی که به پایان خط نزدیک می‌شوند، گرفتار چنین وضعیت بحرانی‌ای می‌گردند. بنابراین رژیم قصد دارد همه‌روزه بر فشارهای استبدادیش بیافزاید. تنها نیاز سیاسی‌اش نیز مهار جامعه بیدار شده در مرحله کنونی است. برنامه‌های روزانه و درازمدت خود را مطابق راهکارهای سرکوب تنظیم نموده است. در نکته‌ای دیگر از ماجرا تنش‌های بحرانزای خاورمیانه و ایران یک وضعیت مشابه با ویژگی‌های متفاوت دارند. در نظم‌دهی نوین خاورمیانه، هر کشوری رفتار و ذهنیت دموکراتیک نداشته باشد، در اذهان خلق‌ها جایی نخواهد داشت؛ این درحالی است که نه ایران و نه قدرت‌های جهانی دخالت‌گر در منطقه قصد حرکت در چنان مسیری را ندارند.

خلق‌های ساکن در جغرافیای ایران در این برهه بایستی به سطح کنونی بیداری سیاسی - اجتماعی خویش اهمیت داده و بر مبارزاتشان جهت دموکراتیزه کردن ایران با اتکال بر اتحاد و همگرایی، متمرکز شوند. این‌روزها، بزرگترین فرصت جهت مصاف خط‌دموکراتیک جامعه مدنی

«اتحاد خلق‌ها بویژه میان کورد - بلوچ، کورد - آذری، کورد - فارس، کورد - عرب و غیره هم یک ضرورت امروزی برای قیام و انقلاب هست، هم در آینده، نظام دموکراتیک همگرا و متحدانه را تضمین می‌کند»

فریب قادر به تداوم حاکمیت خود نیست. یگانه راهکار در برابر رژیم موجود در ایران، پیروزی کامل انقلاب است. انقلابی که به صورتی بنیادین شکل گیرد و تغییر و تحولات لازمه را ایجاد نماید. خلق‌های آزادی‌خواه ایران نشان داده‌اند که در صورت اتحاد، توانایی فروپاشی هر گونه نظام دیکتاتور و مستبدی را دارند. بایستی آگاهی لازم بر آلترناتیو نظام کنونی وجود داشته باشد و با تکرار تاریخ در ایران روبرو نگردیم. نه نظام شاهنشاهی و نه نظام حاکم کنونی خواستار برطرف نمودن مطالبات برحق مردم نیستند و هر دو آنان روی یک سکه هستند. تنها نظامی که توانایی برطرف نمودن مطالبات مردم را دارد، نظامی است که خود مردم آن را مدیریت نمایند. مردم نیز خواستار سرزمینی آزاد و حفاظت از آن و همراهی با آن همزیستی مسالمت‌آمیز و دموکراتیک و زندگی معنامند با دیگر خلق‌ها هستند.

همان راه سومی که فلسفه‌ی ژن، ژیان، آزادی اینچنین توصیف‌اش می‌کند که بر زنده گرداندن اراده‌ی آزاد زنان و مبارزه در راه آزادی، با "پیشاهنگی زنان" شروع انقلابی عظیم را نوید بخشیده و با ارائه ایدئولوژی آزادی و نهادینه کردن آن، معیارهای زندگی آزاد و حقیقت آزادی را در ذهن زن آزاد نمود عینی بخشیده است. به تعریفی نو از انقلاب و زن پرداخته و به تاریخ برده بودن زن، کوردستان مستعمره و خلق‌های دربند پایان داده است.

در پایان همچنان که معمار کبیر فلسفه‌ی ژن، ژیان، آزادی به ما آموخت "امید شکوهمندتر از پیروزی است"؛ این کوتاه پُر مغز از ناظم حکمت را حسن ختام این نوشتار قرار خواهیم داد که می‌نویسد: و ما زمستان دیگری را سپری خواهیم کرد؛ با عصیان بزرگی که درون‌مان هست و تنها چیزی که گرم‌مان می‌دارد آتش مقدس امیدواری است!

اقتدار از کارگران و معلمان گرفته تا روشنفکران باید دوشادوش زنان و جوانان در آن شرکت کنند زیرا تنها با حضور همه اقشار، توده‌ها و طبقات، خارج ساختن کنترل از دست دولت و نظام عملی می‌گردد. وقتی کوردستان همه خلق‌های ایران را به پشتیبانی فراخواند و آنها پاسخ مثبت و عملی دادند، وقتی خلق شریف آذری و بلوچ و... شعار و عمل در حمایت از کوردستان را اثبات کردند، همگان امیدوار شده‌ایم که اتحاد کاملاً ممکن است و خیزش‌های ژن، ژیان، آزادی تاکنون متحدانه و همگرا بوده است.

جان کلام اینکه لازم است باری دیگر به مانند انقلاب ۵۷ در این برهه نیز احاد مردم نقش خود را ایفا نمایند. بایستی انقلاب ژن، ژیان، آزادی که با رنج و زحمت تمام مردم ایران خصوصاً جوانان و زنان شکل گرفت را از چنگ دیکتاتورهای و دولت‌مداران باز پس گیرند. پیشاهنگی جوانان از هر نظر در سازماندهی نمودن جامعه ضروری است. اما ابتدا لازم است تمامی جوانان اعم از دانشجویان، کارگران و زنان جوان و... خود را سازماندهی نمایند. این سازماندهی بر منبای جنگ خلق انقلابی در راستای دفاع از جامعه در برابر دستگاه دولتی باشد و بدین‌گونه زمینه‌های موفقیت‌های بیشتر را فراهم آوردند. آشکار است نظام موجود دیگر با

در برابر حکم اعدام هموعان تان سکوت نکنید



زینب جلالیان، زندانی سیاسی کورد محکوم به حبس ابد که هفدهمین سال حبس خود را در زندان مرکزی یزد می‌گذراند، با انتشار نامه‌ای سرگشاده، صدور احکام اعدام برای پخشان عزیزی، وریشه مرادی و دیگر زندانیان سیاسی را به شدت محکوم کرده و خواستار اقدام فوری برای لغو این احکام در ایران شده است.

متن کامل این نامه که از سوی شبکه حقوق بشر کوردستان منتشر شده، به شرح زیر است:

«چگونه توانستی مهر مادری، محبت پدری و عشق به همنوع را نادیده بگیری؟

به خاطر کدام مصلحت؟ تو وجدان و انسانیت خود را به چه فروختی؟ حق زیستن و نفس کشیدن دیگران را به چه قیمتی معامله کردی؟

به چه بهایی این همه آرزو را نابود می‌کنی؟ چگونه می‌توانی به این راحتی، جوانان سرزمین مادریات را قربانی کنی؟ خودخواهی تو به جایی رسیده که تنها چیزی که تو را راضی می‌کند، حکم مرگ دیگران است. تو که دستانت به خون دیگران آلوده است، بدان هیچ‌کس، حتی تو، صلاحیت گرفتن حق زندگی را از انسانی ندارد. چگونه توانستی وقتی قلم به دست گرفتی، احکام اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی و

برادران ما را صادر کنی؟ آیا جان آدمی این‌قدر برایت بی‌ارزش شده است؟ به کدام خطا؟ به کدام گناه؟ به استناد کدام حقوق بشر؟

ما را به قربانگاهی می‌فرستی که طناب نیمه ضخیمش از گیسوان بریده مادران قربانیانت بافته شده است. چه عاملی تو را به این وادی تاریک کشانده است؟ برایت اندوهگینم، برای تو که تمامی اصول انسانی را زیر پا گذاشته‌ای و همه پل‌های پشت سرت را ویران کرده‌ای. ای شکنجه‌گر و قاضی ناعادل!

با وجود تمام ظلم‌هایی که بر ما روا داشته‌ای، بدان که من به دنبال انتقام نخواهم بود. من از حق خود می‌گذرم و تو را می‌بخشم. این تفاوت من و توست. وریشه گیان، پخشان گیان، دلم می‌گیرد...

دلم می‌گیرد وقتی به من می‌گویند که دیروز، شما قلم در دست گرفتید و علیه اعدام من و هم‌زمانم نوشتید، اما امروز خودتان محکوم به اعدام شده‌اید. دلم می‌گیرد در شهری که پاداش انسانیت یا ذلت است یا مرگ با حکم حکام.

دلم می‌گیرد از سرزمینی که حق آزادی، حق اندیشیدن و حق زیستن را از مردمانش دریغ می‌کنند. دلم می‌گیرد وقتی دیر به مادران مان زنگ می‌زنیم و با ناباوری می‌پرسند: "روله، تویی؟" چون سایه شوم اعدام بر سر شهر و دیارمان سایه افکنده است.

من با تمام وجود، حکم اعدام را محکوم می‌کنم. از همه زنان جهان، آزادگان دنیا، سازمان‌های حقوق بشری و هر کسی که هر کاری از دستش برمی‌آید، می‌خواهم حمایت خود را از محکومان به اعدام دریغ نکنند. در برابر حکم اعدام هموعان تان سکوت نکنید!»

یا باید زندگی را زیست و یا باید با معنا و متعالی زیست



متن کامل نامه وریشه مرادی به شرح زیر
می باشد:

حکم اعدام برای من صادر گشته، برای «ما»! ما، یعنی بخشی از زنان مبارز زندانی! من و سایر دوستانم به نمایندگی از یک جامعه حکم گرفته‌ایم. این درواقع خوابی است که برای تمامی جامعه دیده‌اند. سرکوب (بخوانید اعدام) جامعه را در پیش گرفته‌اند و صد البته که با مقاومت روبرو خواهند شد. حمایت‌های داخلی و خارجی نیز جهت لغو حکم اعدام‌ها توسعه یافته و این پشتگرمی بزرگی برای ماست. ما در داخل تسلیم تحمیل‌ها و اتهامات بی‌بنیان دستگاه‌های امنیتی نشدیم و مقاومت کردیم. جامعه نیز از ما حمایت می‌کند و این همبستگی نمود مهمی از تداوم مبارزه‌ی مدنی در برابر ظلم دستگاه‌های حکومتی در ایران است. اعتصاب اخیر مردم کوردستان نیز نمود همین امر بود و جای قدردانی دارد. در داخل زندان به دلیل اینکه مبارزه گرماگرم و در جبهه‌ی مستقیم مطرح است، به دلیل اینکه مسائل مبارزه به همگان ارتباط داشته و به سبب اینکه موضوع اول و در واقع موضوع و دستورکار اساسی و واقعی مبارزه است، سایر مسائل همچون تعلق‌های ملی و سیاسی به درجه‌ی دوم (و درواقع جایگاه واقعی خویش) می‌افتند. این مقاومتی واقعی است جهت تقابل با به حاشیه راندن مسائل اساسی زندانیان. در تقابل با بی‌حقوقی و پایمال کردن حقوق انسانی در زندان‌های ایران مقاومتی بی‌نظیر صورت گرفته

وریشه مرادی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام با انتشار نامه‌ای حمایت از زندانیان سیاسی و مخالفت با حکم اعدام را بخشی از پیکار ارزشمندی خواند که انسانیت برای دستیابی به حیات انسانی، صحیح، آزاد، زیبا و نیک انجام می‌دهد.

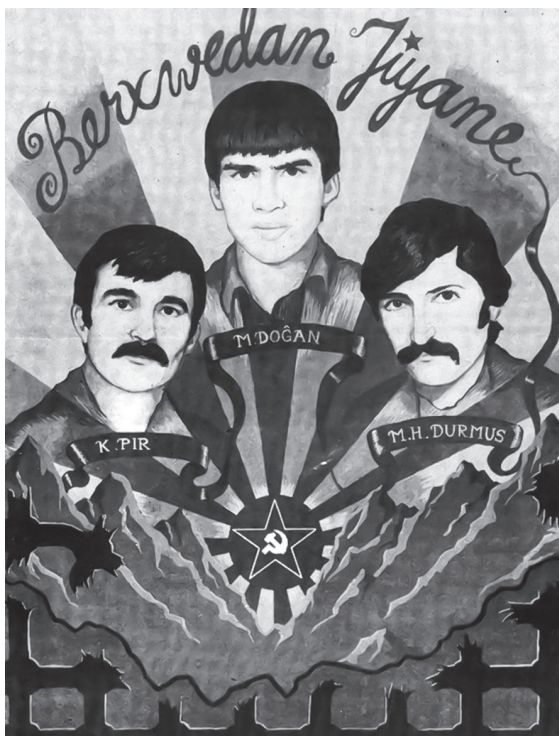
روز سه‌شنبه ۹ بهمن‌ماه، وریشه مرادی، فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی محکوم به اعدام، در سومین نامه خود از زندان اوین که به مناسبت سالگرد کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» منتشر شده است، با اشاره به حضور خود در جبهه‌های جنگ علیه داعش در کوبانی، نوشت: «من رفیق کسانی هستم که پس از عمری مبارزه و در لحظه‌ی شهادت گفتند که «بر سر سنگ مزارم بنویسید که هنوز مدیون و مقروض خلق خویش بود که از جهان رفت!» من و ما این فرهنگ را از آنان آموختیم که مبارزه در راه حقیقت و انسانیت دینی است که تک‌تک ما باید ادا کنیم، بدون هیچ نوع چشمداشتی.»

نظام مردسالار حاکم بر جهان، با تمامی ابعادش، نظامی است در تضاد با حقیقت وجود انسان و انسانیت و در کلدر چالش با حیات. ما به تفسیر مجدد این نظام دست زده‌ایم. خود را از قالب‌های تفسیری جنسیت‌گرا و جنسیت‌پرست و طبقه‌پرست و اعتقادپرست رها کرده و نگاهمان به حقیقت واقعی آن است. این نظام چندین‌هزار سال است که با انحراف از مسیر بشریت بر ضد زنان (و با توجه به مترادف بودن زن و زندگی، درواقع بر ضد زندگی) شکل گرفته، سپس مردان را نیز به انقیاد درآورده و پس از آن طبیعت را نیز مورد حملات خویش قرار داد. هدف این نظام چیست: سود بیشینه! حرص و آز بیش از حد مادی جهت ارضای ذهنی تحریف شده! و چه باید کرد در مقابل آن؟ صد البته که باید مبارزه در پیش گرفت! این وجه و بُعد از مسئله محل افتراق است. کسانی جزئی از آن شده و در پی سهم‌خواهی از آن می‌گردند و توجیهاتی برایش می‌تراشند و آزادگان و آزادی‌خواهان نیز در تقابل با آن قرار می‌گیرند و در پی تصحیح مسیر برمی‌آیند. این آزادگان در طول تاریخ این را شایسته‌ی بشر دیده‌اند که در همخوانی با طبیعت - مادرزندگی کنند. این اعتقاد خویش را در تطابق با شرایط زمانه و موضع قدرتی که با آن روبرو بوده‌اند تنظیم کرده و با عزم و اراده در پی مبارزه جهت نیل به این غایه‌ی خویش برآمده‌اند. ما بخشی از این مسیر تاریخی هستیم. مبارزه‌مان تداوم همان مسیر است و یک هدف بیشتر ندارد: یک زندگی انسانی! حیاتی نیک، صحیح، زیبا و آزاد! اسلاف و پیشینیان مابه هر کدام به وسع فکری خویش در پی تعریف مسئله و مبارزه جهت تصحیح آن برآمده‌اند. گاه با یک باور داشت و گرایش به مصادف موضع قدرت و ظلم رفته‌اند، گاه با توجیهی معرفتی، گاه به شیوه‌ای ادبی، گاه با استدلالی طبقاتی. در این بین زنان همیشه حضور داشته و بخشی از ستمدیدگان بوده و همواره از

وهم‌اکنون نیز در حال انجام مقاومت مذکور هستیم. اینکه ما زنان این مقاومت را برعهده گرفته‌ایم از طرفی به ظلم مضاعف نظام مردسالار و زن‌ستیز کنونی برمی‌گردد و از طرفی به عزم جزم زنان جهت نیل به آزادی.

هر سه‌شنبه کارزار نه به اعدام در زندان‌های مختلف ایران در جریان است، گنشی متحدساز که جنبه‌ی اساسی و انسانی ما را برجسته می‌سازد. یک خواست عمومی برای تاکید بر حق حیات و درخواست لغو حکم اعدام در ایران. «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، اتحاد انسانی است در برابر قتل دولتی که به هدف ایجاد رعب و وحشت در جامعه بکارگرفته می‌شود. ظلمی برآمده از نظامی لجام گسیخته که می‌رود تمامی جهان را به نابودی بکشاند و ماحصلش زوال انسانیت باشد. انسانی بودن که واقعیت وجودی تمامی ماهاست، پس مبارزه‌ی ما مبارزه‌ای است بنام تمامی انسانیت، بنام تمامی جامعه و در حمایت از اجتماعی بودن. جایگاه ما به عنوان «زنان مبارز زندانی» به مبارزه‌مان این قدرت را می‌بخشد که مطالبات تمامی جامعه را بر زبان بیاوریم. در پیش گرفتن موضعی صحیح چنین توان و قدرتی رابه جویندگان حقیقت اجتماعی اعطا می‌کند. این همان «حیات آزاد»ی است که باید بجای «حیات اشتباه‌آمیز» جایگزین شود و جایگزین کرده‌ایم.

«مبارزه‌ی ما مبارزه‌ای است بنام تمامی انسانیت، بنام تمامی جامعه و در حمایت از اجتماعی بودن. جایگاه ما به عنوان «زنان مبارز زندانی» به مبارزه‌مان این قدرت را می‌بخشد که مطالبات تمامی جامعه را بر زبان بیاوریم»



«من رفیق کسانی هستم که پس از عمری مبارزه و در لحظه‌ی شهادت گفتند که «بر سر سنگ مزارم بنویسید که هنوز مدیون و مقروض خلق خویش بود که از جهان رفت!» من و ما این فرهنگ را از آنان آموختیم که مبارزه در راه حقیقت و انسانیت دینی است که تک‌تک ما باید ادا کنیم، بدون هیچ نوع چشمداشتی!»

آسیب‌دیدگان بوده‌اند، اما هیچگاه به موضوع بحث تبدیل نشدند. تنها در حاشیه و به عنوان بخشی از ظلم مطرح گشتند و نه آسیب‌دیدگان اصلی.

امروزه این امر را پشت سر نهاده‌ایم. معتقدیم که اصلی‌ترین چالش حیات کنونی، چالش جنسیتی است که با آن‌روبرو هستیم. تنها هنگامی که نابرابری جنسیتی برطرف شود، سایر چالش‌ها شانس برطرف شدن خواهند داشت. تمامی نظام معرفتی حاکم در تلاش است تا صورت مسئله را از راه بدر کرده و با این انحراف از حل واقعی مسئله طفره برود. اما این قرن، قرن زنان است و زنان قدرت فکری و عملی لازمه را جهت مبارزه و کسب حقوق خویش کسب کرده‌اند. پیشرفت‌های تکنولوژیکی و علمی نیز در این راه یاری‌گر تمامی مبارزان و از جمله زنان هستند. زنان با بهره‌گیری از سطح علمی کسب شده، با اراده‌ای برآمده از رهایی از بردگی و نیاز به آزادی گام‌های بلندی در مبارزه‌ی مساوات‌طلبی برداشته‌اند. از تلاش اندیشمندان و دانشمندان و ادیبان و هنرمندان زن گرفته تا زنانی که در مسیر زندگی معمولی در تلاش بوده‌اند حضوری انسانی داشته و به چشم کالا به آنان نگریسته نشود، جملگی اندوخته‌ای از دستاوردهای زنانه را گرد آورده‌اند که بنیان

مستحکمی است برای نیل به آزادی. زنان کورد نیز در این بین از قافله‌ی پیکار عقب نمانده و با تکیه بر اندوخته‌ی فرهنگی و اجتماعی قوی خویش هم‌دراین «زندگی- مبارزه» شرکت جسته و هم‌بر اندوخته‌ی مبارزاتی و این هم‌آوردخواهی افزوده‌اند. امروزه زنان کورد به سمبل مبارزه و تلاش زنانه تبدیل گشته‌اند. ۲۶ ماه ژانویه سالروز آزاد کردن شهر کوبانی از دست نیروهای داعش بود، امری که همگان آن را بعنوان «سرآغاز پایان داعش» قبول دارند. سرآغاز این تاریکی یعنی اولین پرتوهای نور و روشنایی. زنان کورد در مقابل چشم جهانیان فعالانه در این جنگ شرکت جسته و تمامی پارادایم مردسالار را به چالش کشیده و بسیار فراتر از آن رفته و در هیئت پیشاهنگان جنگ ظاهر گشتند. آنان هم به مثابه نور و روشنایی در مقابل تاریکی و خفقان مبارزه کرده و هم صورت مسئله‌ی چالش قرن یعنی «چالش زنان» را با قدرتی باورنکردنی به نمایش گذاشتند. من شخصا در این دوره از جنگ کوبانی شرکت داشتم و جراحاتی برداشتم که تا امروز نیز

«ژن، ژیان، آزادی» بیانگر
خواسته‌های مشترک اکثر مردمان
کره‌ی زمین است: حیاتی آزاد و
دموکراتیک. این نیز راز پشتیبانی
جهانی از زندانیان زن است. جهانی
که شاهد مبارزه‌ی ما برای ارزش‌های
جهانی است، از ما پشتیبانی می‌کند.
ما نیز همچنان در این مسیر پیش
می‌رویم»

تلنباری از معضلات سیاسی و اجتماعی پا به قرن
تکنولوژی و هوش مصنوعی گذاشته‌ایم. اما دیگر
عزیمان جزم است که در این سده نه تنها مانع از
ژینوساید فیزیکی گردیم، بلکه «نسل‌کشی فرهنگی»
را نیز تعریف کرده و با تمامی وجود در حال مبارزه
با آن هستیم. «ژن، ژیان، آزادی» (زن، زندگی، آزادی)
شعار ما و نمودی سمبلیک از پارادایم فکری ماست؛
پارادایمی که به روشنی به مسائل اساسی جهان
و انسان امروزین می‌پردازد. بنابراین خویش را در
مرزهای ملیتی، جنسیتی و طبقاتی محدود نکرده
وسعی دارد با دیدی فراخ و همه‌جانبه به مسائل
بنگرد. مادام اکثر مسائل جهانی گشته، پس جهانی
شدن مبارزه هم منطقی‌ترین روش است. برخی از
مسائل ما انسان‌ها مشترک است، پس طبیعی است
که مبارزه‌مان نیز بر پایه‌ی پدیده‌هایی مشترک
صورت گیرد. «ژن، ژیان، آزادی» بیانگر خواسته‌های
مشترک اکثر مردمان کره‌ی زمین است: حیاتی آزاد و
دموکراتیک. این نیز راز پشتیبانی جهانی از زندانیان
زن است. جهانی که شاهد مبارزه‌ی ما برای
ارزش‌های جهانی است، از ما پشتیبانی می‌کند. ما
نیز همچنان در این مسیر پیش می‌رویم.
اکنون منطقه در حال شکل‌گیری نوینی است.
نیروهای بسیاری در حال طراحی نقشه سیاسی -

درد گاه و بیگاه آن مرا می‌آزارد. دردی که لحظه
به لحظه در خاطر من است که هزینه‌ای که برای
انسانیت پرداخته‌ام. شاید هم وجدانم از این نظر
اندکی راحت است که در مقابل انسانیت ادای
دینی ولو اندک کرده‌ام. من رفیق کسانی هستم
که پس از عمری مبارزه و در لحظه‌ی شهادت گفتند
که «بر سر سنگ مزارم بنویسید که هنوز مدیون و
مقروض خلق خویش بود که از جهان رفت!» من
و ما این فرهنگ را از آنان آموختیم که مبارزه در
راه حقیقت و انسانیت دینی است که تک‌تک ما
باید ادا کنیم، بدون هیچ نوع چشمداشتی! هرگاه
که پیروزی در کوبانی جشن گرفته می‌شود، شوق
و غرور ناشی از این رویکرد باکرامت‌مان عزم مرا
دوچندان می‌کند. اکنون یکی از جرم‌هایم آن است
که در مقابل تاریکی ایستادگی کرده‌ام. رفیق کسانی
بوده‌ام که انسانیت را نجات داده‌اند. از همین
گزاره‌ی چالش‌آمیز پیداست که آنان که محاکمه‌ام
می‌کنند طبیعتاً در کدام جبهه قرار می‌گیرند. این
نظام مردسالار است که به هیچ وجه مقاومت
زنان را قبول نمی‌کند، چه رسد به پیروزی آنان و
سر دادن لهله‌ی شادی در مقابل نیروی تاریک و
ضدبشری. ما قبل از همه متوجه خطری که متوجه
بشر بود گشتیم و بدون تأمل در مقابلش ایستادیم
و یک پیروزی بزرگ را برای انسانیت به ارمغان
آوردیم. امروزه به اشکالی گوناگون سعی دارند
تا این شکستشان را تلافی نمایند. این زمان را نیز
بدان جهت انتخاب کرده‌اند که پایان صد ساله‌ی
برنامه‌هایی است که برای منطقه‌ی ما طراحی
شده بودند.

ما زخم‌خوردگان از «سایکس- پیکو» هستیم،
فرزندان خلقی که تا مغز استخوان ظلم «لوزان»
را چشیده، از طناب‌ها آویزان گشته، با هر نوع
اسلحه‌ای کشته شده، مورد تعرض شیمیایی قرار
گرفته، انفال گشته، ژینوساید را در هر بخش ازمیهن
از هم گسیخته‌شان تجربه کرده و اکنون نیز با



«زیستن بامعنا» را برایمان ترسیم کرد، او دوباره به ما زندگی بخشید. اگر یک فرزند را سر به دار کردید صدها تن دیگر راه او را در پیش گرفتند. زیرا فرزند، شیرین، فرهاد، سوران و ما نیز ایمان داریم، هر گام در راه آزادی می‌تواند یک آزمون باشد و ما با فدا کردن جانمان در راه آزادی از این آزمون سربلند بیرون می‌آییم. اکنون نیز بیشتر از فکر کردن به حکم، به مبارزه‌مان می‌اندیشم، به خلقم، خلق‌ها و روزهایی که در انتظارمنطقه‌ی ماست. مبارزه مشغله‌ی اساسی ماست و حکم ما نیز بخشی از آن. پشتیبانی از ما و مخالفت با حکم مابخشی از پیکار ارزشمندی است که انسانیت در راه حیاتی انسانی انجام می‌دهد، حیاتی نیک، زیبا، صحیح و آزاد. دراین راه نیز سرلوحه‌ی مبارزاتم این است: «می‌خواهم آن تقدیری را که همیشه در بازی‌های تراژیک زندگی تکرار می‌شود به نفع آزادی بر هم زنم. در این بازی که عنوانش حقیقت است و تنها از طریق مبارزه به انجام می‌رسد اینبار تقدیرشکست خواهد خورد.»

اجتماعی منطقه هستند. جای خالی اراده‌ی خلق‌ها در این شکل‌گیری نوین بسیار دیده می‌شود. اکنون که نیروهای مردمی قدرت گرفته و قادر هستند که صاحب سخن باشند، باید بتوانیم این جبهه را تقویت کنیم. جبهه‌ی جامعه و مردم. منطقه درگیر رقابت و درگیری‌های فراوانی است و در کنار آن رهیافت‌های مهمی نیز مطرح هستند، بجاست که این مبارزه وجه چاره‌یابی مسائل جامعه را نیز دربرگیرد. مسئله‌ی ما مسئله‌ای شخصی نیست، زندانی گشتن و روبرو شدن با حکم اعدام در راه و مسیر مبارزه سیاسی- اجتماعی است، به تبع آن نیز در جهت چاره‌یابی مسائل سیاسی- اجتماعی اندیشه و عملکردمان در همان چارچوب است. ما زندگی‌مان را آنگونه معنا می‌بخشیم. از قالب فردی بیرون آمده و در جمع و اجتماع حل شده و هدفی جمعی را دنبال می‌کنیم. «ملت دموکراتیک» تز و دکترینی است که تمامی این اهداف را درخویش می‌پروراند. در درون این راه‌حل اهداف تأمین کننده زندگی همه‌ی خلق‌ها و اقشار تأمین می‌شوند. راه‌حلی است که همه در آن سود برده و کسی از آن متضرر نمی‌شود. این طریقی است که می‌توانیم از آن طریق زندگی را معنامند نماییم. معتقدم که یا باید زندگی را نزیست و یا باید با معنا و متعالی زیست. طرح‌های بسیاری در راه معنا بخشیدن به زندگی دچار حملات دشمنانه گشته و پیشاهنگان آن جان خویش را فدای اهداف خویش کردند، اما این ترسی در دلها ایجاد نکرد بلکه امید به تداوم مبارزه و زندگی را آفرید. من نیز در چنین مسیری قدم برداشتم و با وضعیت کنونی خویش روبروگشتم. هنگام بازجویی همان بازجوی فرزند کمانگر در برابر من نشسته و گفت ۱۵ سال پیش فرزند نیز همین جای تونشسته بود اما نتوانست کاری کند و مرگ را برای خودش آفرید گفتم اگر امروز من اینجا نشسته‌ام، نتیجه‌ی تلاش و مبارزه‌ی فرزند است. فرزند با مرگش راه

امرالی، سیستمی برای به بند کشیدن آزادی خلق کورد است



PJAK

بی‌رحمانه‌ای تمامی منشور حقوق بشر جهانی را زیرپا گذاشته‌اند و جنگ و کشتار ناشی از آن علیه خلق‌های تحت ستم برایشان اهمیتی ندارد. برای اینکه حقوق مندرج در منشور جهانی حقوق بشر شامل حال خلق‌گرد نشود، اجازه نمی‌دهند که رهبر آپو مشمول همان حقوق گردد. به همین خاطر تمامی منشورهای حقوق غربی خاصه اروپایی در رویارویی با مسئله‌گرد، دچار فروپاشی شده. قدرت‌های هژمونی جهانی که مسئله‌گرد را با دخالت‌های امپریالیستی خویش به وجود آورده‌اند، با دست‌زدن به توطئه بین‌المللی علیه رهبر آپو و خلق‌گرد، این نسل‌کشی و پاکسازی چندبعدی بر ضد‌گردها را به اوج رساندند. توطئه بین‌المللی، حادث شدن مسئله‌گرد از سطح منطقه‌ای به جهانی بود و علی‌رغم ناکامی در پیشبرد برنامه‌های راهبردی‌اش، اما همچنان به مثابه منشأ خطر سایه‌اش بر سر خلق‌گرد سنگینی می‌کند و مخاطره‌آمیز است. این خطر با آزادی رهبر آپو و حل مسئله رفع می‌گردد. این توطئه و عاملانش هنوز هم خلق‌گرد را تهدید می‌کنند. قدرت‌های عامل توطئه، دشمنی‌های

توطئه بین‌المللی ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ علیه رهبر خلق‌گرد، رهبر آپو ۲۶ سال کامل را پشت سر گذاشت و وارد ۲۷مین سال می‌شود. رهبر آپو و خلقمان در سایه مبارزات بی‌امان خویش تاکنون اهداف راهبردی آن توطئه را دچار شکست ساخته‌اند. این دستاوردها در سایه شهیدان و فداکاری نیروی گریلا به میان آورده و مسئله‌گرد را به سطحی قابل‌توجه رسانده‌اند. از این پس، خلق‌گرد و جنبش آزادیخواهی آن نیرومندانه‌تر از گذشته علیه توطئه بین‌المللی خواهد ایستاد و این را نیز در مبارزات خویش عملاً اثبات نموده است. علی‌رغم اینکه از تمامی جهات ثابت شده که رهبر آپو باید از اسارت در زندان تک‌نفره امرالی آزاد شود، اما دشمنان جهت منع رسیدن خلقمان به آزادی کامل، از آزادی رهبر آپو ممانعت بعمل می‌آورند. قدرت‌های توطئه‌گر جهانی و منطقه‌ای، سیستم امرالی را با ابعاد بین‌المللی به وجود آورده‌اند که در این سیستم ترکیه صرفاً یک پیمانکار اجرای آن است. این سیستم هرآنچه در امرالی علیه رهبر آپو انجام می‌دهد، شکل متمرکز شده‌اش را به مثابه نسل‌کشی و جنگ‌افروزی در کردستان اجرایی می‌کند. به طرز

بسیاری برای خلق کرد تراشیده‌اند. آنها از مسئله گرد بعنوان ابزاری برای رسیدن به آمال توسعه‌طلبی جهانی خویش استفاده کرده و بهانه جنگ‌افروزی در خاورمیانه و غارت منابع آن قرار داده‌اند. چه معنای نظام جهانی کنونی چیزی جز جنگ و غارت و دریای خون نیست.

سیستم امرالی با همه ابعاد بین‌المللی‌اش، سیستمی برای به بندکشیدن آزادی خلق گرد است. جز این نمی‌توان طوری دیگر آن را تعریف نمود. مسلماً خلقمان و جنبش آزادیخواهی آن در رویارویی با این اهداف بی‌رحمانه، به مبارزات انقلابی و دفاع مشروع خویش ادامه می‌دهند و کاروان آن را به سرمنزل مقصود یعنی آزادی نزدیک ساخته‌اند. منشأ بیداری در میان آزادیخواهان و ملت‌های تحت ستم جهانی نیز شده‌اند. شکی نیست که سیستم اسارت امرالی و جنگ‌افروزی در کردستان، آسیب‌های بسیاری برای خلق‌های خاورمیانه نیز دربرداشته است. درگیر شدن چند دولت خاورمیانه‌ای در مسئله گرد، اثبات می‌کند که راهکارهای حل آن نیز به همت منطقه‌ای نیاز دارد. اگر توطئه برای خلق گرد خسران‌بار بوده، قطعاً برای خلق‌های تحت ستم در ایران، ترکیه، سوریه و عراق نیز خسران‌هایی در پی داشته است. به همین دلیل تصور حل مسایل خاورمیانه و ایران بدون توجه به مسئله گرد، غیرممکن است. گردها برای صد سال دیگر ظلم و ستم را ندارند. بگذریم خود منطقه نیز یک بار دیگر تحمل حمل بار سنگین مسئله گرد ندارد.

۲۶ سال پیش در روز ۲۶ بهمن ۱۳۷۷ در پی قیام خلق گرد در شرق کردستان در محکومیت توطئه بین‌المللی، خلقمان در آن بخش در موضوع آزادی رهبر آپو و حل مسئله گرد در چارچوب گسترده خاورمیانه‌ای، سهم گشته است. این بخش دارای قدمتی اینچنینی در تقابل با توطئه است و تلاش رژیم ایران برای تداوم سرکوب‌ها با هدف خارج‌نگه‌داشتن خلق شرق کردستان از چارچوب‌های منطقه‌ای هرچهاربخش کردستان، بی‌فایده است. خود نظام ایران نیک می‌داند که بخاطر گسترش مبارزات گردها، دیگر یارای جدا کردن شرق کردستان از سایر

بخش‌های کردستان را ندارد. قیام سوم اسفند ۱۳۷۷ و انقلاب ژن، ژیان، آزادی در ۱۴۰۱ اثبات‌گر آن قضیه بودند. با سرکوب آن قیام‌ها، قطع‌یقین نه انقلابمان خاموش شده و نه سیاست نسل‌کشی آن نظام به اهدافش رسیده است. دیگر وقت آن فرارسیده که نظام ایران چشمان خود را به‌روی این حقیقت روشن بگشاید. امروز آشکار است که در کنار مسئله گرد که بزرگترین مسئله در ایران است، تمامی بحران‌ها و مسایل دیگر به سطح فوق‌بحرانی و حاد رسیده‌اند. دیگر نادیده‌انگاشتن این واقعیت‌ها غیرممکن است. در ۲۶ سالروز توطئه بین‌المللی ۱۵ فوریه «حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)» ضمن محکوم کردن آن و گرامی‌داشتن یاد سرافرازانه قیام سوم اسفند ۱۳۷۷، یاد شهدای این مبارزات خلقمان را گرامی داشته و با مبارزه جهت کسب آزادی کامل برای خلقمان، آرزوهای شهدا را برآورده خواهد کرد. آزادی رهبر آپو، یعنی حل مسئله گرد و آزادی گردها. بی‌شک خلقمان در شرق کردستان و ایران نسبت به آزادی رهبر آپو و آزادی خویش، دارای وظایفی انسانی، اخلاقی و سیاسی است. لذا از تمامی جوانان، زنان، کارگران، معلمان، روشنفکران، هنرمندان، اصناف و اقشار ستمدیده جامعه ایران و شرق کردستان دعوت بعمل می‌آوریم که در سالگرد توطئه بین‌المللی، مبارزات نیرومندان خویش را با تکیه بر اندیشه‌های آزادیخواهانه و دمکراتیک رهبر آپو و جنبش‌مان به اوج برسانند. خلق گرد در هر چهاربخش کردستان ضامن آزادی یکدیگر و رهبر آپو هستند. سرنوشت خلقمان و رهبر آپو به هم گره‌خورده و تنها با برآمدن آفتاب آزادی کامل می‌توان به توطئه ۲۶ سال گذشته و بیش از یک قرن ظلم و ستم علیه خلقمان، پایان داد. امسال برای خلقمان حساس‌ترین سال‌ها در زمینه مبارزات است. سال سرنوشت و حل دمکراتیک است. سالی که لازم است بیش از پیش به آزادی نزدیک شد. این مهم صرفاً با اتحاد خلقمان و حضور در میادین مختلف مبارزاتی ممکن می‌گردد.

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)

۱۳ فوریه ۲۰۲۵ برابر با ۲۵ بهمن ۱۴۰۳

پاراستنی جه وههري ئالتهرنا تيوي هيڙي دهسه لآت



سه ردار چلچمه



رژیمی ئیران بیههوی یان نه بیههوی له قوئانی گوزهر دایه. کۆتایی رژیم و دهسه لآتی ئیران له بهرچاوه و شتیکی حاشاهه لئه گره. بۆ ئه وهش چه ن دین ریگای له پيش دایه، به لام بهرچاوترینان دوو ریگه یه. یه کهم ئه وه یه گۆرانکاری بنه پرتی له سیستمی حوکمرانی دا دروست ده کات و ریگای به شداری گشتی یانی دیمۆکراتیزه کردن ده کاته وه، که ئهم ریگایه ئیستا دوور و ئه ستم دیاره. چون تاکه ریگایه که هم بۆ گه لانی ئیران و هم بۆ رژیمی ئیستا که سوودی زۆری ده بیست. ئه وهش به ههنگاوی رادیکال و دوور له بهرژه وهندی لایه نه کانی سیاسه تی ناوهندی ئیران پیکانه. ریگای دووه مین یان خۆراگری یان ته سلیمیه ت به رانبه ر به هیڙی مۆدیرنیته ی سه رمایه داریه. که له هه ر دو حالته دا جارپکی دیکه ئیران رووبه رووی کاولکاری و ده ستیوه ردانی ده ره کی ده بیته وه. رژیمی ئیران ئیستا که سه رمایه

ئیستا که به گشتی هاوسه نگیه کانی هه ری می و جیهانی گۆرانکاریان به سه ردا ها تووه و له قوئانی گۆرانکاری بنه پرتی دا ده گوزه ری ئن. قوئانی راگوزه ری هاوسه نگی هه ستیارانه به ره و پيشه وه ده چیت. له م ئالوگۆره گشتگیره دا دۆخی ده ولته تی ئیران له هه موو ده ولته تانی ناوچه ی رۆژه لآتی ناوه پراست ناله بارتر و لاوازتره. هه رچه نده وه کوو داموده زگا کانی ده ولته ت و ده سه لآت شیما ی خۆی ده پاریزی و وه کوو هیڙی هاوسه نگی له رۆژه لآتی ناوه پراست دیار ده بیست، ئه وه هه موو رووکه شیخ به ولاتره وه نییه. ده کریت بارودۆخی هه نوکه یی ئیران وه کوو که شتییه کی کۆن به ته خته ی رزیوه وه له ناو شه پۆلانی خرۆشانی زه ریاوه پیناسه بکریت. به لام له ئهم ئیوانه دا هیشتا ده سه لآتدارانی رژیمی ئیران ئاماده نیین، دان به بچوکتیرین مافه کانی گه لان، ژنان و هه موو چین و توپۆه کانی کۆمه لگه دا بنیت.

«ژېرخانی سیستهمی کۆماری سیداره له رووخان و دارمانیکی گهوره نزیك بۆتهوه. گۆرانکاری روکەشی و ریفۆرم چارهسەر نییه و پێویستی به شۆرش ههیه بۆ رزگار بوون له م رهوشه. شۆرش له هه مان کاتدا تپه پاندنی له مپه ره کان به رانبه ر به کۆمه لگه یه. شۆرشیش به هیزی ریخستن کراوی کۆمه لگه پیک دیت»

گۆرانکاری ریشه یی پیک بێیت.

ههروه ها سیستهمی له شکه ری رژی م ئیستاکه به تهواوی له ناو گهنده لی، مافیاهه ری، دزی و هه لوه شاندن دا یه. سوپای قودس که هیزی ئۆپه راسیۆنی ده ره کی بوو، ته نانه ت که س باسی لئ ناکات. حیزبوللا تیکچوو، جهادی ئیسلامی و هه ماس تیکچوون. ئه رته ش به ده یان سا له په راویز خراوه و ته نیا وه ک شکل هه یه. سوپا ماوه یه کی زۆر له ناو گهنده لی، بازرگانی نایاسایی، مافیاهه ری، به رتیل و چه ته یی بوون دا نوقم بووه. له ناو سیاسه تی ناوخۆیشدا هاوسه نگی جارانی نه ماوه و له تاقه ت که وتوو. به م شیوه یه هیزی شه ر و پاراستنی رژی م ئیدی ناتوانئ زۆر به ره نگاری هیره شه کانی ده ره وه بێت. ئه و ته کنیکه موشه کی و په هپادییه ش روژانه شانازی پیه ده که ن، به رانبه ر ته کنۆلۆژیای سه رده می ئه مپو دا له ئاستیکی زۆر خواره وه یه. چونکه به ئه ساسی ئه وه ی شه ر ده کات نه ته نیا ته کنیکه، مرۆفی خاوه ن باوه ری، لیها تووی و کارامه دی، پرۆفشیناله، که ئه وه له ناو هیزی له شکه ری رژی م دا زۆر که مپه نگه. به گشتی ده توانین بێژین که رژی می ئیران له ناوه وه ده ره وه له قونای هه ری لاوازی خۆی تیده په ریت. ئه و بابه تانه ی له سه ره وه ئاماژه پیکران بۆ ئه وه بوو که بتوانین باسی خا لکی گرن گ بۆ تیکۆشانی گه ل بکه ین. تیکۆشانی گه ل به ریخستن هه موو

و پشتیوانی هیزه نیابه تیه کانی ده سه لاتدارانه ی خۆی به شیوه یه کی گشتی هه تا راده یه ک له ده ست داوه. هیلالی شیعه و به ره ی مقاومه ی ده ول ته تی تیکچوو. ئه م جاره ئه گه ر هه موو ویست و داخوازه کانی هیزی هه ژمونگه رای ده سه لاتی ناوه ندی پیکبێیت، جاریکی دیکه له لیکترازان رزگاری ناییت. چونکه هیزی ده سه لاتی ناوه ندیش به ته واوی پێویستی به رژی مپیک هه یه که بکه ویته ژیر خزمه تی سیستهمی مۆدی رنیته ی سه رمایه داری. یانی به ته واوه تی ده ولت و رژی می ئیران ته سلیم بێت و گۆرانکاری له سیستهمی به ریۆبه ری سیاسی، په ره رده یی، ئابووری، له شکه ری دا و ... دروست بکات. که ئه وه ش بۆ نیزامی ویلایه تی مو تله قه ی فه قیه دوور له چاوه روانییه. به م شیوه یه نه رم بوون له به رانبه ر سیستهمی هه ژمونی جیهانی به ته نیایی رژی می هه نووکه یی ئیران له تۆفانی گۆرانکاری رزگار ناکات.

ههروه ها ئیستاکه ش ژېرخانی سیاسی و ئابووری رژی م به بی شه ر و پیکدادان تیکچوو و له هه ر گۆشه یه ک ده نگیکی جیاواز و نارازی به رز ده بێته وه. هه ر که س نارازییه و ده نگی بویرانه به رز ده کاته وه. ئه وانه نه سیمی به ره به یانی ئازادین، که تۆفانی گۆرانکاری له گه ل خۆی ده هینیت. نا په زایه تی هه موو چین و تو یژه کانی کۆمه لگه، ژن، جه وان، کارکه ر، کارمه ند، مامۆستا، خانه نشینان، ته نانه ت که سانی ناو هیزه کانی ئاسایش و ئه منیه تی دا جیگا ده گرن، هه موو چاویان له گۆرانکاری بنه په تییه. بۆ ئه مه ش خاوه ن هه لویستن و تیکۆشان ده که ن. ئه وه نیشانده ری ئه وه یه که سیستهم به ته واوی گهنده ل و شه رزه بووه. به م شیوه یه ژېرخانی سیستهمی کۆماری سیداره له رووخان و دارمانیکی گهوره نزیك بۆتهوه. گۆرانکاری روکەشی و ریفۆرم چارهسەر نییه و پێویستی به شۆرش ههیه بۆ رزگار بوون له م رهوشه. شۆرش له هه مان کاتدا تپه پاندنی له مپه ره کان به رانبه ر به کۆمه لگه یه. شۆرشیش به هیزی ریخستن کراوی کۆمه لگه پیک دیت، ده ستیوه ردانی ده ره کی ناتوانئ شۆرش پیکه بێیت. هیره شی ده ره کی کاولکاری و ویرانی له گه ل خۆی ده هینئ. هه میشه هیزی دینامیکی کۆمه لگه هیزی شۆرشه و ده توانئ

ئەمىنەتتىكى دېمۇكراتىك كوردنى كۆمەلگەيە. لە ھەر قۇناغ و كاتدا پېئوستىيەكى زەروروى و حاشاھەنەگرە. و ھە دەكرىت زياتر بە قۇناغى گوزەرەو بە بنەما و ھەربىگرىت، كە ھىرش لە سەر كۆمەلگە ھەيە و دەبى كۆمەلگە خۇى پارىزىت، بەلام بۇ ئىمە و ھەك گەلى كورد كە ھىشتا رووبەرووى كۆمەلكوژى و ژىنۇساید دەبىنەو و تەنانەت سەرەتايى ترين مافى ئىنسانىمان قەبوئل ناكەن، لە ھەر كۆمەلگە و گەلىك زياتر پېئوستىمان بە ھىزى پاراستنى جەوھەرى ھەيە. حەقىقەتى گەلى ئىمە ئەوھەيە، ئەمرو ئىدى خاوەن ھىزىن و لە معادلات و ھاوسەنگى ھەرىمى و جىھانىش دا حىساھان لە سەر دەكرىت، جارىكى دىكە نايەتە ئەو واتەيە كە پېئوستى بە ھىزى پاراستن ناكات. تەنانەت ئەگەر شەر لە كوردستان كۇتايى پى بىت و دەولەتانى داگىركەرى كوردستان دان بە مافى رەواى كورد بنىن و ياسا و رىساي پېئوستىش بۇ پاراستنى مافى كوردان دەستنىشان بكنە، ھىشتا گارانتي پاراستنى كوردان نىە. ئەگەرى ئەو ھەيە لە ھەر كات و ساتدا دەولەتانى دەسەلاتدار لە سەر كوردستان پشت لە گەلى كورد بكنە و كۆمەلكوژى و ژىنۇسایدى دووسەد سالى رابردو دوبارە بكنەو. بۇ ئەمەش لە ھەر قۇناغىكدا پېئوستى گەلى كورد بە ھىزى پاراستنى جەوھەرى ھەيە، چونكە گەلى كورد لە مېژووى خۇى ئەزمونى بەھىزى ھەيە و سەرەراى ئەوھى بە دەيان سالى بە بى راوستان

لايەنە دەبىت. رىخستنى كۆمەلگەي مەدەنى، بەرپوھەرى ھەرىمى، ئابورى گشتى، پەرورەدەي بە كولتور و زمانى داىكى، ھەر ھەموويان بە رىخستن بوونەو ھەرىدراو. رىخستن نەبىت، ھىچ تىكۇشائىكى گەل سەرکەوتو نايىت، ھەرچەندە بەدلىشى زور بىت. لەم چوارچوھەيەدا كۆمەلگەيەك چەندە خوازىارى گۇرانكارى بىت، ئەوئەندەش دەبى بە رىخستن كراو بىت، تاكوو بتوانى بەرانبەر بە ھىزى دەسەلاتدار سەربكەوئى. وىست و داخوازىيەكانى بە سەر بخت.

سەرکەوتن بەرانبەر بە ھىزى دەسەلاتىش بە پالېشتى ھىزى پاراستنى كۆمەلگەيە، كە بە پاراستنى جەوھەرى بە ناو دەكرىت. ھىزى پاراستنى جەوھەرى پېچەوانەي ئەرتەش و دەسەلاتە. فەلسەفەو دەستەواژەيەكى جىاواز لە دەولەت و دەسەلاتە. ھىزى پاراستنى جەوھەرى، ھىزىكى ھەلقولوى كۆمەلگەيە و بە تىكۇشانى گەل دەئافرىندىرئىت. گارانتي و پارىزوانى كۆمەلگەي بەرىخستن كراو و شۇرشى گەلە. لە ھەموو كاتىك دا ھەم لە كاتى ئاشتى و ھەم لە كاتى شەردا پىداوئىستىيەكى بنەرەتى كۆمەلگەي بە رىخستن بوو. بەم شىوھەي دەكرى بگوترى، كە ھىزى پاراستنى جەوھەرى بنەماي كۆمەلگەي رىخستن كراو. بەم شىوھەي بە ھەم ھىزە گەل و كۆمەلگە لە بەرانبەر ھىرشى دەرەكى و ناوخۇيى دەتوانى خۇى پارىزىت.

لە قۇناغى گوزەردا كە رژىمى دەسەلات دەگۆردى، پېئوستى بە پاراستنى دەسكەوتەكانى شۇرشى گەلان ھەيە. لە قۇناغىكى و ھادا لازمە پاراستنى دەستكەوتى گەل نەدرىتە دەست ھىچ لايەتىكى دەسەلاتخواز. بە تايبەت ئەو ھىزانەي بە ناوى گۆرىنى رژىم دەولەتىكى دىكە و رژىمىكى دىكە دادەمەزرىنن. لە ئەنجامدا ھەر دوو يەك بابەتە. پاراستنى گەلىك تەنيا بە ھىزى جەوھەرى ئەو گەلە پىكانە. چونكە ھىزى پاراستنى جەوھەرى پاراستنى نرخ و بەھاكانى دىمۇكراسىيە. چۇن دەولەت و دەسەلات بە ئەرتەش خۇيان دەپارىزن، گەل و دىمۇكراسىش بە پاراستنى جەوھەرى خۇيان دەپارىزن. و ھەا دەتوانىن بە ناو بكنەن كە پاراستنى جەوھەرى ھىزى ئاسايشى و

**«ھىزى پاراستنى جەوھەرى،
ھىزىكى ھەلقولوى كۆمەلگەيە و
بە تىكۇشانى گەل دەئافرىندىرئىت.
گارانتي و پارىزوانى كۆمەلگەي
بەرىخستن كراو و شۇرشى گەلە. لە
ھەموو كاتىك دا ھەم لە كاتى ئاشتى
و ھەم لە كاتى شەردا پىداوئىستىيەكى
بنەرەتى كۆمەلگەي بە رىخستن بوو»**



ناوه‌پاراسته. به مسوگه‌ریه‌وه ئەلین هه‌تا کوردیک هه‌بئ و بژی، ده‌بئ هی‌زی پاراستنی کۆمه‌لگای کورده‌واریش هه‌بیت. چونکه تاکه ریگای به‌رده‌وامی ژیان له پاراستنی بوونی مروّف و کۆمه‌لگه‌دا به دیدیت. ئەمه حه‌قیقه‌تیکه له کاتی چاره‌سه‌ری پرسى کورد ده‌بئ ده‌ستی لێبه‌رنه‌ده‌ین. ئیمه ته‌نیا ئەمپۆکه به ئەوه تینه‌گه‌یشتووین که ده‌بئ خاوه‌ن چه‌ک و ه‌زری پاراستن بین. ئەوه‌ش به باشی تیکه‌یشتووین هه‌ر کات ده‌ست له چه‌ک و پاراستن به‌رده‌ین له ماوه‌یه‌کی زۆر کورت دا له ناو جیهانی ئەمپۆکه‌دا جیهانی شه‌ر و مملانیی ئەو زله‌پزانه که ری به فره‌ه‌نگی میژووینی و ئازادی گه‌لان ناده‌ن و ده‌یانه‌وه‌ی هه‌ر کولتوریک له ژیر هه‌ژمونی ده‌سه‌لاتی سه‌رمایه‌دا کۆبکه‌نه‌وه. ئیمه‌ش ده‌مانه‌وه‌ی به کولتور و شوناسی کوردبوونه‌وه له گه‌ل هه‌موو گه‌لان له ژیر چه‌تری نه‌ته‌وه‌ی دیموکراتیک پیکه‌وه بژین. ژیانى پیکه‌وه ریگایه‌که به‌ بۆ به‌رده‌وامی هه‌موو گه‌لان. به‌بئ کۆمه‌لکۆژی، کۆچی مه‌جبوری، شه‌ر و پیکه‌دادان دۆزینه‌وه‌ی چاره‌سه‌ری بۆ هه‌موو پرسه‌کانی بنه‌په‌رتی کۆمه‌لگه‌یه. ئەه‌وکات نه ته‌نیا بۆ پاراستنی کورد بۆ پاراستنی هه‌موو گه‌لان هی‌زی پاراستنی جه‌وه‌ه‌ری پێداویسته‌یه‌کی سه‌ره‌کی گه‌لانه و هه‌ر گه‌لیک ده‌بئ بۆ په‌ره‌پێدان به ژیان خاوه‌ن هی‌زی پاراستنی جه‌وه‌ه‌ری بێت.

باس له ناشتی، ئارامی، دیموکراسی و دادپه‌روه‌ری ده‌کات هه‌یشتا هه‌یشتی له سه‌ر ده‌کریت. کاتیک که سه‌یری ره‌وشی رژیم و ده‌سه‌لاتداری ئێران ده‌که‌ین، گه‌لانی ئێران و گه‌لی کورد له رۆژه‌لاتی کوردستان له هه‌ر ولایتیکی دیکه زیاتر پێویستیان به هی‌زی پاراستنی جه‌وه‌ه‌ری هه‌یه و له‌م چوارچۆیه‌دا ده‌بئ ریخستنی خۆیان به‌هی‌ز بکه‌ن. له هه‌موو راپه‌رینه‌کانی گه‌لان دا، رژیم زۆر به توندی سه‌رکوتی پێشه‌نگان و به‌شدارانی راپه‌رینی کردووه و ده‌یکات. هه‌یشتا به حوکمی ناره‌وای سێداره وه‌لامی پێشه‌نگان و شورشگێران ده‌داته‌وه. به‌مانه‌ش راناوه‌ستئ به ریگای بلاوکرده‌وه‌ی ماده‌ سه‌رکه‌ره‌کان و سیخو‌رکردنی گه‌نجان کۆمه‌لگه‌ی کورد و نیشتمانه‌په‌روه‌ری ئێران ده‌رزیئ. بۆ شکاندنی ئێزاده و هه‌ستی تیکۆشه‌رانی ژیانى ئازاد هه‌موو شیوه ناره‌واکانی شه‌ری نه‌رم و تاییه‌ت به‌کار ده‌هێنئ. ریگا به ریخستنی کوردی گه‌لان نادات و بۆ پارچه‌کردنی هه‌موو گه‌لان به‌رده‌وام له ناو خستنه‌وه‌ی دووبه‌ره‌کی و فتنه‌ دایه. ئەو رژیمه بۆ به‌رده‌وامی خۆی ناکوکی خستنه‌ نێوان گه‌لان به‌س نابینیت و به پێش خستنی شه‌ر و ناکوکی نێوان مه‌زه‌به‌به‌کان، نه‌ته‌وه‌په‌رستی مه‌زه‌به‌بیش پێش ده‌خات. له به‌رابه‌ر هه‌موو ئەو پرسه‌ بنه‌په‌تیانه گه‌لانی ئێران و رۆژه‌لاتی کوردستان ته‌نیا به تیکۆشانی سیاسی و ریخستنی ناتوانن به‌ره‌نگاری ئەو رژیمه‌ بنه‌وه. هاوکات بۆ پاراستنی هی‌زی تیکۆشه‌ر و تیکۆشه‌رانی ریگای ئازادی ده‌بیت خه‌باتی پاراستنی ناوه‌کی کۆمه‌لگا به هی‌ز بکه‌ین. هه‌ر گوند، شه‌قام و شار ده‌بیت خاوه‌ن هی‌زی به ریخستنه‌کراوی پاراستنی جه‌وه‌ه‌ری بن بۆ ئەوه‌ی بتوانن بۆ هه‌میشه له کۆنترۆلی ده‌وله‌ت ده‌رکه‌ون و له به‌رابه‌ر هی‌زی ده‌سه‌لات، سوپا، چه‌ته و مافیا که هه‌یشتی کۆمه‌لگه ده‌که‌ن پارێزراو بن. وه‌کوو ئەنجام ده‌بئ بزاین که پاراستنی جه‌وه‌ه‌ری بابه‌تیک نه‌ که به کۆتایی هاتنی ده‌سه‌لاتیک کۆتایی بێت، به‌لکوو بابه‌تی پاراستن به بوونی (موجودیت) کورده‌وه‌ وابه‌سته‌یه. ئیمه ئەمپۆ خاوه‌ن هی‌زیکی پاراستن که جیگای شانازی و سه‌رفرازی گه‌لی کورد و گه‌لانی رۆژه‌لاتی

ههوالگری پارچهیه کی شه‌ری هه‌بیریدییه



نامه‌د شاهۆ



به‌شی دووه‌م؟

مۆدیرنیتیه‌ی سه‌رمایه‌داری ناوزه‌د ده‌کات. له‌کاتیکدا به‌دریژایی ته‌مه‌نی ده‌سه‌لاتداری رژی‌م کۆی سیاسه‌ته‌کانی خزمه‌تی ئه‌و سیسته‌مه‌ی کردووه و ته‌نانه‌ت بووه‌ته‌ خۆراکی مۆدیرنیتیه‌ی سه‌رمایه‌داری له‌ناوچه‌که. هه‌ر چه‌ند رژی‌م ئه‌مریکای به‌شه‌یتانی گه‌وره‌وه‌سف ده‌کرد و رابده‌گه‌یانده‌که هه‌رگیز ئاماده‌ نییه‌ له‌گه‌ڵ ئه‌و شه‌یتانه‌ دانوستان و گفتوگۆ بکات. به‌لام له‌سه‌رده‌می شه‌ری هه‌بیریدییا دۆخه‌که پێچه‌وانه‌ بووه‌ته‌وه و زمانی بانگه‌شه‌و شه‌ری میدیایی رژی‌م له‌به‌رامبه‌ر ئه‌مریکا و ئه‌وروپا زۆر نه‌رم و نیان بووه. گه‌لیک جار گۆپیی سه‌وزی بۆ کرانه‌وه‌ی ده‌رگای دیپلۆماسی به‌ره‌و رووی ئه‌و وڵاتانه‌ هه‌ل‌کردووه. تا پارێزه‌ری له‌مانه‌وه‌ی ده‌سه‌لاتداری خۆی بکات.

له‌و پێناوه‌دا رژی‌م له‌گه‌رماوگه‌رمی شه‌ره‌که‌دا بۆ خۆی بووه‌ته‌ ئه‌و ناوه‌نده‌ی که نووکی شه‌ره‌که‌ی ئاراسته‌ کراوه و له‌ساتدا رووبه‌رووی بۆردومانیکیی چپ و به‌ری‌ن بووه‌ته‌وه و ئه‌و ئه‌گه‌ره‌ی هه‌یه‌ که بوومه‌له‌رزیه‌کی به‌هێز رووبدات که پایه‌کانی ده‌سه‌لاتداری رژی‌م سه‌راوژێر بکات و سه‌رده‌میکی

رژی‌می ئێران هه‌ر چه‌ند هه‌ول ده‌دات که له‌ شه‌ری ته‌رکیبیی - فره‌په‌ه‌نده‌ی یا تیکه‌لاودا له‌سه‌ر سه‌کۆی ده‌سه‌لات خۆی به‌هێز و زه‌به‌لاح وینا بکات. به‌لام له‌به‌رامبه‌ر کاردانه‌وه، شه‌پۆل و گورزی به‌هێزی ئه‌و شه‌ره‌ نه‌یتوانیوه له‌ناوخۆی ئێران و ده‌ره‌وه‌ی سنووره‌کانی له‌به‌رامبه‌ر شۆرشیی "ژن ژیان ئازادی" و هێرش و ده‌ستپوه‌ردانه‌ ده‌ره‌کیه‌کان له‌ناوچه‌که بۆ سه‌ر هێزه‌ سه‌یبه‌ره‌کانی خۆراگری بکات. له‌هه‌مان کاتدا هاوسه‌نگی هێز بپارێزیت و به‌پیی ئه‌وه‌ مۆره و ئامرازه‌کانی شه‌ر بخته‌ جووله‌وه. تاییه‌ت له‌ به‌کاربردنی هێزی ته‌کنیک و شه‌ری هه‌والگریدا ئه‌وه‌نده‌ لاوازی نواندووه که توانای به‌ربه‌ره‌کان و هێرش کردنی بۆ سه‌ر هێزه‌ هه‌ژمونگه‌را جیهانیه‌کان نه‌میتن.

واته رژی‌م گه‌یشته‌وه‌ته‌ ئه‌و دۆخه‌ی که ملکه‌چ و ته‌سلیمی سیاسه‌ته‌کانی ئه‌مریکا و ئه‌وروپا بییت و گه‌لیک پوانیان پێ بدات. له‌و لاشه‌وه‌ به‌هه‌را و هوریا خۆی به‌ دژبه‌ری سه‌ره‌کی سیسته‌می

نوئی ئازادی و دیموکراسی له ولاتدا سهرهه لبدات. ئه وهش وای کردوووه که له راستیدا هیچ بژارده یا شانس و دهرفتهی سهرکه وتن و خۆراگری له شه پری تیکه لاودا بۆ رژیم نه مینن. بۆیه بۆ ئه وه شکست و گورزه جهرگبرانهی وه به ریکه وتوووه، دهیه ویت به هیرشه کانی بۆ سهر گهل و کۆمه لگه په رده پۆشی بکات و له و دۆخه ی گیرۆده ی بووه، خۆی لئ قوتار بکات. تا دهرفتهی هه ناسه کیشان و بووژانه وه بۆ درێژه پیدانی ته مهنی ده سه لاتداری خۆی له ناو بژارده ی خه یالی و دوور له راستی بدۆزیته وه.

ئهو دۆخه ی رژیم تیدا چه قیوه سه لمینه ری ئه وه یه که رژیم بۆ خۆی گیرۆده ی پانتایی ئه وه شه ره مالویرانکه ره بووه ته وه و دهرئه نجامه کانی رژیمی خستوه ته ناو په له قاژه و شله ژانه وه. چون زهنیه تی ده سه لاتداری رژیم زۆر کۆنه پاریزانه، تاریکه رستانه و دواکه وتوانیه که له گهل پشکه وتن و وه رچه رخانه کانی شه پری سه رده م و گه شه دانی دیموکراسی یه کناخوینیته وه و له ناو پارادۆکس و دووفاقیه کی قولدا یه. له و پیناوه دا پیلان و داویک که بۆ گهلانی ناوخۆی ئیران له م قۆناخه ی شه پدا دایانرشتوووه، له ژیر هه میمه نه و شکۆی به رخۆدان و تیکۆشانی دیموکراتیکی گهلان، خودی به رپرسانی رژیمی گیرۆده ی ئه و پیلانه نه گریسه کردوووه. ئه وهش که لاین و درزی ناو تۆره کانی ده سه لاتی قولتر کردوووه که پانتایی شه پ و ململاتیکانی ده سه لات زیاتر ده کات. بۆیه تا ده پروات شه پۆلی ئه وه شه ره ریگه بۆ ته سفیه گه ری باله کانی ناوخۆی ئیران خۆشتر ده کات. واته ئه گه ره کان له پیناوه هه لکشانی ریژه ی کوشتنه کان (سزادان) یان ته سفیه کردنی به رپرسان و مۆره کلیدی هه کانی ناو ده ولته ت و ده سه لات زیاتر له ئارادایه.

زهنیه تی به سه ته له ک کراوی رژیم وای کردوووه که رژیم له گۆرانکاری و ئالنگاریه کانی ناوچه که هاتوه ته ئاراهه، له ناو خه یال پلاوی مه زندا بژی و له سه رده م و فه لسه فه ی ئازادی و دیموکراسی نامۆ و دووره په ریژ مینیت و به هاشوهووش و زه بر و زه نگ خۆی زه به لاح وینا بکات که گویا توانیوه تی به ره نگاری شه پری فره ره هه ند بیته وه!. له کاتیکدا رژیم ته شه به

بیروکه یه ک ده دات که هه میشه له خه یال و زه یینیدا براوه ی شه ره و شکسته کانی خۆشی به براوه ی شه پ له گهل دوژمنی گریمانه یی وینا ده کات و ده یه ویت زهنیه تی تاکه کانی ناو کۆمه لگه به پیتی ئه وه بانگه شه ساخته و چه واشه کارانه یه ی فۆرم پت بدات. واتا به فه لسه فه ی ده سه لات له شان نه هاتوووه (شکست ناپذیره) له پۆزسیۆنی هیرش و خۆپاراستن دایه. ئه وهش بۆ خۆی ره هه ندیکی سه ره کی ئه وه شه ره یه که رژیم له ئه مرپۆدا ده یه ویت به کارامه یی و شاره زایی له تاکتیکی فریودان و چه واشه کاری و زانیاری ساخته ده سه لاتی خۆسه پیتی به سه ر کۆمه لگه دا بسه پینیت و رای گشتی به پیتی به رژه وه ندیه تاکره وه یه کانی خۆی ئاراسته بکات. کاراکته ری سه ره کی و زهنیه تی به هه له بردن و فریوده رانه ی ئه وه رژیم بۆ ئه وه زۆر کراوه یه که زۆر به ئسانی له دژی گهل و کۆمه لگه شه پری هیری دی به ریوه بیات و له وه شه ره شدا هیچ سنوورپکی ئه خلاقی و مرویی نه ناسیت.

لیره دا چاوخشان دیتیک به سه ر هه ندیک تایبه ته ندی بنه ره تی رژیمی هیری دی ئیراندا ده که ین که بنه مای سه ره کی شه ریگ پینکدینن که قهرکردن و کۆمه لگه کوژی کۆمه لگه ی له سه ر به ریوه ده بریت و خه شابی چه کی هیری دی رژیمی له دژی کۆمه لگه ی پت پر ده کریت. له شه پری جیهانی سیه مه دا رژیم داویک که بۆ ته سلیم وه رگرتنی تاک و کۆمه لگه ی داناوه، هه مان داو به ده ست و لاق و جه سه ته و زه یینی رژیم خۆیدا ئالاهه. به و پینیه خودی رژیم له ناو زه لکاوینکا چه قیوه که له هه ر دوو لای شه ره وه چه له به رامبه ر هیزه هه ژمونگه را هه ری می و جیهانیه کان و هاوکات گهلانی ناوخۆی ئیران رووبه پرووی شکست و دارمان بیته وه.

به شیک له و تایبه ته ندیانه ی رژیمی سه رکوتکار و داپلۆسینه ر که به درێژیای ته مهنی ده سه لاتداری رژیم باو بوون و تا ئیستاش ئه وه تایبه ته ندیانه له جومگه کانی ده سه لاتدا پایه دارن و له پیناوه به هیژبوون و به گوربوونی شه پری تیکه لاو له دژی گهل و کۆمه لگه به کاری ده بات که لیکه وته و کاریگه ریه کانی له شه پری کلاسیک و ره هه ندی سه ربازی

«بلاوکردنه وه و گه شه پیدانی توخمی داگیرکهری و تایبه مه ندیه نه گریسه کانی رژییم، جادهی قرکردنی کۆمه لگه یان قیرتاو کردوو و به و ریبازه خیرایی و دهرفه تی ئه وه یان زیاتر خوش کردوو تا کۆمه لگه به ره و مه رگی هه نگا و به هه نگا و په لکیش بکه ن. ئه وه ش رژییمی ئیرانی کردوه ته رژییمی مه رگ»

بۆ سه ر کۆمه لگه زیاتره بریتین له:

۱ - رژییمی ئیران، رژییمکی پیرسالار و پیاوسالاره. واته دژه ژن و دژه جوانه. له وه دیاردانه شدا خاوه ن ئه زمونه، چون سه رچاوه که ی ده گه پێته وه بۆ ته مه نی کۆنی ده ولته داری و ده سه لاتداری له ئیران که له سه ر بنه مای ژنکوژی و گه نچ کوژی گه شه ی کردوو. مه جلسی شاره زایانی رژییم حه قیقه تی ئه و زه یه نه ته یه که له سه ر کاره.

۲ - ده سه لاتداری له ئیران بکوژ، سه ته مکار، چه وسپنه ر و خۆسه پێنه. سوپای پاسداران و ناوه ندانه کانی شه ری تایبه تی رژییم ئاوینه ی کرده وه دپندانه کانی رژییم پیشان ده دات که له لایه ن ئه م ناوه ندانه وه به ریوه ده برین.

۳ - ناوه پۆکی ده ولته؛ دز و گه نده ل، تالانکار، فریوده ر، کوشتن و کۆمه لکوژییه. به رپرسان و دام و ده زگا ده ولته تیه کان و تایبه ت بریارگه ی خاتموئه له نبیا گه وره ترین مافیا و چه ته ی ناو ده سه لاتن که ئه و کرده وانه نازناویانه.

۴ - دامه زراندن و ئیداره کردنی ده ولته به شیوه ی پیلان بازی و پیلانگێرییه. هه ره می ده سه لات و به یتی ریبه ری ئیران و ناوه ندانه بالاکانی مه کوژی شکل گرتنی ئه و پێناسه یه ن.

۵ - چه مکی بۆ باوه ری و بۆ هیوایی که ته نانه ت باوه ری به براو و خوشکی خۆشی نه یه نیت بلاو ده کاته وه. واته کانگه ی بنپرکردنی هیوا و باوه ری گه لانه. بۆ بلاوکردنه وه ی ئه و چه مکه نه که لک له ده زگای بنه ماله، خۆپندنگه، مزگه وت و ناوه ندانه کانی توانده وه ی رژییم وه رده گیردیت.

۶ - له پارچه کردنی بنه ماله، ریکخراوه مه ده نیه کان، کۆمه لگه، ریکخستن و پارته دژبه ره کانی خۆی و ئایین و باوه ریبه کان زۆر شاره زا و فیلبازه. به گژ یه کدا ده یاندا و ده یانکاته دوژمنی یه کدی و دواتر خۆشی له لایان به نیوژیوان و چاره ناس و چاره دۆز و پنا ده کات.

۷ - مه کینه ی پشیویی نانه وه و ناکوکییه. له پیناو چاوله ده ست بوون و به سه تنه وه یان به رژییمه وه، له نیوان گه لان پشیوی و ناکوکی باوه ری، مه زه به بی، نه ته وه یی، سیاسی، کۆمه لایه تی و ئابووری ده نیته وه.

۸ - ئیران دوورگه ی کۆپله کردنی مرۆقه. هه لبه ت کۆپله دارکردنی گه ل زۆر نه رم و نیانه. واتا به په موو سه ری مرۆقه کان ده بریت، بۆ ئه وه ی هه سه ت به و مرده بۆ ئیشه بکه ن. بۆیه رژییمی ئیران بووه ته دوورگه ی کۆپله کردنی تاک و کۆمه لگه. ده رنه نجامی ئه و سیاسه ته تاک و کۆمه لگه له ئیراده و هیژ بۆ به ری ده کات.

۹ - دیموگرافیای کۆمه لگه ده گۆریت. به بیانوی ئاسایشی نه ته وه بی، یه کپارچه بی خاک و پاراستنه وه کۆچ کردنی زۆره ملی، گواسته نه وه و دوورخسته نه وه و ره خساندن هه لی کار په ره به و سیاسه ته ده دات. له و پیناوه دا باوه ری، مه زه به ب و نه ته وه کان پارچه و لاواز ده کات تا له سه ر ئیراده یان سه ره ور بێت و له ژیر کۆنترۆلی خۆیدا رایان بگرییت.

۱۰ - رژییمی ئیران دوورگه ی سام، ترس و تۆقاندن و هۆفتییه. ئه وه ش به سیاسه تی له سیداره دان، هه ره شه و گوره شه، کوشتن، گرتن و کۆمه لکوژی له ناو کۆمه لگه دا دروست ده کات.

۱۱ - له سیخوڕ دروست کردن و جاش و به کریگیراویدا لیها تووه و به جیگه ی کۆمه لگه ی خاوه ن ئیراده و باوه رپه مند، تاک و کۆمه لگه ی سیخوڕ و جاش بو نیاد ده نیت. واته چه ندیک سیسته می جاشایه تی

به همان ئەندازه دەرفه‌تی کۆنترۆڵ و ئاراسته‌کردن و رێوه‌بردنی فه‌راهه‌م ده‌بێت.

رژیمی ئێران رژیمی مه‌رگه

ئهم چه‌ند میتۆد و تاییه‌مه‌ندیه سه‌ره‌کیه‌ی باسما‌ن کرد وای کردووه که رژیم له‌په‌ی‌په‌وه کردنی شه‌ری فره‌په‌هه‌ند له‌دژی گه‌ل و کۆمه‌لگه‌ به‌هه‌ستیا‌ری و سه‌رنجه‌وه بچوولێته‌وه. چون ب‌لا‌و‌کردنه‌وه‌وه گه‌شه‌پیدا‌نی توخمی داگیرک‌ه‌ری و تاییه‌مه‌ندیه نه‌گ‌ریسه‌کانی رژیم، جاده‌ی ق‌ر‌کردنی کۆمه‌لگه‌یا‌ن قیرتا‌و کردووه و به‌و ر‌ی‌باز‌ه‌ خ‌یر‌ایی و ده‌رفه‌تی ئەوه‌یا‌ن زیاتر خ‌ۆش کردووه تا کۆمه‌لگه‌ به‌ره‌و مه‌رگی هه‌نگاو به‌هه‌نگاو په‌ل‌ک‌یش ب‌که‌ن. ئەوه‌ش رژیمی ئێرانی کردووه‌ته رژیمی مه‌رگ، که ر‌ۆژانه به‌ تاکتیک و ر‌ی‌باز‌ه‌کانی شه‌ری ه‌ی‌بریدی گ‌یا‌ن و ر‌ۆحی مر‌ۆفه‌کان ده‌ک‌یش‌یت. واته ئیراده‌ی خ‌ۆ‌پ‌را‌گری و به‌رپه‌رچ‌دان‌ه‌وه و هه‌ست و س‌ۆزی بو‌و‌ژانه‌وه‌وه ژیا‌نه‌وه له‌کۆمه‌لگه‌ زه‌وت ده‌کات. ئهم تاییه‌مه‌ندیانه ب‌ۆ خ‌ۆی فه‌لسه‌فه‌ی هه‌بوونی ش‌کل گ‌رت‌ن و به‌رده‌وامی رژیمی مه‌رگه. ب‌ۆ‌په‌ پ‌ی‌ن‌اسه‌ی رژیمی ئێران به‌ رژیمی شه‌ری ه‌ی‌بریدی یا شه‌ری تاییه‌ت ز‌ۆر واتادار و له‌ج‌یدا ده‌ب‌یت. چون ئاما‌نجی شه‌ری ه‌ی‌بریدی له‌دژی مر‌ۆف مه‌رگی هه‌نگاو به‌هه‌نگاوه. ئەو کات رژیمی ئێران له‌هه‌موو جومگه‌کانی ناو کۆمه‌لگه‌ په‌ره‌ به‌و روانگه‌یه‌ ده‌دات. ئەو ۱۷ خ‌اله‌ی ئاما‌زه‌مان پ‌یدا هه‌و‌ینی گ‌رسا‌ندنی رژیمی ه‌ی‌بریدی و رژیمی مه‌رگی ئێرانه.

ل‌یره‌دا گ‌رنگه‌ که ئاما‌زه به‌و باب‌ه‌تانه‌ش ب‌که‌ین که رژیم به‌ چه‌ ری و ر‌ی‌باز‌یک ئەو تاییه‌مه‌ندیانه‌ی رژیمی مه‌رگ یا ده‌سه‌ل‌انداری و ده‌وله‌ت‌داری خ‌ۆی له‌ناو ه‌ز‌ر و هه‌ستی مر‌ۆفه‌کان به‌ ج‌ی‌ ده‌کات، ناو‌ل‌ی‌نا‌ن و پ‌ی‌ن‌اسه‌کردنی ۷ خ‌الی بنه‌ره‌تی ب‌ۆ ته‌وا‌و‌کردنی باب‌ه‌ته‌که‌ گ‌رنگ ده‌ب‌یت که له‌ژ‌یره‌وه ب‌ۆ خ‌و‌پ‌نه‌ر ر‌ی‌باز‌ ده‌که‌م.

حه‌وت ر‌ی‌باز‌ی بنه‌ره‌تی شه‌ری ه‌ی‌بریدی رژیمی مه‌رگی ئێران له‌دژی گه‌لی کورد له‌ر‌ۆژ‌ه‌ه‌ل‌اتی کوردستان و گه‌لانی ئازاد‌ی‌خواز له‌ئێران و ناوچه‌که

په‌ره‌ب‌س‌ی‌ن‌یت، هه‌ژمونی ده‌سه‌ل‌ات سه‌ر کۆمه‌لگه‌ زیاتر ده‌ب‌یت. ناوه‌نده‌کانی وه‌زاره‌تی ئی‌ت‌لا‌عات، ئی‌ت‌لا‌عاتی سوپای پاسداران، حیفا‌زه‌ت ئی‌ت‌لا‌عاتی سوپا و ر‌ی‌ک‌خ‌راوه‌ی به‌سیج له‌ب‌لا‌و‌کردنه‌وه‌ی ئەو دیارده ق‌ی‌زه‌ونه‌ پ‌ش‌کی ش‌ی‌ریان وه‌به‌رکه‌وتووه.

۱۲ - ژن کوژ و جوان کوژه. ئەوه‌ش له‌ژ‌یر ناوی ناموس، سه‌رک‌یشی و یاخ‌یگه‌ری ره‌وا‌یه‌تی پ‌ی‌ده‌دات. واته کوژه‌ری ژیا‌ن و ئازادی و دا‌ه‌ی‌نا‌نه. ب‌ۆ‌په‌ خاوه‌ن عه‌ق‌لیه‌تی تاریک‌په‌رست و شو‌ق‌ی‌ن‌یزمه. له‌به‌ر ئەوه‌ی رژیم هه‌م‌یشه به‌رپه‌رچی نو‌ی‌بو‌ونه‌وه و دا‌ه‌ی‌نا‌نی جوانان ده‌ب‌یت‌ه‌وه و به‌ کوش‌تی‌ان ب‌یرجوانی و ژیا‌نه‌وه له‌کۆمه‌لگه‌دا ته‌ف‌رو‌تونا ده‌کات.

۱۳ - که‌سایه‌تیه‌ک بو‌ن‌یاد ده‌ن‌یت که به‌ هاشووه‌ووش و گ‌الته و گه‌پ راز‌پ‌ندا‌وه‌ته‌وه و ئەو که‌سایه‌ت له‌یاسا و ر‌ی‌سای ژیا‌ن هه‌ل‌د‌یت و نا‌که‌و‌یت‌ه ناو د‌س‌پ‌لین و جدیه‌ته‌وه. ئەو چه‌م‌که‌ش تاک‌یک‌ی ب‌ی‌ به‌رپ‌رس‌یار و خه‌مسارد پ‌ی‌ده‌گه‌یه‌ن‌یت.

۱۴ - ته‌ک تیپ کردنی کۆمه‌لگه‌ به‌ بنه‌ما ده‌گر‌ی و ئەو تیپه‌ش له‌سه‌ر بنه‌ما و فه‌لسه‌فه‌ی ولایه‌تی مو‌ت‌له‌قه‌ی فه‌قیه‌ ش‌ک‌لی پ‌ی‌ده‌دات و له‌ئه‌ده‌بیاتی رژیم به‌ تیپی خ‌ۆم‌الی (خودی) ناودارن.

۱۵ - تاک‌یک‌ی پوو‌چ‌گه‌را و نه‌ی‌لی‌ستی ده‌ئاف‌ر‌ی‌ن‌یت. واته راده‌ستی قه‌زا و قه‌ده‌ر ده‌بن و له‌دیار‌کردنی چاره‌نووسی خ‌ۆیا‌ندا ه‌ی‌چ ر‌ۆل و به‌رپ‌رس‌یا‌ریه‌تی یا‌ن له‌ئه‌ست‌ۆ نییه. چون له‌پ‌روانگه‌ی رژیم تاک ه‌ی‌چه و ه‌ی‌ز و ده‌سه‌ل‌ات له‌لای رژیمه و هه‌ر تاک‌یک وه‌ک به‌نده‌ی ده‌سه‌ل‌اته و پ‌ی‌و‌ی‌سته تا مردن له‌خ‌زمه‌تی ده‌سه‌ل‌ات‌دا ب‌یت. ئەو روانگه‌ ده‌رگا ب‌ۆ فه‌لسه‌فه‌ی پوو‌چ‌گه‌راییی تاکه‌کانی ناو کۆمه‌لگه‌ خ‌ۆش ده‌کات.

۱۶ - تاک‌یک‌ی ب‌ی‌ به‌رپ‌رس‌یار، ب‌ی‌ هه‌ل‌و‌ی‌ست و س‌ر‌ک‌راو پ‌ی‌ده‌گه‌یه‌ن‌یت. ئەوه‌ش واده‌کات تاک چاو له‌ده‌ستی ده‌وله‌ت و ده‌سه‌ل‌ات ب‌یت و ب‌روای به‌ ه‌ی‌ز و ئیراده‌ی خ‌ۆی و کۆمه‌لگه‌ نه‌م‌ی‌ن‌ی.

۱۷ - تاک و کۆمه‌لگه‌ی ب‌یکار و ب‌ی‌ به‌ره‌م بار د‌ی‌ن‌یت. به‌و روانگه‌یه‌ تاک و کۆمه‌لگه‌ به‌ جومگه‌کانی ده‌سه‌ل‌اته‌وه ده‌به‌س‌ت‌یت‌ه‌وه. به‌و واته‌یه‌ی ده‌وله‌ت به‌ره‌م‌ی‌نه‌ره و کۆمه‌لگه‌ به‌ره‌م‌دار و خاوه‌ن کار ده‌کات. چه‌ند‌یک کۆمه‌لگه‌ ب‌یکار و ب‌ی‌ به‌ره‌م ب‌یت،



بریتین له:

۱ - پروپاگاندهی ههوالگری (اطلاعات)

۲ - کودهتای سیاسی و ههولە دیپلۆماسیه کان

۳ - به کاربردنی فاکتوری بازرگانی و ئابووری

۴ - کۆنترۆڵ و له ناو بردنی ژێرخانی ئابووری

۵ - به کاربردنی چهکی قهدهغه کراو و کردهوهی دوور له پێوهره مرۆییه کان له دژی هاوڵاتیانی کورد و دهرهوهی کورد

۶ - به کارهێنانی کۆنترۆ گهریلا و جاش و هیزی پاراملیتهر و به پاره

۷ - سه فهر به رکردنی راگه یانندن

ههر یهک لهو ریبازانهش ئاماژه مان پێدا، به م ۵ میتۆدهی خوارهوه له دژی گهل و کۆمه لگه پراکتیزه ده کریت؛

ئا - بونیادنانی زیهنیته

ب - کۆنترۆلی فکر و ته فگهر کردن

پ - شه پی دره وونی - ئیقناع کردن

ت - به کاربردنی زهر و زهنگ

ج - ئیستخبارات - ههوالگری

بوو خۆی رێ و ریبازی تاییه تی ههیه که به م شیوهی خوارهوه ئاماژه یان پێده ده م.

ئا - بونیادنانی زیهنیته

کاریگه ری له سه ر چاند و باوه پی مرۆقه کان داده نیت. بۆیه هه موو ناوه ندانه کانی کۆمه لگه ده خاته ژێر رکیفی خۆی و له یه که م هه نگاودا رژی م زهین و هزری تاکه کان ده کاته ئامانج و داگیرکه ری زیهن نه نجام ده دات. واته رژی م به پروپاگاندهی ساخته هزری تاکه کان ده شو ریته وه و دهر فه ت بوو فه تحکردنی که سایه ت و جه سه تی تاکه کان خو ش ده کات. واتا به و میتۆده تاکه که بوو تاکیکسی دیکه ده گو ریت. هاوشیوهی رو بۆتیک له کۆنترۆلی خویدا به رپۆه ی ده بات. چ زانیاری و داتایه کی سه به ره ت به شووناس، هه بوون، میژوو، جوگرافیا، سیسه ت و ژیان له زهینی مرۆقه کاندایه بیته، ده یسه رپیته وه و به زانیاری و به لگه ی ساخته و داتاشراو پی ده کاته وه. بۆیه زیهنی ئه و تاکه چ شتیک تیییدا جیگیر ده کریت، کرده وه که شی ئاوینیه ی ئه و زه نه ده بیته که شکی پێدراوه.

ئه وه ش به رینگه ی؛

۱ - بونیادنان و بلاوکردنه وهی ئایدۆلۆژی

۲ - دروست کردنی تیوری

۳ - ئاواکردنی ئه فسانه

ههر یهک لهو میتۆدانهش به م ریبازانهی خوارهوه تاک و کۆمه لگه بونیاد ده نین. واته ههر یه که یان

«شەرى ھەۋالگىرى رىيازى مۆدېرن و سەرتاپاگىرى شەرى ھىبرىدىيە. ئامىر و ناۋەندى كۆنتېرۇل و چاۋەدىرى تاك و كۆمەلگەيە. بەم رىبازە رژىم چاۋ و گوپى دەسەلات ناۋ كۆمەلگە دادەمەزىنئىت تا ترس و تۆقاندن دلەراوكى ناۋ كۆمەلگە پىش بخت»

۴ - چەۋاشە كىردنى مېژوو

۵ - قىر كىردنى جەستەيى، چاندى، كۆمەلەيەتى و زمان
شكىل پىدەدات و زەننە تىك لەناۋ كۆمەلگە بونىاد
دەنئىت كە تا دوايى پاپەندى سىستەمى و لاىەتى
موتلەقەي فەقىيە بىت.

ب - كۆنتېرۇلى فكر و تەفكەر كىردن

ناۋەندەكانى شەرى تايىبەت بۆ ئەۋەي فكرى تاك
و كۆمەلگە كۆنتېرۇل بىكەن و لەقازانجى خۇياندا
ئاراستەي بىكەن، بىر لەھەر شىتېك دەكەنەۋە و ھەر
رى و رىبازى دژە مەۋىي پەپرەۋ دەكەن. سەرەتا رژىم
تاك گىرۇدەي ئەۋ ئايدۇلۇژيەي كە مەبەستىيەتى
دەكات و بە تىۋرى، ئەفسانە و باۋەرى ساختە فكرى
كۆنتېرۇل دەكات و لەپىناۋ ئامانجەكانى خۇي چالاكى
دەكات. واتە داگىر كىردنى ھىزىر و بى ئىرادە كىردنى
مروڧ بە ماشەي؛

۱ - تەحرىك و ھاندان

۲ - دىماگۇژى و ھەرەشە

۳ - پىلانگىرى - سۆزى درۆ

۴ - تىكەل و پىكەلى و شارەندەۋەي راستىيەكان

۵ - بە بلاۋ كىردنەۋەي ماددەي ھۆشەر و كولتورى
فاحشەگەرى زەبىن و ھىزرى كۆمەلگە كۆنتېرۇل
لەقازانجى خۇي بە كارى دەبات.

پ - شەرى دەروونى - ئىقتىناع كىردن

لەم مېتۇدەشدا دەسەلات بۆ ئەۋەي كۆمەلگە لاۋاز
و پەرتەۋازە بىكات، شەرىكى قوۋلى دەروونى لەدژى

تاك و لاىەنە دژبەرەكانى خۇي بەرپوۋە دەبات. واتا
بەۋ شەرى پىسكۆلۇژى گەل و كۆمەلگە تىكەدەدات و
ترس و تۆقاندن لەزەينى مەۋقەكان دەچىنئىت. تاك
و كۆمەلگە دەگەيەنئىتە دۇخىك كە ھەمىشە لەناۋ
گومان، دوۋدلى و پارايدىا بژى. بىرواي بە ھىزى
گەۋھەرى خۇي نەمىنئىت. بەۋ شەرى قەناعت
لەلاي تاك دروست دەكات كە تواناي خۇپراگىرى
تىكۆشانى لەبەرامبەر ئەۋ شەرى دەروونىيە نىيە
قەزا و قەدەرېك كە بۆي دەستىشان كراۋە، خۇي
رادەستى بىكات و ھىچ جوۋلەيەك لەپىناۋ گۇرانكارى
ئەنجام نەدات. بۆيە رژىم ھەموو گۇرەپانەكانى
ژيانى لەدژى گەل بە شەرى دەروونى ئالاندوۋە،
ئەۋ شەرى لەپىناۋ؛

۱ - بى مۇرالى كىردنى ھىز و لاىەنەكانى بەرامبەر

۲ - مۇرالىزە كىردنى لاىەنگرانى خۇي لەسەر بنەماي

پوۋچ

۳ - پىشخستى ھەستى فەرمانبەرى و دەسەلاتخۋازى

ناۋ تاكەكانى كۆمەلگە

۴ - فرىودانى جەماۋەر

۵ - تاك و كۆمەلگە لەخىزەتى ئامانچ و پىلانەكانى

تر بە كاربىردن

۶ - گۇرانكارى لەچاند و فەرھەنگى رەسەنى

كۆمەلگەدا بىرەۋ پى دەدات.

ت - بە كاربىردنى زەبر و زەنگ

رژىم لەشەرى ھىبرىدىدا ھاۋشانى شەرىكانى دىكە
بە مېتۇدى زەبر و زەنگ سىياسەتى بە چۆكداھىتەنى
كۆمەلگە لەبەرامبەر دەسەلات بەرپوۋە دەبات. واتە
رژىمى ئىران رژىمى زەبر و زەنگە. كە لىۋانلىۋە
لە توندوتىژى و شەپانگىزى. تايىبەت ئەۋ تاك و
كۆمەلگەيەي كە ئامادە نەبىت زەينى فەتخ و
داگىر بىركىت و ھەستى ئازادىخۋازى و تىكۆشانى
درەۋشاۋە بىت، زىاتر روۋبەروۋى زەبر و زەنگ
دەبىتەۋە. بۆ پىشخستى ئەۋ سىياسەتەش ناۋەندە
سەركوتكارىيەكانى ۋەك؛

۱ - ئەرتەش و يەكىنەي تايىبەت

۲ - كودەتاي سىياسى و سەربازى

۳ - كۆنترە گەرىلا

۴ - به کارهیتانی زانیاری و به لگه کان له دژی گه ل و کۆمه لگه به کار ده بات.

رژیمی ئیران رژیمی هه والگریه

۱ - ریازی پروپاگاندهی ئیستخبارات - هه والگری چییه و رژیم چۆن له دژی گه ل و کۆمه لگه به ریوهی ده بات؟

هه والگری ده زگایه کی شاروهی ده ولته تی و ناده ولته تییه که تایه ته به کۆکردنه وهی زانیاری و شیکردنه وهی له جیه جیکردنی سیاسه تی لایه نیککی دژ بهر. واته کۆکردنه وهی زانیاری له سه ر ده ولته تان و دامه زراوه بیانیه کان، پارت و ری کخراوه کانی کۆمه لگه ی مه ده نی و سه رجه م جومگه کانی کۆمه لگه و ده سه لات له پیناو بهرگری کردن له دزه کردنی هه والگری ده ره کی که بهرزه وه ندیه نیشتمانی و نه ته وه ییه کانی لایه نیک ده کاته نامانج. یان به واتای قه لچۆ کردنی هه والگری و یان ئازانسی قه لچۆ کردنی سیخور، یان هاوبه شی کردنی ئازانسی قه لچۆ کردنی هه والگری له کرده ی نه ییدا که به شیوه ی نه یینی و زۆر شاروه ئه نجام ده دریت.

له و پیناوه دا شه ری ئیستخبارات - هه والگری به و ری کخراو و کاره ده گوتری که به هه ر جو ره کار و خه باتی کۆکردنه وهی هه وال، پاراستن و به کاربردنی هه سه رقاله.

رژیم به ریگه ی سئ سه رچاوه ی هه والده ری ئیستخبارات (زانیاری) شه ری هه والگری له سه ر کۆمه لگه به ریوه ده بات که بریتین له:

۱ - سه رچاوه ی کراوه - باز

۲ - سه رچاوه ی نیوه کراوه - نیم باز

۳ - سه رچاوه ی به ستراو - به سه ته

به و پیه رژیمی ئیران رژیمی ئیستخباراتییه. چون هه ر کار و چالاکیه کی له دژی گه لان له و چوارچیوه یه دا به ریوه ده بات. تایه ته میتو د و هونه ری ئه م ریازه شه ره له وه دایه که ئه و شتانه ی له لایه ن به رامبه ره وه داخراوه، بکریته وه. بویه ئه وه ش فی ل و ته له که بازی ده ویت. له سه ر ئه م بنه مایه به م شه ره شه ری فی ل بازیش ده گوتریت. ئه وه ش وه ک هونه ری ک

«شه ری زانیاری بهرینترین و

به رفراوانترین شه ری هیبریدی

ده ولته، هیز و لایه نه کان

له دژی یه کدی و کۆمه لگه یه.

گه وره ترین چه کی شه ری سه رده مه.

مه ترسیدارترین و نه رمترین ریازی

کوشتنی مروقه. واته به روانگه ی رژیم

زانیاری هیزه. هیزیش ده سه لات»

۴ - زیندان و ریازی ته سلیم وه رگرتن

۵ - به کریگیروای چه کداری له سوپای پاسدارانه وه تا هیزه سه له فی و سیبه ره کانی رژیم له ناوچه که داده مه زرینیت و پالپشتیان ده کات و تایه ته له ناو بنه مالده دا که کۆله که ی راگرتی ده ولته ته ئه و سیاسه ته ی زیاتر له دژی ژنان وه گه رخته وه.

ج - ئیستخبارات - هه والگری

شه ری هه والگری ریازی مو دیرن و سه رتا پایی شه ری هیبریدییه. ئامیر و ناوه ندی کۆنترۆ ل و چاودیری تاک و کۆمه لگه یه. به م ریازه رژیم چا و گوئی ده سه لات له ناو کۆمه لگه داده مه زرینیت تا ترس و تو قانندن و دله پاوکئ ناو کۆمه لگه پیش بخات. واته وه زاره تی ئیتلاعات، ئیتلاعاتی سوپای پاسداران و حیفازه تی ئیتلاعات و ری کخراوه ی به سیج ئه و ناوه نده سه ره کیانه ن که به ئامیره کانی شه ری هیبریدی کۆمه لگه یان رووبه پرووی بۆردومانی هه والگری کردوه ته وه. لۆژیکیکیان له ناو کۆمه لگه په ره پیداه که ده ولته هه ر تاکیکی خسته ته ژیر چاودیری خو ی و کئ به ره نگاری ده سه لات و ده ولته بیتنه وه له لایه ن ئه و ناوه ندانه وه قۆلبه سه ده کریت.

رژیم ئه م ریازه بو؛

۱ - زیندوو هیشتنه وه و بلاو کردنه وه ی خیانه ت

۲ - به ستنه وه ی ئابووری و بیوده سه لات

۳ - په ره پیدانی بی باوه ری ناو کۆمه لگه



بیت، سەرۆهری شەڕ دەکات. ئیستا رژیمی ئێران بەو لۆژیکە لەناو شەڕیکی نابەرانبەر و لاسەنگە لەدژی کۆمەلگە. رژییم بە شەڕی هەوالگری - زانیاری کۆمەلگە کۆنتڕۆڵ و ئاراستە دەکات. هاوکات کۆمەلگە لەزانیاری دادەمالییت و بە زانیاری فووتیکراوی خۆی پڕچەکی دەکات و کۆمەلگەیی پێ دادەمرکینێت. رژییم لەم شەڕەدا بە رێگەیی تۆڕ و دامەزراره کانیوهه زانیاریه کانی گەل و کۆمەلگە زهوت و حهپه لووش دهکات. خۆی به خاوهن زانیاری و سەرۆهری به سەر هەر زانیارییهک که عایدی کۆمەلگەدا بییت، وێنا دەکات. لەبەرپهتدا رژییم چهواشه کاری و پیاوان کردن لەزانیاریدا ئەنجام دەدات. زانیارییهکان به گوێهری بهرزهوه ندییه کانی دهسهلات لهشاشه بریقه داره کانیوهه به نمایش دهکات. بۆیه رژییم لههموو گوپه پانه کانی ژیانی کۆمەلگە دهیهوویت به چهکی چهواشه کاری و لهخشته چوون گەل په لکیشی ناو تۆپه کانی دهسهلاتی بکات و ناوه پوکی بابته و رووداوه کان به گوێهری ویست و بهرزهوه ندییه کانی خۆی ئاراسته و بهربلاو بکات.

رژییم بۆ ئەوهی له شەڕی هەوالگریدا ههژمونی خۆی به سەر کۆمەلگەدا بسهپینیت بهم چەند رییازهی خوارهوه شەڕی هەوالگری پتهو، قایم و ناسایی لەدژی گەل و کۆمەلگە ئەنجام دەدات که بریتین له:

لهلایه ن رژییمه وه له دژی گەل و کۆمەلگە به کار دهبریت. ئەم شەڕهش به رییازه کانی سیخوپی - دزه پیکردن، دهز ئەنفورماسیۆن (بلاو کردنه وهی زانیاری ههله)، فریودان، ئاراسته کردن، به تیکشکاندنی شوپشگێرێک ته سلیم گرتنی گرووپییک یان دروست کردنی بێ باوهپی له به رامبه ری، به لاین و سۆز پیدانی بێ بنه ما، تاکتیکی پۆلیسی باش و پۆلیسی خراو، شەڕی دهروونی و تیکه لاو سه رجه میان کار و خهباتی ئیستخباراتی شه پرن که رژییم له دژی گەل و کۆمەلگە به رپوهی دهبات. واته ئەو رییازانه له هەر گوپه پانێک به گوپهری شه رت و مه رچی مه کان و زه مان له قازانجی رژییم ده خه ملینریت و کۆمەلگەیی پێ ژه هراوی ده کهن.

شەڕی زانیاری به رینترین و به رفر او اتترین شەڕی هیپیدی ده ولت، هیژ و لایه نه کان له دژی یه کدی و کۆمەلگه به. گه و ره ترین چه کی شه پی سه رده مه. مه تر سیدارترین و نه رمترین رییازی کوشتنی مرۆقه. واته به روانگه ی رژییم زانیاری هیژه. هیژیش ده سه لات. بهو پێیه زانیاری له لای ده سه لات که له که کراوه و رژییم خۆی به خودای زانیاریه کانی سه ر مرۆف و کۆمەلگه وێنا ده کات. رژییم هه موو جومگه کانی کۆمەلگه ی کۆنتڕۆڵ و ده ستی به سه ر هه موو به ره هه م و دا هینانه کانی کۆمەلگه دا گرتووه. زانیاریه کانی گەل و کۆمەلگەیی تاپۆ و قورغ کردووه. له م سه رده مه دا چ لایه نیک خاوه ن هیژ

تورکیا، ئیران و عیراق نەبیت، دەولەتی تورکیا چۆن دەتوانیت ناوچەیه کی وهک ئاسۆس و پینچوین که نزیکهی ۲۰۰ کیلۆمەتر لەسنوورەکانی خۆی دوورە، بۆردومان بکات و بەو شیۆهیه سنوورەکانی باشووری کوردستان بەزینیت.

۴ - رۆشنیبری ئاسایشی نێوان هیژ و تاقمە چەکدارەکان و سەرجم ناوهند و دەزگا دەولەتیەکان، بەو مەبەستە ی هەر ناوهندیک وەرچەرخینیتە ناوهندی هەوالگری رژی. چون ئەو ناوهندە هەوالگریانە دەبنە چاو و گوپی دەسلەتدارانی رژی. بۆیه رژی چەندیک چاو و گوپی لەناو کۆمەلگە زیاد بکات، ئەوهندە سەروری لەسەر کۆمەلگە دروست دەبێ و مەترسی و هەرپەشەکانی سەر خۆشی کەم دەکاتەوه.

۵ - لەهەموو جومگەکانی دەسلەت راپێنانی هەوالگری ئەنجام دەدات. واتە رژی دەیهوینت هەر تاک و ناوهندیکی کۆمەلگە ببیتە ناوهندیکی هەوالگری بۆ رژی کە بەرگری لەبەرژەوهەندیەکانی رژی بکات. ئەوەش لەلایەن تۆرەکانی هەوالگرییەوه لەچوارچێوهی سەرپەرشتی کردن، دانانی پلان و جێبەجێکردنی زانیارییە هەوالگریەکان لەناو کۆمەلگە برەوی پێ دەدریت.

۶ - رژی لەژێر ناوی ئۆپراسیۆنی هاوبەش بۆ قەلاچۆکردنی تاوان بە تاییەت قەلاچۆکردنی مادەیی هۆشەبر شەری هەوالگری لەدژی کۆمەلگە بەرپۆه دەبات. هەلبەت ئەو شەپەش بۆ رەوایەت دان بە شەری هەوالگری و ئاسایی کردنەوهی ئەو رییازە شەپە لەناو کۆمەلگە بە کار دەبات. چون بۆلۆکردنەوهی مادەیی هۆشەبر لەچوارچێوهی شەری هەوالگری رژی لەدژی کۆمەلگە بەرپۆه دەبرێ و ئەوەش بۆ خۆی پیلانیکی بەرنامە بۆداریژراوی رژی مە کە لەدژی کۆمەلگە بەرپۆه دەبریت.

بەردەوامی دەبێ

۱ - بە کارهێنانی سەرچاوهی زانیاری بەردەست بۆ چاودێری، کۆنترۆل و پووچەل کردنەوهی ئەو چالاکیانە ی کە بەرژەوهەندیەکانی رژی دەخاتە ژێر مەترسییەوه. ئەوەش بە رێگە ی سیخوڕ و تەکنیکەوه مسۆگەر دەکات.

۲ - دلبابوونەوه لەباش ریکخستن و لایەنداری سیخوڕ و مۆرەکانی لەدام و دەزگا هەوالگرییەکان. هەرچەند کە رژی ئەمرۆ لەکوردستان متمانەشی بە تۆرە سیخوڕیەکانی نەماوه و بەردەوام بە گومان و دوودلی مامەلەیان لەگەل دەکات. بۆیه لەناو کۆمەلگە و ناو دەزگە ی دەولەتیشدا سووک و چرووک کراون.

۳ - هاوکاری و پیکهوه کارکردن لەگەل دام و دەزگا هەوالگری و قەرکەرەکانی دەولەتانی دیکە ی ناوچە کە تاییەت تورکیا، عیراق و ولاتانی دیکە ی جیهان. ئەوەش بە مەبەستی گۆرینەوهی زانیاری و دەستکەوتی کاری گرنگ و بەشداری لەکۆنسیپتی هاوبەشی هەوالگری کە لەچوارچێوهی ئۆپەراسیۆنی هاوبەشی هەوالگری بەرپۆه دەچیت. ئەو ئۆپەراسیۆنەش لەژێر ناوی بە دیپتانی ئاسایشی نەتەوهی و پاراستنی یەکپارچەیی خاک و سڕینەوهی هەرپەشە ی تیرۆر و بەرقەراری ئاسایشی سنوور ئەنجام دەدریت. ئەم پیلانە هاوبەشەش بە مەبەستی پووچەل کردنەوهی جوولە و شەپۆلی ناپەزایەتی و تیکۆشانی رەوای گەل و پاکتاوکردنی لایەنی دژبەری خۆی بەرپۆه دەبریت. مەوونە ی ئەو هاوکاری و پیکهوه کارکردنە لەنێوان دەولەتانی تورکیا، ئیران و عیراق لەدژی گەلی کورد و تەفگەری ئازادیخوازی گەلی کورد زۆرن و تا بە ئەمرۆش ئەو هاوکاریانە بەردەوامن. سەرەرای ئەو ناکۆکیە قوولە ی کە لەنێوان لایەنەکان لەئارادایە، هاوکاری و ئۆپەراسیۆنی هاوبەشی ئەو هیژە داگیرکەرەکانی کوردستان لەدژی گەلی کورد رانەگیراوه. تا ئیستا لەسەر زانیاری پیدانی رژی ئیران بە تورکیا بە دەیان جار بنکەو بارەگاکانی پەژاک لەپینچوین و ئاسۆس کراونەتە ئامانجی بۆردومانی فرۆکە جەنگی و بێ فرۆکەوانەکانی دەولەتی تورکیا کە لەئەنجامدا بە دەیان گەریلا و هاولاتی مەدەنی شەهید بوون. ئەگەر هاوکاری و پیکهوه کارکردنی



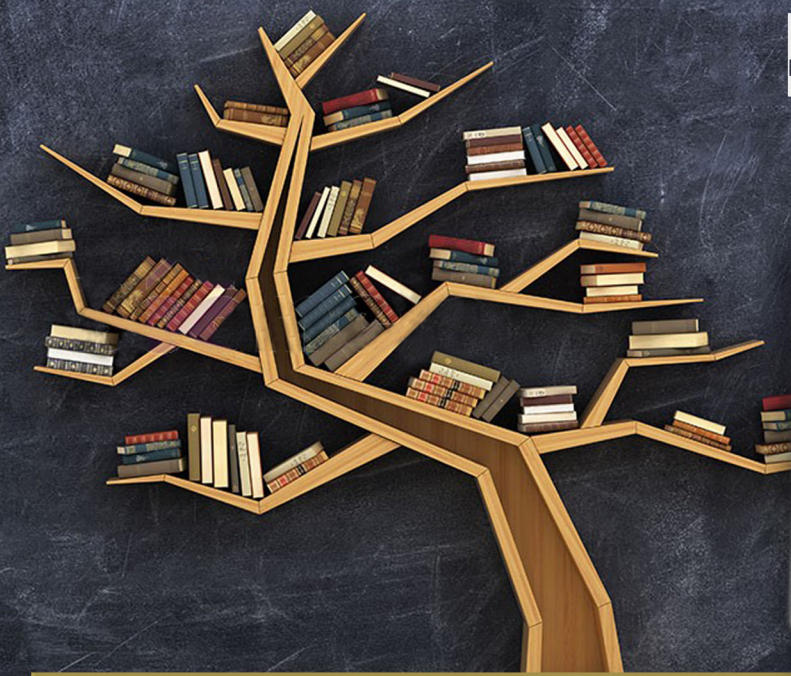
شەھید رۆنى جوانرۆ



شەھید ئازوان چلچەمە



شەھید ھاوړى بیکەس

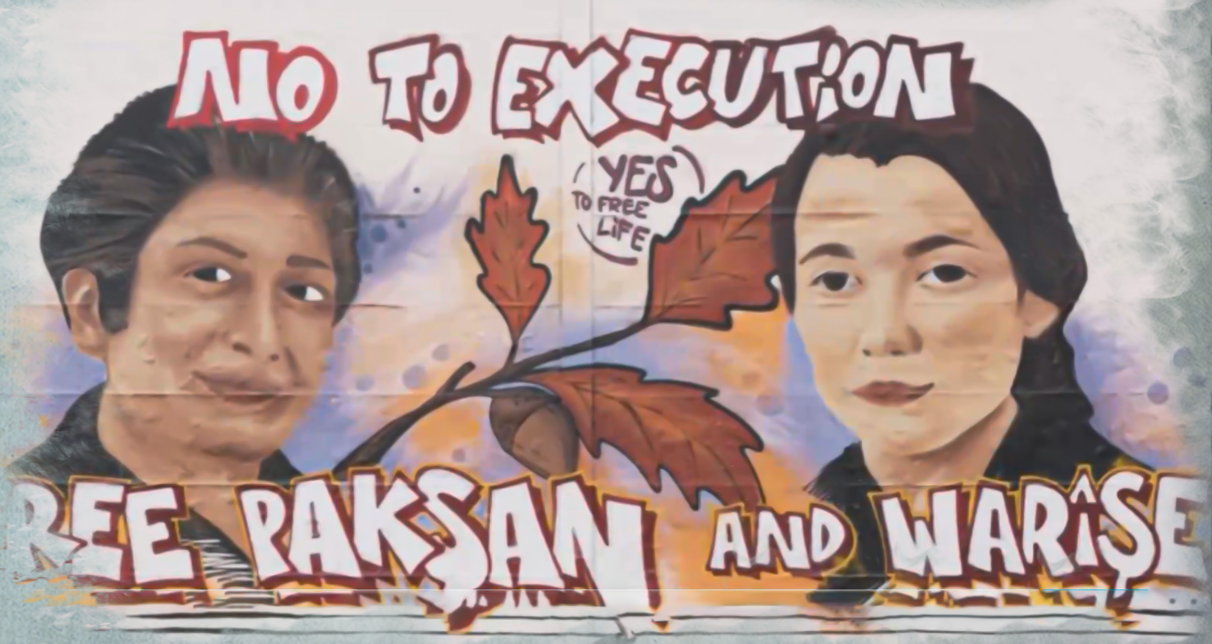
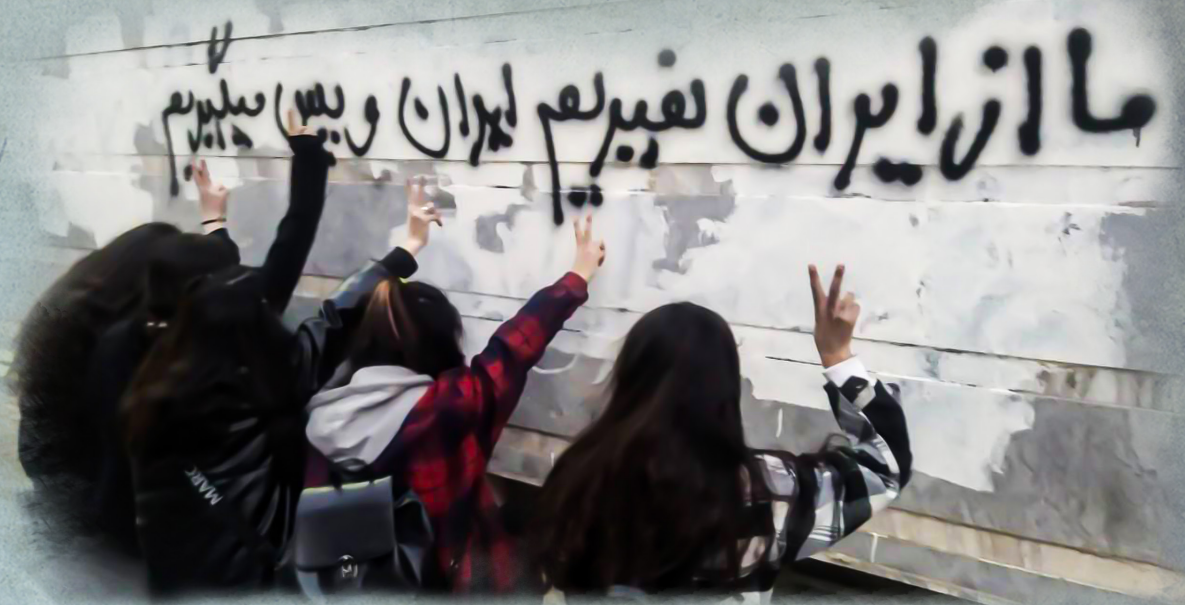


کتاب «تاریخچه تکوین ژن، ژیان، آزادی»

از سوی «کمیته پژوهش‌های استراتژیک پژاک» تدوین شده

«کمیته پژوهش‌های استراتژیک پژاک» با تدوین و نگارش کتابی به نام «تاریخچه تکوین ژن، ژیان، آزادی» تلاش کرده بصورت مفصل و موجر بنیان‌های تاریخی ژن، ژیان، آزادی از شروع تا امروز را مورد واکاوی قرار دهد تا شناختی کافی نزد جستجوگران آن شکل گیرد. در این اثر به قلم کمیته تدوین‌کننده آن آمده: «نگارش تاریخچه تکوین دوره‌ای - زمانی «ژن، ژیان، آزادی» را می‌توان صرفاً محدود به دوره‌ای کوتاه دانست که در آن رسماً فقط از یک شعار استفاده شده باشد. اساساً این تاریخچه دارای یک تبارشناسی با ریشه‌های عمیق در روح جنبش آزادیخواهی گرد با رهبریت رهبر آپو و رهروی زنان آزاد می‌باشد. به همین دلیل برای کنکاش در دوره‌های شکل‌گیری اندیشه‌های بنیادین آن، بازگشت به دوره نوجوانی رهبر آپو و سپس به اوایل ظهور «حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)» الزامی است. همه‌چیز با جرقه یک اندیشه و سپس تئوریزه شدن آن و بعدها با حصول شرایط مناسب، عملی شدن در بطن انقلاب گردی، آغاز شده است. در این اثر همچنین به موضوعاتی از قبیل «ژنتولوژی»، «کرونولوژی تاریخ زنان در ادوار قدیم» و نیز «تحلیلات رهبرآپو» و «شکل‌گیری جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی» در ایران و شرق کردستان پرداخته شده است.

برای دریافت فایل می‌توانید به سایت پژاک مراجعه نمایید



Alternative 34